

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

۹۹

# بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۶۰ بهای ۳۰۰ ریال

## خجسته باد اول ماه مه

## روز همبستگی

## جهانی کارگران!



### کمون پاریس جاودانه زنده است:

### زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا!

"انقلاب پراختنکارگری ۱۸ مارس، حاکمیت سلامت از ویی جون وجرای خود را در پاریس مستقر ساخت. (مارکس - داخلی در فرانسه) روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱، کارگران مسلح پاریس با درهم شکستن ارتش اوتجا عی حکومت "تی یو" پاریس را فتح کرده و با برافروختن پرچم سرخ بر بالای شهرداری پاریس، برقراری اولین حکومت کارگری را در جهان اعلام کردند. صبح روز ۱۸ مارس کارگران قبرمان پاریس، بیورش لشکرمان حکومت "تی یو" را به تپه "مون مارترو" با قیام مسلحانه قبرمانانمانه ای درهم شکستند و با اشغال

نقشه در صفحه ۱۱



### سرمقاله

### شعار خلع ید از حزب انحصار طلب حاکم رفر میسم در پوشش "چپ"

در شرایط کنونی، کمتر کسی را میتوان یافت که بر این باور باشد که اوضاع و احوال منحل و بی ترتیبات فعلی، مسئله قدرت سیاسی را به مسئله کلسدی محدودیت است. این مسئله در این اساسی بودن این مسئله در این شرایط صرفاً بنا بر فاعله عمومی منارزه طبقاتی در کلسه حواسع و انقلابات کشورها نیست که مورد تا کند قرار نمیکرد، بلکه بوسه حطت سیاسی دورانی که حاکم معده ایران از سرمکدراند، سعی از یکموسر و رونه کمترین منارزه طبقاتی و اعتدالی انقلابی حین، واژسوی دیگر عدم ثبات و فروپاشی درونی رژیم سیاسی تضادهای روبه گسترش درونی آن و معآرانی قطبهای سیاسی طبقاتی موجود در پرا سر بحران چندجانبه حاکم پرا معده این فاعله عمومی را به مسئله ای مشخص، مبرم و عاجل تبدیل میکنند بی جهت نیست که هم اکنون بتیید در صفحه ۲

سال ۱۳۶۰،

سال بهره گیری از

تجارب و تعمیق

جنبش مقاومت

خلق کرد صفحه ۱۹

### هدف حزب

### جمهوری اسلامی

### از "احیاء" کاشانی

### چیسیت؟

صفحه ۲۳

### دستمزد و ضرورت مبارزه

### برای افزایش آن

صفحه ۱۴

### تشدید رقابتهای امپریالیستی

### در منطقه و سیاست طبقه کارگر

صفحه ۲۱

### مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نخستین مقاله

اغلب مباحثات، مشاجرات و اختلاف نظرهای میان نیروهای سیاسی مختلف، بحول این مسئله کلیدی و اساسی متمرکز و متراکم شده است. بویژه اینکه، تحولات و دگرگونی های صورت گرفته در قدرت سیاسی پس از قیام بهمن ماه، و ترکیب و ماهیت نوین آن از این پس، مماثلت بفرنج و بیجیدگی های بسیاری در برابر نیروهای سیاسی قرار داده که ضرورتی با بست به فراخور توان و نوشته خویش، به حل و فصل آنها هست می گماشتند. و دقیقاً به همین دلیل است که به برخورد به قدرت سیاسی و سیاست نیروها در برابر آن را میتوان مهمترین ملاک و محک تمامیت دمکراتیک و پیگیری ازنا پیگیری در جنبش انقلابی و دموکراتیک و پیروان تاریخی از دمکراتیک غیر پرولتری در جنبش کارگری و کمونیستی قرار داد و واقعیت نیز در این دوره نشان داد که چنین بوده است. از فردای شکلگیری قدرت سیاسی جدید، بر بستر برخورد به دولت، انحرافات متعددی ظهور یافتند و با پای تغییر و تحولات سیاسی جامعه و بویژه زیگزاگهای بورژوازی حاکم و جناحهای مختلف آن، این انحرافات تحول و تکامل پیدا کرد، که با به خط صحیح نزدیک شده و با آن فاصله گرفته و تعمیق یافته و بسا در اشکال جدیدتری تجدید حیات کرده اند. همین مسئله، در راس کلیه مسائل شوریک و عملی بر بستریک گرایش ایدئولوژیک، منشاء بسیاری ارتدادها و انشعابات متعدد و فرازونشیب های بسیار در درون جنبش انقلابی و کمونیستی گردیده است.

سازمان مجاهدین، بمناسبت یک نیروی دمکرات و ضد امپریالیست از زمان فردای قیام، حرکت خویش را در برابر رژیم جدید، در بستریک خط مشی انحرافی آغاز نمود، و با زیگزاگهای بسیار ناشی از فرازونشیب های سیاسی جامعه و بویژه قدرت سیاسی، در سیاست و عملکرد خود، در برابر دولت، سرانجام و بتدریج بریک "تحلیل" و "تاکتیک" مشخصی استقرار یافت و اکنون در تکامل این "تحلیل" و "تاکتیک"، "شماره مرحله ای" خود را نیز، مبتنی بر "خلع ید" از جناح "انحمارطلب" رژیم، تعیین نموده است.

سیر تحول و تکامل این سیاستها، در طول این دو سال، آن چیزی نیست که در اینجا مورد بحث و بررسی ما باشد. آن چیزی که در اینجا مورد نظر ماست، همین "شماره مرحله ای" جدید آنهاست که اکنون پایه و اساس حرکت و سیاست این سازمان را تشکیل میدهد، چرا که فی الواقع مجاهدین برای اولین بار است که اینچنین صریح و روشن بدور زهرگونا به ما و با هم تاکتیک و شعارهای خویش را در برابر قدرت سیاسی، عربان مینمایند و مبنای حرکت خویش را در برابر همگان، توضیح میدهند، کاری که در طول این دو سال کمتر انجام

داده بودند و البته برای این مسئله توجیهی تری هم دارند که از جمله "عملت امنیتی تاکتیک ها!" از دیدگاه آنهاست. "جدید آنها، یک نیروی انقلابی، گاه ممکن است بنا بر "مصلحتی" تاکتیک خویش را بر ملا نکنند و در قیاس نیز مثال تاکتیک های جنگی را در پیش روی ما میگذارند (۱)!" خوب این هم تماماً بیرون و بیرون است از مقوله "تاکتیک" است که مجاهدین، در فرهنگ انقلابی، وارد کرده اند تا بر غنای آن بیافزایند!

علاوه بر این، برخورد به این مسئله از آنرو اهمیت دارد، که این شعار، با ظاهر "جیب" خویش یک مضمون و درونما به فرمیستی - لیبرالی را با خود حمل میکند که صرف نظر از بدعت گذاری های نوین در فرهنگ انقلابی جامعه، با تمام بیروتفا سیر فرمیستی و انحرافی سیر حرکت جنبش را نیز به انحراف میکشاند و بر یکران ضربات جبران ناپذیری وارد میاورد. بویژه آنکه این سیاست و تاکتیک انحرافی - مجاهدین، بعنوان یک نیروی گسترده دمکرات، متأسفانه تعدادی از نیروهای جنبش کارگری و کمونیستی را نیز بنوعی تحت تاثیر لفاظیات خود قرار داده است، که آثار روشنانه های آن راز هم اکنون نا هدهستیم.

سازمان مجاهدین پس از یک وقفه در انتشار نشریه "مجاهد" دور جدیدی انتشار این نشریه را با سیاست افشاکاری وسیع بر علیه جناح "حزب جمهوری اسلامی" در هیئت حاکمه، آغاز نموده و با تمرکزتها جمعیگاتی و افشاکرانه خود به روی این جناح که دیگر مهمترین ابزارهای قدرت را در دست خویش متمرکز نموده بود، مبارزه بسا "انحمارطلبی" را به وجه عمده تاکتیک خود تبدیل نمود. این سازمان در تکامل این تاکتیک، به "شماره مرحله ای" خود نیز دست یافت و در شماره مجاهد شماره ۱۱۲، آن را تئوریزه و فورمول بندی نموده و تحت عنوان "خلع ید از حزب انحمارطلب حاکم، نخستین قدم سیاسی در راه نجات"، به سطح جنبش عرضه نمود. این شماره، هر چند کوتاه، اما بنیان های شوریک و ثالوده نظری این شعار انحرافی را، بدست میدهد. از این پس، بررسی مختصر آن، میتواند ما را به این بنیادها و نتایج عملی این شعار، رهنمون سازد. توضیح اینکه محدودیت ستون های شماره، به ما اجازه نمیدهد که این بررسی را از محدوده توضیحاتی مختصر و فشرده، بیرون مهمترین نکات مورد بحث فراتر ببریم. و از این لحاظ از خوانندگان عزیز بوزش می طلبیم.

شماره نشریه مجاهد شماره ۱۱۲، پس از توضیح ضرورت شناخت "علت اصلی" اوضاع نابسامان و ناگوار اجتماعی و سیاسی، در هر مرحله از مبارزه بطور کلی و تاکتیک ضرورت "تحلیل مشخصی از شرایط مشخص" در بازنمایی این "علت اصلی" به تحلیل مشخص "در جامعه امروز ایران" میپردازد.

بر پایه این "تحلیل مشخص"، شماره به این نتیجه میرسد که پس از گذشت دو سال از حیات حکومت فعلی، این حکومت نتوانسته است، به نیایزهای انقلاب و خلق پاسخ گوید و اکنون در کشاکش این ناتوانی خود، "انقلاب" را به "بن بست" رسانده است. شماره آنگاه معتقد میشود که مسئولیت اصلی این عدم پاسخگویی و ایجاد بن بست و بعبارت دیگر مسئولیت اصلی این "اوضاع ناگوار و نامطلوب" بر عهده "جناح انحمارطلب" دولت قرار دارد که با عملکردهای خود باعث "و خامت اوضاع" کنونی گردید و "بن بست" سیاسی فعلی را سبب شده است بنابر این "در این مرحله" خارج شدن از این بن بست و برداشتن سد مانع، راه تکامل انقلاب، مستلزم "کنار زدن" آن از "سیر پیشرفت انقلاب" است. و از آنجا که انحمارطلبان که "عقب ماندگی" "ماهیت آنها را تشکیل میدهد، در "حزب جمهوری" مادیت یافته اند، بنا بر این "راه نجات" در "مرحله کنونی انقلاب" ما، در "خلع ید از حزب حاکم و عوامل و ایادی انحمارطلب" در کلیه قوا و نهادها و کشورهای "نهفته است و سپس موعظه میکند که کلیه نیروهای انقلابی باید بسا درک این "ضرورت مرحله کنونی انقلاب" و درک این شعار "کلیه تلاشها و نیروهای خود را در جهت تحقق این ضرورت سمت و سازمان دهند." (۲)

این چکیده مطالبی است که مضمون شماره "مجاهد" را تشکیل میدهد و در واقع خطوط اساسی سیاست و خط مشی مجاهدین را در مرحله فعلی در برابر رژیم سیاسی حاکم و اوضاع کنونی ترسیم میکند.

با اندکی دقت در مضمون، مفاهم و خط و طاراشه شده در این شماره و بطور کلی در سیاست عملی سازمان مجاهدین در برابر حکومت، بخوبی میتوان دریافت ظاهر "جیب" آن، جوهر و درک فرمیستی و لیبرالی این سازمان را از دولت و ماهیت آن، مسئله سرکوب، نمودها و ماهیت آن، سرنگونی دولت و چگونگی شکست بن بست کنونی و پیشبرد آنرا انقلاب، تشخیص داد.

اولین نکته ای که قبل از هر چیز در پایه های شوریک سیاست مجاهدین خود را می نمایاند، درک غلط و انحرافی از مفهوم استراتژی و تاکتیک، مخدوش کردن مرزهای آن، و فدا کردن استراتژی در پیش انحطاط تاکتیکی و تحلیل مشخصی از شرایط مشخص "در هر مرحله تکامل اوضاع سیاسی" جامعه است. مجاهدین برخورد به دولت را تا حدیک مقوله تاکتیکی تنزل میدهند و بخود این اجازه را میدهند که با مثله کردن دولت که بمناسبت یک مقوله طبقاتی و برای رسلطه طبقاتی یک طبقه بر طبقات دیگر است و جایگزینی یک جناح از هیئت حاکمه، بر جای ما شین طبقه است،

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

# جنبش کارگری



## مجاهدین چگونه به مبارزات کارگران کفش ملی برخورد می کنند

نشریه مجاهد شماره ۱۱۳ ضمن درج خبر مبارزه کارگران کفش ملی خواسته است باصلاح علت حمله وحشیانه پاداران را تحلیل کند مجاهد در این باره طوری حرف زده است که گوئی کل طبقه سرما به دار دشمن طبقه کارگری نیست و بلکه فقط جناحی از سرما به داری ایران یعنی حزب جمهوری اسلامی دشمن کارگران است که به آنها حمله میکند و بخش دیگری یعنی جناح بنی صدر که خودنما بنده سرما به داران لیبرال میباشد اینطور نیست. مگر ما - دمان رفته که بنی صدر ۱/۵ سال پیش به کارگران گفت: "شورایورمالید!" و بدین ترتیب خواستار انحلال شورا های واقعی کارگری شد، مگر ما با دمان رفته که امضای بنی صدر در پانزدهمین اساسی از قوانین ضد کارگری قرار گرفته است؟ البته این اولین بار نیست که مجاهدین چنین برخوردی میکنند، آنها بارها از مدیران لیبرال کارخانه ها، در مقابل انجمن اسلامی یا شورای فالانژی حمایت کرده اند. و گاه آشکارا برای مدیریت های ضد کارگری طومار جمع آوری میکنند، آری سیاست طرفداری مجاهد - بنی از بنی صدر با یادم ز همینجا سردر آورد! دفاع از جناحی از سرما به داران و نمایندگان آنها (بنی صدر و...) در مقابل جناحی دیگر (حزب جمهوری اسلامی و...) و نه دفاع از کارگران در مقابل تمام بالائی های سرما به دار (یعنی هم حزب و هم بنی صدر). این نیهگی از نمونه های برخورد مجاهدین که نشان میدهد آنها بدلیل ماهیت خرده بورژوازی خود قادر نیستند معنی و مفهوم واقعی کلماتی را که هر روز دهها بار تکرار میکنند درک کنند، آری اینست درک مجاهدین از "استتار" و "جامعه بی طبقه...": حمایت از جناحی از سرما به داران در مقابل جناحی دیگر!

## نقنگران زندانی آزاد باید گردند!

اطلاعیه مذکور شورای سراسری را میخوانیم: "کارکنان زندانی بجرم مطالبه و پیگیری خواسته های برحق جنگزدگان در زندان بسر میبرند، در طول این مدت دهها بار نمایندگان شورای سراسری کارکنان جنگزده به همراه خانواده های همکاران زندانی خود به ادارات مختلف شرکت نفت جهت مذاکره برای آزادی کارکنان زندانی مراجعه نموده اند. اما مسئولین جز وعده وعیده دادن کار دیگری نکردند. جالب اینجاست که مسئولین صراحتاً حرفهای قبلی خود را پس گرفته و اقرار نمودند که قبیه در صفحه ۱۵

حدود سه ماه از دستگیری ۳ تن از نمایندگان کارکنان جنگزده صنعت نفت میگذرد. کارگران صنعت نفت در جریان مبارزه برای آزادی نمایندگان بنان بیش از پیش به ماهیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و فساد و گندیدگی ارگانهای آن پی بردند. شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خونین - شهر" در اطلاعیه شماره ۱۱ خود طی گزارشی پرده از بنادبایه های مقامات دولتی و ضدیتشان با کارگران بر میدارد، که خود نشانگر شدت آگاهی طبقاتی کارگران و بی رنگی جناح رژیم برای فریب کارگران میباشد. در زیر خلاصه ای از

## هیئت ۵ نفره وزرا و "شورا"، متحد بر علیه کارگران ذوب آهن

کارخانه میدید و دیگری این عمل را مقرون به صرفه نمیدانست و در این میان زندگمی هزاران کارگر با ختمانی باز چه سودا این آقا یان قرار گرفته بود. یکی دیگر از "شاهکارهای" هیئت مذکور، متوقف کردن انتخابات نیمه کاره شورا بود. این مرتجعین از ترس ورود افراد انقلابی به درون شوراها، به بهانه تعیین ضوابط کار شوراها توسط مجلس، انتخاب شورا را به تاخیر انداختند. این خائنین به طبقه کارگر حتمی حاضر نبودند طرحهای افزایش ضریب ۸۰ به ۱۰۰ حقوق، طبقه بندی مشاغل و... را بپذیرند و برای تمامی اینها مسئله جنگ را بهانه قرار میدادند. شورای اسلامی کارکنان میخواهد دل کارگران را به "بالا" خوش کند، هیئت ۵ نفره و نظایران هدفی جز فریب کارگران ندارند. بنا بر این کارگران در مبارزه شان بر علیه سرما به داری میبایست نوکرانی چون انجمن ابلامی و شورا های فرمایشی را با تشکیل شورا های واقعی خود درهم بکوبند.

شورای اسلامی کارکنان بهره برداری طی نامه ای از هیئت ۵ نفره وزرا (احمدزاده، نعمت - زاده موسی خیرود و تن دیگر) خواسته بود تا برای "رسیدگی به مسائل و مشکلات تولید کارخانه و گرفتاریهای مردم و با سخگویی به سوالات و خواسته های کارکنان" به کارخانه بیایند. شورا که ماهیتی ضد کارگری دارد، دست نشانده دولت بوده و با طرح خواسته های چون "تعیین قانون شوراها توسط مجلس شورای اسلامی و چارچوب قانونی کار آنها"، "بیش از پیش ماهیت خیانتکارانه خود را بنمایش گذارد. و اما هدف از دعوت هیئت ۵ نفره چه بود؟ مسئله! خراج کارگران ساختن مدتی است که فکر تمامی کارگران را بخود مشغول کرده بعد از فاش شدن صحبت های مخفی هیئت مذکور با مدیران ذوب آهن کارگران پی برده اند که مدیران بدنیال فرصت مناسبی برای عملی کردن این هدف ضد کارگری خویش میباشد نقش شورا نیز در این میان پرده پوشی این واقعیت و لجن پراکنی بر علیه کارگران مبارزی که به افشای این توطئه میپرداختند، بود. در جلسه مذکور اختلاف نظرانی بر سر گسترش یا عدم گسترش کارخانه بین احمدزاده و نعمت زاده وجود داشت که یکطرف کسب سود بیشتر را در گسترش

## تحصن کارگران شهرداری

حدود ۳۰۰ نفر از کارگران زحمتکش شهرداری تهران در روز ۲۴ اسفند برای دریافت مابه التفاوت حقوق سال ۵۹ در ساختمان مرکزی شهرداری تحصن کرده و مانع خروج مدیرکل امور مالی شهرداری از ساختمان شدند. مقامات مرتجع شهرداری کمبود بودجه را برای عدم پرداخت مابه التفاوت حقوق این زحمتکشان بهانه کرده اند اما زحمتکشان شهرداری در پاسخ به مدیران مزدور

(به نقل از "پیکار فولادگر" شماره ۵، حوزه ذوب آهن سازمان)

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

## از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟ (۵)

### الف: رشته انومبیل سازی

#### ۵- کارخانه زامیاد (ولنو)

کارکنان این کارخانه حدود ۲۰۰۰ نفرند که بتولید "نیسان"، کمپرسی، تریلر، مشغولند. کارخانه توسط هیئت مدیره ای اداره میشود که بجز یک نفر که اخیرا وارد شده و وابسته به حزب جمهوری است، بقیه مدیران لیبرال میباشند. کارگران غالباً تاکنون به ماهیت ضدکارگری مدیریت بی برده اند و با مشاهده سازشکاری و ناتوانی شورای کارخانه، روز بروز بیشتر اعتماد خویش را نسبت به آن از دست میدهند.

از مدتها قبل یکی از خواستهای کارگران دریافت یک وانت نیسان برای هرکارگر بود. این خواست کارگران با مخالفت مدیریت مواجه گردید و لذا کارگران با کمکاری خود تولید را به ۲ الی ۵ نیسان در روز کاهش دادند. این حرکت کارگران از طرف وزارت صنایع و معادن و "دادستان کل انقلاب" محکوم شد. آنها خواهان لغو این خواست کارگران و ادامه تولید بیروال عادی بودند. اما مبارزات کارگران ادامه داشت و در جریان آن کارگران بی غیره ندکه ما هیئت مدیران، صنایع و معادن، وزارت کار، دادستان کل انقلاب و... یکی بوده و همگی در خدمت سیستم سرمایه داری وابسته و برضد کارگران میباشند. علیرغم مخالفت نماینده کمیسر صنعتی بنی صدر با خواست کارگران، آنها خواستار ملاقات با خود بنی صدر بودند تا اینکه باروی کار آمدن دولت رجائی، تمامی مسئله بعنوان مسأله ای تازه از جانب نخست وزیر شناخته شد و مذاکرات قبلی باطل اعلام گردید. کارگران که از این پاساژهای مسئولین رژیم و با زحمت قرار دادن منافعتان توسط آنها، به تنگ آمده بودند، شروع به اعتراض کرده بودند اما با شروع جنگ، تحت تاثیر جوش و خروش بوجد آمده دنبال کردن خواست کارگران به بعد از جنگ موقوف شد در طول جنگ کارگران مجبور شدند تولید کارخانه را به ۴۰ عدد انومبیل در روز برسانند مدیریت که قبلاً برای فریب و تهدید کارگران

فرما و عدم قاطعیت شورا روحیه مبارزاتی را سرد میکرد. از طرف دیگر مدیریت از این حرکت کارگران که قرار بود انجام شود ترسیده و خواستار مذاکره با شورا شده بود که به همین خاطر عکس العمل کارگران تا بعد از مذاکره به تمویق افتاد. در مجمع عمومی با قبول شدن ۴۰۰۰ تومان وام و یک تلویزیون (بصورت قسطی تا در بیرون فروخته

استعفا داده بود، سرکار با زکشت و اعمال ضد کارگری خویش را ادامه داد. از جمله کارگران را همچون بسیاری از کارخانجات دیگر، وادار به قبول قطع نهادهای که کمک به جیبه میکنند. از طرف دیگر با کم شدن ساعات کار تا یک بعد از ظهر، و نا بت ماندن تولید، شدت کار را افزایش میباید و فشار بیشتری بردوش کارگران وارد میشود این اعمال گرچه با اعتراضاتی از سوی کارگران مواجه میشوند ولی نتیجه ای برای کارگران به همراه نداشته است.

کارگران این کارخانه که در اثر فشارهای سرسام آوردها نیازشان خواهان افزایش حقوق، مسکن، حق اولاد، اضافه دستمزد و... میباشند و دلیل عمده نتوانسته اند مبارزات خود را متعدهانه به پیش ببرند؛ نخست آنکه کارگران همانند بخش بزرگی از توده های خلق، با پی بردن به ماهیت ارتجاعی و روسته "حزب جمهوری اسلامی"، بعلمت عدم آگاهی طبقاتی، نسبت به لیبرالها و بخصوص بنی صدر دچار توهم اند. در صورتیکه گذشته از آنکه بنی صدر و لیبرالها در تمامی جنایات و سرکوبگریها رژیم، دوشادوش حزبها عمل نمیکردند و در رابطه با خواستهای کارگران کارخانه زامیاد نیز همین دفتر صنعتی بنی صدر بود که با خواست دریافت یک نیسان برای هرکارگر مخالفت کرد. همین بنی صدر و معاونین او بود که فریاد دزد "شورا بنی شورا" و بدین ترتیب کوشیدند تا کارگران را از تشکل مبارزاتیشان محروم سازند. امروز کارگران تا نتوانند به ماهیت ضدکارگری دو جناح رژیم پی برده و به افشای هر دو آنها بپردازند، مبارزاتشان سرانجامی جز شکست نخواهد داشت نکته دوم مسئله ضرورت تشکیل شورای واقعی کارگران است که میبایست با افشای سازشکاریهای "شورا" موجود پیش برده شود. باید با طرد شدن که طبقه کارگر جز تشکل و سازماندهی سلاخی ندارد و یکی از تشکلات اولیه کارگران در کارخانجات همین شوراها (در واقع سندیکاها) (سرخ) میباشند که همکاران را در رسیدن به خواسته هایشان یاری میکنند و هم زمینه را برای بسال رفتن آگاهی طبقاتی کارگران و ایجاد تشکلات عالیتر طبقه کارگر فراهم میسازند.

شود) اصل قضیه سود ویژه ما ستالی شد. البته جالب است بنیاد منتصفین (بنیاد جدید پهلوی) با دادن همین هم مخالفت کردند و گفتند بجز دو ماه عیدی و پاداش هیچ وام دیگری داده نخواهد شد. بعد از آن مبارزه بصورت کمکاری و اعتصاب قسمتی ادامه داشته است و بنیاد نیز در مورد وام عقب نشینی کرده و موافقت نمود.



اعلام داشتند که: "اگر بودجه نیست چرا فقط برای ما نیست و برای بقیه هست" علیرغم تبلیغات ارتجاعی و سرکوبیکه مقامات رژیم جمهوری اسلامی و سوبیژه شهردار مرتجع در مورد کارگران شرکت واحد برداشته اند، کارگران زحمتکش شهرداری برای دریافت جزئی از حقوق خود دست به مبارزه میزنند.

## مبارزات کارگران فیلیپس برای کسب سود ویژه

روزیکنشده ۵۹/۱۲/۱۰ مجمع عمومی کارگران کارخانه فیلیپس برای سود ویژه تشکیل شد. ابتدا شورای کارگری نتیجه مذاکرات خود را با مدیریت و پیشنها داتی را که به آنها کرده بودند با کارگران در میان گذاشتند. خواستهای شورا عبارت بود از: پرداخت ۲ ماه اضافه کاری ماههای بهمن و اسفند هر ماه ۱۱۰ ساعت ۲۰ ماه سود ویژه با حقوق و مزایا و یک تلویزیون ۱۴ اینچ که به تمام کارگران داده شود. اما هیئت مدیره تنها حاضر بود ۲ عدد تلویزیون با قیمت عمده فروشی به کارگران بدهد، فقط همین! و یکی از کارگران گفته بود ما دلال نیستیم و حاضر نیستیم سود ویژه خود را از مصرف کننده بگیریم، شرکت باید آنرا بدهد، کارگرد دیگری پیشنها جلوگیری از خروج تلویزیون را داد و با استقبال کارگران مواجه شد، "جاویدان" مدیر عامل مزدور در کوش خود برای جلوگیری از تحمیل و اعتصاب و مانع فروش شدن کارگران را بر عکس جری ترمیکرد کارگران میگفتند ما میدانیم کارما غیر قانونی است ولی ما میخواهیم نشان بدهیم قانون دولت را قبول نداریم یکی از کارگران نیز گفت "ما میخواهیم با اینکار توی دهن دولت بزنیم" کارگران با شور و شوق کارهای دولت و مدیران را افشا میکردند. در آخر جلسه در مورد اینکه از خروج جنس جلوگیری شود قرائت گیری شود ولی عوامل کارفرما جلسه را مختل کردند و قرار شد که روز بعد در این مورد تصمیم گیری شود. روز ۵۹/۱۲/۱۱ فداشان اکثریت این خاشین به طبقه کارگر بر علیه مبارزات کارگران سبب میگردند و میگفتند نباید در دروی دولت قرار گرفت و اکنون باید با آمریکا مبارزه کسب کرد. کارگران نیز در جواب میگفتند مبارزه با آمریکا یعنی همین مبارزه علیه سرمایه داران. بهر حال کارکنانی اکثریتها علاوه بر توطئه عوامل کار-

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

# اعلامیه سید عزالدین حسینی

در باره ۵: واقعه ناکوار روز

۵۹/۱۲/۷ بوکان

بسم الله الرحمن الرحيم  
"واقفان فتنة لا تصيبن الدين ظلموا منكم خاصة"  
(بر حدیثی است که در آنجا آمده است که عواقب آن تنها استغران را در بر نمی گیرد.)  
(قرآن کریم)

مردم مبارز بوکان!  
خلق رزمنده و مستعد کرده!  
حمله مسلحانه به مقر پیشمرگان سازمان پیکار در بوکان در روز ۵۹/۱۲/۷ را که منجر به شهادت و زخمی شدن عده ای از پیشمرگان جنبش مقاومت گردید، محکوم می کنیم. این عمل ضد انسانی، ضد اسلامی و ضد دمکراسی که تنها در خدمت ارتجاع و هیئت حاکمه سرکوبگر بوده است، ضربه ای به



# خلق ها و مسئله ملی

## حادثه تأسف آور انفجار در مقر کومله و شهادت ۶ پیشمرگ انقلابی کومله

کامیاران -  
روز ۲۷ اسفند - ۱۱/۵ صبح - در اثر انفجار یک جعبه دینامیت در مقر کومله ۶ تن از پیشمرگان قهرمان کومله شهید و نفر دیگر از آنها مجروح شدند. این فاجعه اسفناک تمام پیشمرگان انقلابی و زحمتکشان آبادی عزیز آباد و نواحی نرابشدت اندوهگین نمود.  
بلافاصله بعد از انفجار، اهالی زحمتکش محل از زن و مرد و بیرو جوان خود را به محل حادثه

رسانده و به کمک پیشمرگان انقلابی شتافتند. مردم زحمتکش که پیشمرگان انقلابی را فرزندان خود عزیزتر میداند دستهای پینه بسته خود خاک و سنگ و جویها را کنار میزدند تا پیشمرگان زخمی را از زیر آوار بیرون آورند. کمکهای بیدریغ و خستگی ناپذیر زحمتکشان آبادی بعد از حادثه، بهنگام تدفین شهدا و انتقال محرومین به آبادیهای اطراف بار دیگر بیوند عمیق

بقیه در صفحه ۶

### رفیق شهید طاهر ابراهیمی



### رفیق شهید محمود ابلاغیان



## گرامی باد خاطرۀ پرشکوه پیشمرگان کمونیست که بدست حزب دمکرات به شهادت رسیدند

رفیق شهید باقی خیاطی



کوشه ای از تشییع جنازه رفیق شهید پیکارگر کمونیست در بوکان در تاریخ ۵۹/۱۲/۹ در این تشییع جنازه ده هزار نفر از زحمتکشان شرکت نموده و با شرکت خود نفرت خود را نسبت به جنایت حزب دمکرات ابزازدها شدند و یکبار دیگر اراده خود جهت ادامه راه سرخ شهدای کمونیست به نمایش گذاشتند.



# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



جنبش مقاومت خلق کرد و فضای دمکراسی انقلابی کردستان، ولطمه‌ای بر پیوند جنبش عادلانه ما با مبارزات سراسری خلقهای ایران، بشمار می‌رود. صفت بارز جنبش عادلانه خلق کرد، وجود دمکراسی وسیع و انقلابی در کردستان است و افتخار بزرگ ما در این است که در شرایطی که خفقان فاشیستی حیات حاکم جمهوری اسلامی سراسر ایران را فرا گرفته است، در کردستان، آزادیهای دمکراتیک، آزادی بسنن ها و سازمانهای سیاسی، آزادی بیان و قلم و اجتماعات، تاکنون از تعرض و سرکوب محفوظ مانده است. به همین دلیل است که در سراسر ایران، کردستان را به نام سنگر آزادگان نام می‌برند. آقا شاعر "دمکراسی برای ایران و خود - مختاری برای کردستان" را میتوان غیر از این تعبیر کرد؟ از این پس نیز، تنها با حفظ این سنت انقلابی و دمکراتیک یعنی آزادی و تحمل بسنن های متفاوت سیاسی - که خونهای شهدای پیشما در کردستان و ایران، و دستسازد گرانهای قیام ۲۲ بهمن و جنبش مقاومت خلق کرد است - میتوان چهره انقلابی و عادلانه جنبش کردستان را همچنان محبوب و مورد پشتیبانی خلقها و آزادیخواهان سراسر ایران و جهان نگاه داشت.

بدین منظور - چنانکه بارها و بخصوص در بیانیه دوم بهمن ماه ۵۹ (دووی ریه نندان) اعلام کرده‌ام - سازمانهای سیاسی در کردستان با ید اختلافات خود را از راههای سیاسی و بدون توسل به زور و اسلحه حل کنند. لذا وظیفه خود و همه مردم آزادیخواه و مبارز کردستان میدانم که در هر شرایطی، در مقابل تعرض به دمکراسی مقاومت و مبارزه کرده و از تکرار چنین اعمال ضد انسانی جلوگیری بعمل آورند. یقین دارم که خلق قهرمان و بیباخته کردستان اینگونه وقایع خونین و جانگذا را هرگز نخواهند بخشید.

من به بازماندگان شهدای واقعه ناگوار ۵۹/۱۲/۷ سوکان صمیمانه تسلیت میگویم و از حزب دمکرات کردستان ایران درخواست میکنم که:

اولا - زخمی ها و دستگرددگان واقعه را فوراً آزاد کنند.

ثانیا - عاملان این واقعه ضد انسانی و ضد دموکراسی را شناسایی و مجازات نماید.

ثالثا - موضع آن حزب و نتیجه اقدامات خود در این زمینه را به اطلاع عموم برساند.

والسلام علیکم ورحمة الله - سید عزالدین حسینی

**حزب دموکرات همچنان به آزادیهای دموکراتیک مردم کردستان یورش می برد**

۵۹/۱۲/۱۶ - در این روز یکی از هواداران کومله که تعدادی اعلامیه و نشریه به همراه داشت در روستای "کتیکه" توسط افراد مسلح حزب دمکرات دستگیر و مورد تفتیش قرار گرفت. افراد حزب، ز او پرسیدند: اعلامیه ها را از کجا آورده ای؟ و قتیکه رفیق هوادار در پاسخ گفت که آنها را از مقر کومله در سوکان آورده ام و هوادار کومله هستم، مورد ضرب و شتم آنها قرار گرفت و او را به روستای "خلیفان" فرستادند.

در آنجا یکی از مسئولین حزب با مشاهده اعلامیه های کومله، رفیق هوادار را مورد توهین قرار داده و او را کتک زد. سپس دست و پايش را بسته و زندانی کردند و مجدداً به کتک کاری و حشیا نهوی پرداختند. هوادار کومله شب را بدون غذا در یک اتاق گذراند.

فردای آن روز وی را از زندان بیرون آورده و با ردیگر به اذیت و آزار او پرداختند. وقتی آزادی او را موکول به خودداری از پیشخا اعلامیه کومله نمودند، در پاسخ گفت که، "حتی اگر نخواهد من را اعدام کنید، از هواداری کومله دست برنخواهم داشت".

هنگامیکه مردم روستای "خلیفان" از دستگیری هوادار کومله آگاه شدند، به تشنه اعتراض به اسارت رفیق هوادار توسط افراد حزب، به مقر آنها رفته و آزادی وی را درخواست کرده و سرانجام با فشاری خود او را آزاد کردند.

در ضمن افراد حزب کلیه اعلامیه های رفیقمان را آتش زدند.

در روزهای اوایل بهمن ماه در روستای "قله لانی موتاوی" واقع در ۶ کیلومتر غربی پیرانشهر، افراد مسلح حزب دمکرات یکی از هواداران کومله را که اعلامیه و خبرنا به جهت توزیع همراه داشت، به مقر خود برده و پس از بازجویی وی را مورد اذیت و توهین قرار دادند. هواداران کومله در مقابل آنها مقاومت کرده ولی به علت آنکه تعداد افراد حزب زیاد بود، بر سر ریخته و با قنداق تفنگ او را بشدت زخمی نموده و سپس بر دستهایش دستبند زده و زندانی کردند.

در تاریخ ۵۹/۱۲/۸ - پیشمرگان حزب دمکرات در روستای "ده شتی قوری" از تواسنج پیرانشهر، تراکتوری را که در حال حرکت بود، با تیراندازی متوقف و راننده اش را که هوادار کومله است، کتک کاری نموده و در حال بی هوشی او را رها کردند. اهالی روستا بعد از اطلاع این جریان به جلو مقر حزب رفته و به آنها اعتراض کردند. افراد حزب جلو مقر روبروی مردم سنگر

**دشمن زیر ضربات پیشمرگان کومله**

در این روز مزدوران رژیم پیشمرگان کومله (پهل شهیدا مین) را در آبادی تازه آباد محاصره میکنند. بین آنان و پیشمرگان درگیری آغاز میشود که در لحظات اول درگیری چهار تاش نفر از مزدوران به هلاکت میرسد پس از آن پیشمرگان حلقه محاصره را شکسته و دشمن را از بیرون روستا مورد حمله قرار میدهند. بعد از آمدن نیروی کمکی دشمن از پایگاه "بی کهره" شدت درگیری به اوج خود میرسد و تعداد تلفات دشمن افزایش می یابد. نیروهای دشمن عاقبت در حالیکه که نمیبوسند حتی اجساد خود را جمع کنند عقب سبب می کشند، تعداد تلفات دشمن ۱۸ کشته و عده زیادی زخمی بودند. متأسفانه در این درگیری یکی از پیشمرگان قهرمان و زحمکش کومله، سام کاک کریم نیک بی (کریم شه خه علی) شهید مسود.

۱۰. دشمن گرامی باد "اخا رجنیش ۹ - سنندج"

**بقیه از صفحه ۵ حادثه...**

زحمتهای کردستان را با پیشمرگان انقلابی به اثبات رسانند. بعد از آن 'نجا مردم و پیشمرگان آبادیهای اطراف محض اطلاع از جریان، همراه پزشک و دارو به کمک مدد میسب شناسا فتوتای از شب به مداوای مجروحین، جمع آوری وسایل، تشییع جنازه و انتقال زخمی ها و تنگبانی مشغول بودند.

پیشمرگان انقلابی که در این واقعه تا سف آوز بشهادت رسیدند عبارت بودند از رفقا:

زحمتهای مبارز، "عبدا لله قادی" اهل "غیان" مسئول نظامی کامیاران

کارگر مبارز، کاک کمال صلواتی، اهل سنندج  
کارگر مبارز، کاک رضا باجلانی، اهل و شترمل  
کارگر مبارز، کاک یعقوب اهل سنندج  
زحمتهای انقلابی، کاک مهرا ن فخر العلماء  
اهل سنندج

زحمتهای مبارز، کاک محمد اهل نجف آباد؛  
ماضن گرامیداشت خاطر اهل رفقای شهید به خلق کرد و رفقای کومله تسلیت گفته و پیمان می بندیم که راه پیشمرگان انقلابی شهید را که راههای خلق کرد استم و استم را است تا آخرین قطره خون ادا مدهیم.

درود بر رفقای شهید، پیشمرگان انقلابی کومله و تمام شهدای جنبش مقاومت خلق کرد!

گرفته و تیراندازی هوایی نمودند. چند روز بعد از این وقایع سه نفر دیگر از اهالی روستا را به خاطر اعتراض به این عمل حزب دستگیر کردند. (خبرنا مه کومله شماره ۱۱۷)

**پیروزی باد جنبش مقاومت خلق کرد**

### کلاس تقویتی یا کلاس سمپاشی علیه انقلابیون و کمونیستها؟!

رژیم جمهوری اسلامی که خود را ناسوتوان از سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد میبیند، و از سوی دیگر شاد و شکر است دانش آموزان انقلابی در جنبش مقاومت بوده و با حمایت روزافزون جنبش انقلابی دانش آموزان کردستان از نیروهای انقلابی و کمونیست مواجه است، با استفاده از مزدوران خود بطور همه جانبه بر علیه انقلابیون و کمونیستها در مدارس به تبلیغ میپردازند. از جمله حدود سه ماه است که یکی از معلمان "مکتبی" مدرسه راهنمایی طالقانی در قزوین و در قزوین مدیون روحی، ظاهر ایک کلاس تقویتی برای دانش آموزان راه انداخته است که در اصل در تاج علیه نیروهای انقلابی و کمونیست سمپاشی میکند. اما فاش کنیم که این فرد در زمان رژیم شاه حدود ۴ سال تلفنگی یا واک بوده و از طریق ساواک دیپلم گرفته و به استخدام آموزش و پرورش درآمده است و درست در شرایطی که جنبش خلقهای ایران بر علیه رژیم شاه اوج میگرفت، این عنصر خود فروخته در مدرسه طالقانی به سرکوب تظاهرات دانش آموزان و دفاع از رژیم شاه برخاست. حال رژیم جمهوری اسلامی این مزدور را به خدمت گرفت



تا همچنان به اعمال سنگین خود ادامه دهد. اما رژیم از این طریق هم قادر نیست از بیپوستگی دانش آموزان به جنبش مقاومت خلق کد و حمایت آنها از پیشمرگان انقلابی و کمونیست جلوگیری کند.

### ناکامی فخرالدین حجازی در ایتالیا

بدنبال سفر "هیئت های تبلیغی" رژیم به کشورهای امپریالیستی، فخرالدین حجازی چابکوس رژیم شاه و رژیم کنونی نیز به ایتالیا رفت. اما برنا مه های سخنرانی وی در شهرهای ایتالیا، به همت فعالیتهای افشاگرانه سازمان های کمونیستی و انقلابی دانشجویی ایرانی،

از جمله "اتحادیه جهانی دانشجویان هوادار سازمان پیکار" بهم خورده و مداح "مکتبی" رژیم شاه و جمهوری اسلامی، تا کام از عدم اجرای سخنرانی به ایران بر میگردد.

### حمله عوامل رژیم به دانشجویان مبارز خارج از کشور

روزشنبه ۹/۱۲/۵۹، عوامل حزب جمهوری اسلامی با برنامه های از پیش طرح ریزی شده به بساط فروش نشریه و کتاب "اتحادیه جهانی دانشجویان" هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در کوی دانشگاه با ریس حمله میکنند که با مقاومت و افشاکاری رفقای هوادار سازمان و سایر نیروهای انقلابی روبرو میشوند. در این درگیری عده ای از روبرویونیستهای خائن تسویه ای و "اکثریت" فعالان در کنار برادران "حزب الهی" خود در حمله به دانشجویان انقلابی شرکت داشته و به همراه آنان شعار "مرگ بر پیکار، مرگ بر کومه" را تکرار میگردند. اما رفقای هوادار با پشتیبانی دیگر دانشجویان کمونیست و انقلابی به افشای رژیم جمهوری اسلامی و سبب های مزدوران آن پرداخته و مرتجعین و سبب اران جدیدشان را افشا کردند.

توده ها شبکه ها ضربه شرکت در جنگ نیستند اما مه ندهند. سند زبانشان میدهد که "بنیاد مستضعفان" حقوق افراد منقضی خدمت ۵۶ راکه حاضر نیستند به "گوشت دم توب" سرما به داران تبدیل شوند قطع کرده است. منطق رژیمهای ارتجاعی نمیتواند جز این باشد.

استاندار "مکتبی" خوزستان (پیکار ۹۶)، به دانش ۳۶ هزار تومانی از دسترنج زحمتگشان در ازای "خوش رقی" برای جمهوری اسلامی و گلوله و زندان برای کارگران و زحمتگشان که شبوروز در مقابل مزدنا چیزی عرق میبیزند!

### گوشت دم توب سرمایه داران، یا محرومیت از حق نان خوردن!!

از آغاز جنگ ارتجاعی کنونی، رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات گسترده و عوام فریبانه کوشیده است تا در جهت رسیدن به هدفهای ارتجاعی - اش جوانان میهن ما را به جبهه ها بفرستد. بنی صدر مرتجع ادعا کرد که با یک فراخوان او یکروزه "دهها هزار نفر برای اعزام به جبهه" "دا و طلب شدند. اما واقعیت اینست که فرزندان زحمتگشان با کسب آگاهی و پوی بودن به همت این جنگ ارتجاعی که هیچ نفعی برای زحمتگشان ایران و عراق ندارد، از شرکت در جنگ خودداری کرده و به صورتهای مختلف اعتراض خود را نسبت به این جنگ تحمیلی غیر عادلانه بیان داشته و میدارند. با گذشت عمار از این جنگ ارتجاعی، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی همچنان به وارد کردن فشار و تزییفات گوناگون بر علیه

### در حالیکه سردمداران جمهوری اسلامی زحمتگشان را بساختن بانان و غیرتفویق میکند بنیاد مستضعفان پاداش ۳۶ هزار تومانی میدهد!

در حالیکه رژیم جمهوری اسلامی کارگران مبارز شرکت و احزاب "جرم" مبارزه برای بدست آوردن بخشی از حقوق خود (پاداش، عیدی و...) سرکوب مینماید و اخراج و زندانی میکند. در شرایطی که کارگران دلاور "کفش ملی" بخاطر خواسته های بحق شان بدست پاسداران سرما به به گلوله بسته میشوند. در حالیکه شب و روز بلندگوهای تبلیغاتی رژیم زحمتگشان ایران را به تولید بیشتر و "مزد کمتر" وساختن با زندگی دشوار و... دعوت میکنند "بنیاد مستضعفان" که میلیونها تومان دسترنج زحمتگشان را در اختیار دارد فقط با یک "حکم" در تاریخ ۲۱/۱۲/۵۹ به فرد مرتجع بنام بهرام سلطانی تهرانی (با شماره پرسنلی ۱۲۶۷) ۳۶۰۰۰ تومان بعنوان پاداش پرداخت میکند. در رژیمهای ارتجاعی چون رژیم جمهوری اسلامی چنین منطقی حاکم است حقوقهای کلان ۲۲۷۵۰ تومانی برای مرتجعینی چون غرضی

بنیاد مستضعفان  
جمهوری اسلامی ایران  
تاریخ: ۵۹/۱۲/۱۲  
شماره: ۸۰۷۵۲  
پست: ۸۰۰/۲۶۹۱  
تایل توجه کله سرپرستان واحدها  
احتراما: بهر بخشنامه شماره ۸۰۰/۲۶۹۱ مورخ ۵۹/۷/۵ مبنی بر معرفی افراد منقضی خدمت ۵۶ خواهشمند است مقر فرماید در اسرع وقت نسبت به معرفی آنها به امور اداری اقدام عاجل بعمل آورند در غیر اینصورت از پرداخت حقوق به این قبیل افراد خودداری بعمل خواهد آمد. پ. پی  
سرپرست امور اداری  
بنیاد مستضعفان

## دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!

### اعتصاب غذای فرزندان مبارز زحمتکشان در زندان

دختر ۱۵ ساله‌ای به حرم "فدترکست" در راهبمائی "و خروج از مدرسه بدون اجازه پدر و مادر و مضحکانه برسد ساعت در زمان شروع راهبمائی به ۳ سال زندان محکوم شده است. به سنده آوارگان کمب "ب" ما همپیر که دختر جوانی است به حبس اند محکوم شده است.

۷ تن از فرزندان زحمتکشان که در روز ۲۱ بهمن در ماه هبه حرم "فدترکست در راهبمائی" بودند از این سازمان بیکار در راه آزادی طلبه کارگردما هبه به مسامت سال نکردیم. باز - داشت شد و توسط اراکی جلدن (خاکم سرع ماهیبر) و مزدور اس "سر مغز" و "معدنی" به حبس همسای طولانی مدت محکوم گشتند هم اکنون در زندان اهورا در اعتصاب غذا میسرند. هبه گدسه در زندان دکان داد انقلاب یکی از

این فرزندان زحمتکشان را که دختر ۱۵ ساله‌ای است تنها به حرم "فدترکست در راهبمائی" و خروج از مدرسه بدون اجازه پدر و مادر و مضحکانه برسد ساعت در زمان شروع راهبمائی به ۳ سال زندان محکوم شده است. به سنده آوارگان کمب "ب" ما همپیر که دختر جوانی است به حبس اند محکوم شده است.

دویر جوان به حرم "فدترکست در راهبمائی" و موردک وطن برار گرفتند. هر یک به پنج سال حبس محکوم شدند. یکی دیگر از زندانیان مردیه دلیل عدم "تحقیقات لازم بلا تکلیف" اعلام شد و با لاجرم سنده آوارگان کمب "ب" در ماه هبه که دختر جوانی است به حرم "فدترکست در راهبمائی" و حبس اعلامیه و سخنرانی در اجتماع کارگران به حبس اند محکوم گردید. و اینکه این فرزندان انقلابی خلق در زندان دست به مبارزه زده و با اعتصاب غذای تیرماتانه خود، زندان را به عرصه دیگری برای مسارزه

بیدیل کرده اند. آنها میخواهند با اعتصاب غذای خود مردم بکوبند که در بیدار دگا ههای رژیم جمهوری اسلامی چه حکام "عادلانه‌ای"! ما درمی - شود و چکاسی در زندانهای رژیم محسوسند. این زندانیان امروزه را از انقلابیون شده است که نوعی کوشیده اند مردم را به ضد مردمی بودن این رژیم آگاه سازند با نوعی در مبارزات آنها شرکت کرده اند.

البته از رژیمی که دستش تا مرفق به خون زحمتکشان و کارگران، به خون فرزندان دلاور خلق کرده و به خون انقلابیون و کمونیستها آلوده است جز این انتظار نیست. زندانی سیاسی انقلابی به همت نوده ها آزادی باید گسرد! مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی!

۱۳۶۰/۱/۱

بخشی از اعلامیه سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکلات خوزستان

### سرازی شدن کالاهای امپریالیستی به ایران

امپریالیسم آمریکا خریداری نموده است. ورود کالاهای امپریالیستی به ایران در خدمت تشدید وابستگی به امپریالیسم بوده و هوی عوام قریبا نه رژیم را مبتنی بر "خودکفایی" و "عدم وابستگی" نقش بر آب می نماید. با وضعیات یکبار دیگر نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها خدا میریالیست نیست، بلکه خدمتگزار امپریالیسم جهانی است. آری رژیمی که کالاهای امپریالیستی را وارد میکند قرارداد های اسارت با جدید می بندد و توده های زحمتکشان ایران را سرکوب میکند هرگز و هرگز نمیتواند خدا میریالیست باشد.

از کمرب با زرگان (مرز ترکیه) هم - دروزه تعداد بیشماری کامیون حامل کالاهای کشور های امپریالیستی و سرمایه داری سوی شهرهای ایران فراز می شود. برای آوردن این کامیونها به شهرن و شهرستانها، علاوه بر کارکنان زندان کمرب، از موریس کار در کمرب نیز استفاده می نمایند و روزانه ۲۵۰ تومن حق ما موریس به آنها داده میشود. محموله های این کامیونها گندم از آمریکا، مواد غذایی از بلوک شرق و یخچال، فریزر، لوازم برقی، لوازم خانگی، ماشین آلات صنعتی، لوازم بدکی، لاستیک از آمریکا، ژاپن، آلمان غربی و دیگر کشورهای امپریالیستی می باشد. با بدتخت اخیر دولت ایران ۲۰ هزار تن گندم از

### رفیق محسن فاضل آزاد باید گردد!



نزدیک به دو ماه است که رفیق محسن فاضل توسط پاسداران جنا بیکار رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شده و به تنگدکان افغانه است. تاکنون هیچگونه اطلاعی از سرنوشت این رفیق انقلابی در دست نیست. تمام کوشش هایی که خا نتوانده رفیق جهت اطلاع از محل زندان او و ملاقات با او انجام داده اند به نتیجه ای نرسیده و بیوسنده تقاضای خانوادة رفیق محسن با جواب سرالای مقامات جنا بیکار رژیم حاکم موا خه شده است. رژیم جلا د جمهوری اسلامی که ادا مه دهنده راه رژیم جلا دنا ه می باشد از خواهان راستین را ترور میکند و با در زندان بدتخت آنها می - بردارد و جلا نوده های زندانیان سیاسی انقلابی را از دیدار فرزندان شان محروم می نماید. بدادن ملاقات به خا نواده رفیق محسن بیکار بدتخت ماهیت امپریالیسم رژیم و تبلیغات آرا میسی سراسر آنکه در عید به همه زندانیان سیاسی اجاره ملاقات داده شده است را بر ملا میزند.

جان رفیق محسن در خطر است برای آزادی او از جنگال د رژیم جمهوری اسلامی بیاخریم!

### مصادره انقلابی بانک ملی بانه توسط پیشمرگان کومله

ساعت ۹ شبگاه روز ۱۷/۱۲/۵۹ پنج دسته از پیشمرگان کومله وارد شهر با نه شده و طی یک عملیات دقیق و هماهنگ که جمعا ۶ ساعت طول کشید، موفق به مصادره انقلابی موجودی بانک ملی ایران - شعبه با نه شدند. عملیات ابتدا با کنترل بخش وسیعی از شهر توسط ۴ دسته و سپس کار حیات شده سه بنجم انجام شد. پیشمرگان تمام جنا بان ها و کوچه های را که محل بانک منتهی میشد و همچنین ستر احتمالی کشی با پاسداران و جانشینان را کنترل کردند. و پسرای رسیدن به محدوده بانک از نزدیکی کمین پاسداران و با بیکار دشمن عبور کرده، بدون اینکه آنها

از وجودشان با خبر شوند. پیشمرگانی که در خارج بانک بودند، فقط مسئولیت حفاظت از مسیر عقب نشینی را داشته و در تمام طول مدت عملیات سعی میکردند که با دشمن درگیر نشوند، تا با پیشمرگان داخل بانک کار خود را با خیال راحت انجام دهند. بعد از تمام کار انتقال موجودی بانک پیشمرگان با نظمی قابل تحسین دسته دسته از مرکز شهر عقب نشینی کردند. پس از انجام موفقیت آمیز این عملیات، یک دسته از پیشمرگان دوباره به شهر برگشته تا منزل یکی از ارجانهای مسلح را در محله "بانگکون" محاصره و او را با خود از شهر بیرون ببرند. ولی جانشین مرزومسل اروا در شدن پیشمرگان به خانه اش، سوی آنها تاش گنود و یکی از پیشمرگان بنام کاک "خسرو احمدی" را زخمی نمود و خود توانست از دست انقاص پیشمرگان بگریزد. این رفیق قهرمان با باری رفقایش به خارج از شهر آورده شد، ولی متاسفانه کوششهای پزشکی موثر نشده و رفیق ما شهیدت رسید. به نقل از خبرنگار کومله



# اخبار مبارزات توده‌ها



## چند نکته درباره مبارزات توده‌ها در لاهیجان

در حاشیه گزارشات مربوط به  
بیکارتوده‌ها در لاهیجان  
(بیکار ۹۸) مطالب زیر را می‌آوریم:

یکی از شهیدان یورش و حشانه پاسداران  
ارتجاع به توده‌های مردم در روز ۱۴ اسفند دانش  
-آموز ۱۵ ساله است بنام نسیما صباغ خوشکار که  
هوادر ماجا هدی بود. یادش گرامی باد!  
مقامات مرتجع شهر از جمله کربمی "دادستان  
انقلاب اسلامی" و فرماندار شهر کوشیدند تا جسد  
این مجاهد را بخوانده‌اش تحویل ندهند و با به  
عنوان "قمه خورده" او را به خاک سپارند ولی  
خانواده شهید با مقاومت، جنایت ارتجاع را افشا  
کردند. مجاهد شهید از ناحیه زیر کلو، کلوله خورده  
بود. مردم شهر تشییع جنازه را شکوهی برای او  
برگزار کردند.

رژیم جمهوری اسلامی برای فریب توده‌ها  
و بدین ساختن مردم نسبت به نیروهای انقلابی  
سازمان ما و نیز سازمان مجاهدین را مورد بند-  
ترین تهمت‌ها و لحن بی‌ارکنتی‌ها قرار داده است.  
مسئولین دولتی با خواندن اعلامیه جعلی بنام  
مجاهدین خلق (منجمله در تلویزیون سراسری) سعی  
میکنند از قول آنان شایع کنند که در شهر حکومت  
انقلابی برقرار شده و... ولی مردمی به توطئه  
های که رژیم در سر داشت میبزنند و دست به  
افشاکری میزنند. علاوه بر ارتجاع سعی کرد با  
خواندن اعلامیه سازمان ما در تلویزیون بما  
ضربه بزنند و اعما توده‌ها را سلب نماید اما سنگی  
که ارتجاع بلند کرد بر روی باش افتاد.

پاسداران ارتجاع یک لیست ۲۲ نفری در  
شهر پخش کرده و مدسوحانه مردم را به دستگیری  
آنان دعوت کرده‌اند. البته روی بی‌بسیاری  
"اکثریت" و "توده‌ای" کما فی سابق بعنوان "مشاور  
امنیتی" سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی به  
"خدمت مشغول هستند. تنگ و نفرت بر حاشیه‌نشین  
به خلق!

### خیانت روی نویستها

بندر عباس: در درگیری ای که بدنبال حمله  
چماقداران رژیم به نمايشگاه نیروهای انقلابی  
در بندر عباس، بین نیروهای انقلابی و ضد  
انقلاب رخ داد، "اکثریتی" ها و "توده‌ای‌های"  
خاش بر! چماقداران رژیم همکاري می‌کردند و با  
دادن اعلامیه‌ای به رژیم نشان دادند که در نوکری  
خود ثابت قدم هستند همکاري اکثریتی‌های جاش  
که خجولانه در سپاه پاسداران بندر عباس به شکار  
انقلابیون مشغولند نیز نمونه‌ای از خیانت‌های آن‌هاست.  
سفل از اعلامیه هواداران سازمان دهرمژگان بانگ کی تلخیص

## جنایت وحشیانه پاسداران عید مردم بندر عباس را خونین کرد

"زندانی سیاسی به همت توده‌ها آزاد بیدگردد"  
خواستار مجازات عاملین ترور انقلابیون و  
آزادی فرزندان دربندشان شدند. پاسداران  
سرما به دزدانه جسد مجاهد شهید را دفن کردند. اما  
حرکات اعتراضی مردم رژیم جمهوری اسلامی را  
بیش از پیش رسوا ساخته است. هواداران سازمان  
ما طی اعلامیه‌ای این ترور وحشیانه را محکوم  
کرده و در قسمتی از آن نوشته‌اند:  
"این اولین و یا آخرین جنایت آن‌ها نیست  
رژیم جمهوری اسلامی که روز بروز پایگاهش را در  
میان مردم از دست میدهد، تنها چاره خود را در  
ترور و شکنجه و اعدام انقلابیون و زحمتکشسان  
میبیند. خون مجاهدی که در بار زار دست فروشان  
بر سنگفرش خیابان نقش بست تنها نمونه‌ای از  
جنایات رژیم و عا ملانن میباشد. تنگ و نفرت بر  
پاسداران، این جلادان رژیم".

در روز ۵۹/۱۲/۲۸ پاسداران سرما به دختر  
مجاهدی را که در حال فروش نشریه بود در مقابل  
چشمان مردم به رگبار بستند. بدنبال این  
جنایت، مردم بندر عباس دست به تظاهرات زده و  
با شعارهای چون "مرگ بر پاسدار، حامی سرمایه  
- دار"، "زحمتکشان بدانید نوروز ما عزاشد"  
خشم خود را نسبت به جنایت رژیم جمهوری اسلامی  
و پاسدارانش نشان دادند. تظاهرات تا پاسی از  
شب ادامه داشت. صبح روز ۵۹/۱۲/۲۹ تظاهرات  
و وسیع تری در اعتراض به جنایت پاسداران سرمایه  
براه افتاد. طنین شعار "بینی صد بهشتی برای  
سرکوب خلق متحد و برادر" در سطح شهر پراکنده  
این امر بود که مردم دستان خون آلود کل هیئت  
حاکمه را در پشت این جنایت میدیدند که از آستین  
سرکوبگران مسلحش بدرآمده بود. مردم شهر پرا  
شعارهای "قاتل این مجاهدان ما بیدگردد" و

## تظاهرات در حمایت از معلمان اخراجی

حمایت از تظاهرات هرکنندگان پرداختند. در پایان  
قطعنامه‌ای شامل خواسته‌های ذیل قرائت گردید:  
۱- ذکر موارد اتهام و علل برکناری خود  
۲- اعلام اسامی هیئت پاکسازی  
۳- اخراج کلیه ساواکیها و رسنا خرسپا  
۴- بازگشت بکار بدون قید و شرط  
در روز ۵۹/۱۲/۲۵ نیز معلمان اخراجی در  
محل آموزش و پرورش تجمع کرده و بر خواسته‌های  
خوبش بای فشرده.

بروچرد ۵۹/۱۲/۱۹  
بدعوت شورای هماهنگی موقت معلمان  
اخراجی آماده خدمت و فارغ التحصیلان اخراجی  
دانشراهای راهنمایی و مقدماتی بروچرد و  
ما همکاري کانون مستقل فرهنگیان، بک تظاهرات  
موضعی جهت اعتراض به اخراج معلمان مترقی  
و انقلابی و باقی معلمان ساواکی، برگزار گردید  
مردم با دادن شعارهای چون "فرهنگی مسارز  
حمایت میکنند، درود بر معلم مبارز" و... به



تظاهرات رفقای  
هواداران سازمان  
در بندر عباس به  
مناسبت سالگرد  
قیام ۱۰ این تظاهرات  
در ۲۵ بهمن  
برگزار گردید.

به استقبال جنبش او جگین شده توده‌ها بش تائیم

### نامه پدر رفیق محمود صمدی

در اینجا ما بدرج نام پدر رفیق محمود صمدی میسروداریم تا یکبار دیگر ما هیت احساسات کارانه رژیم جمهوری اسلامی را از زبان زخمگشان افشا کنیم، رژیمی که مسخدا سرکالسیها و دشمن کارگران و کمونیستها میساخته، رژیم حلاله جمهوری اسلامی به عیبت میبندد ارده که با کشتار کمونیستها میتوانند از سقوط خود و وقوع انقلاب زخمگشان جلوگیری نماید. اما مگر رژیم حلاله شاه توانست از سقوط حتی خود جلوگیری کند؟ خون صمدی ها وسیقه پیروزی انقلاب فرداست.

#### شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی

محترما بعرض میرساند اینجانب غلامحسین صمدی کارگری هستم که ۵۷ سال از عمرم را بسا حقوق ناچیزی و با چندین سرعائله که از شرکت نفت دریافت میکردم و اکنون که بواسطه جنگ تحمیلی از خانه و گاشانه ام رانده شدم در ۳۳ سال کاری توانستم فرزند شایسته ای بسا محمود صمدی که تحصیلات دانشگاهی را تمام کرده تا بتواند با بنجانب و خانواده اش کمک کند و برای جامعه مشر مشر واقع گردد و او را از من گرفتند چون این فرزند لایق در رژیم منفرجه لوی بواسطه مبارزه اش همیشه تحت تعقیب و مورد مواخذه بود و چندین بار از دانشگاه اخراج شد چون او مدافع حقوق کارگران و کشا و رزان بود چون او در منزل کارگری بدنیا آمده بود و از رنج و مشقت آنها کاملاً احساس همدردی داشت و هیچوقت از مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر و کشا و رزان آخربسن لحظات زندگیش آنها را فراموش نکرده و با سرمایه داری و وابستگی آنها در مبارزه سودنا اینکه آن رژیم بکلی معدوم گردد و با انقلاب ندا و یکبار نشست و از مبارزه دست نکشید و علیه سرمایه داری وابسته و ابائی آنها مبارزه را ادامه داد و میدانست که آنها تشنه به ریشه کارگران و زخمگشان میزنند تا اینکه در تاریخ ۵۹/۱۰/۷ با بنجانب اطلاع رسید که او را بجهت مبارزه اش در راه آرمان طبقه کارگر دستگیر کرده اند اینجانب بسا از شنیدن بدادگاه انقلاب ما شهیر مرا حقه نمودم که جرم فرزندم چیست گفتند فرزند شما از هوا داران بیسکار است. و بسکارا رما می است که تمام کارمندان و کارگران شرکت نفت آبادان و ما شهیر را آگاه می بخشیده است و اینجانب همین موضوع را در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۸ در روزنامه جمهوری اسلامی و اطلاعات در مورد فرزندم مطالعه نمودم اینجانب در مدت ۵۷ سال که از عمرم میگذرد در رژیم گذشته اگر شخصی با شخص دیگری خصومت داشت او را بسا ما رکیست اسلامی بسا کمونیست معرفی میکردند که خوا داداش او را سمیدند تا امروز سر همسطور است چون امروز بسا همسین کمونیست فرزندان اس فریبوم ر میگردیدند و اطلاع خانواده ان بسا عدام محکوم میکنند چنانکه فرزندان اینجانب بسا از اینکه



اعدام میکنند شکی نیست که فرزندم فرودان حقوق کارگری او را به ۲۵ سالگی رسانده بودم با وجود اینکه در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۳ یعنی تقریباً ۳۵ روز پس از زندان بودن او را اعدام کردند و بسا آن ازدادگاه ما شهیر تقاضای پرونده اش را کردیم تا جرم او را بدانیم ولی از دادان بیرونده اش بیخبر بودیم و بیرونده در ضمن در رژیم گذشته در دادگاه "فرمانی" بدروخا سواده اش را اطلاع میدادند و برای او یک وکیل فرما می میگرفتند ولی امروز بدون محاکمه اعدام میکنند اینست معنی عدالت و ادخواهی که کودکان گران آرد شوند امیران نظام مویا قری و علوی به حبس محکوم میشوند و بعضیها بسا سله و ابستان امیرالاستها فراری میشوند ولی فرزندان قهرمانی مثل محمود بسا ها تک اندامها و جرحانیه و دکتر ترسها با بدادعام کردند چون مدافع حقوق کارگران و زخمگشان این مملکتند تا ظلم هست مبارزه هست شکست هست عاقبت پیروزی سرانجام متعلق به خلق است.

مرک بر آمریکا و وابستگی داخلی آنها مرگ بر خدادان مزدور محمود و دیگر شهدای خلق.

روست روزنامه کیهان - روست روزنامه جمهوری اسلامی - روست روزنامه اطلاعات روست روزنامه انقلاب اسلامی - روست روزنامه محاهدین - روست دفتر امام - روست دفتر آیت الله مستطری - روست کامون و گلای ایران - روست کابون جفوندان انسران روست دادگاه انقلاب ما شهیر - روسته آقای رئیس جنیور - روسته آقای تخت و زبیر روسته داخلی بیهران ایران.

مقا غلامحسین صمدی

### بیاد آموزگار و رفیق شهیدم محمود صمدی

چند روز بود که سکا روز ۱۳ آن و اعلامیه ها دست به دست میکنند. حال دیگر همه فهمیده بودند که رفیق محمود بیاد رسیده است. همکاران چشمه گریه داشتند. هزاران کمونیست با خون رفیق تحیده عهد کردند و بیادش از دست بروردگان رفیق محمود سلاح ما رکیست - لستیم را کشته و بدستان داده بود. محکمتر شدند و مضمندر راهی که او بنایمان داده بود. کامرند. ارنحاع وقتی فهمید که حد دلوری را نکار کرده. حش گرفت روی بوسنهای حاش را رسوده ای و اکثر سی گرفته تا به جبهه آنها. ابر سوکران بر ما به داران در این حش شرکت کردند. آنها بسا می آورد که رفیق محمود چگونه همانند ما عقب بر سرشان میزد و نزدوده ها افشایان میکرد.

رفیق محمود یکبار رحه آتش و نور و شوق بود. زخمگشان آبادان هیچکدام فراموش نخواهند کرد که چگونه کمونیستها بیرونده محمود در تمام حرکتها صغی و سالی در سطح شهردار کنسار بوده ها بوده و رژیم و روی بوسنهای سوکر آرا افشا می نمودند. ما هر کفر فراموشی نخواهم کرده که چگونه رفیق محمود در حمله مزدوران رژیم بسا نحن با زمانه گان شهدای بسا رکی آرا بسا در صفحه ۲۵

### بزرگداشت چهارم رفیق محمود صمدی

به مناسبت چهارمین روزهای دت رفیق محمود صمدی برای بزرگداشت خاطر سرخ رفیق شهیدمان، روز ۲۱ اسفند مراسم بزرگوار رفیق در شهت آبادان هوا ز سرگزارند و یکبار دیگر بسا آرمان انقلابی کارگران تحیده بسا کرد قبل از رفتن به آرامگاه در طلبه بسا بودی که رفقا و با رانی بسا داده بودند. بسا در شهرمان محمودا روحه مبارزه جوانهای در مورد فعالستهای رفیق محمود صحبت کرد. اسر ما در مبارز گفت: "اگر محمود را دست دادم ولی محمودهای زیادی را دست آوردم." و اعافه کرد: "من ایمان به صداقت کمونیستها دارم و در این مدت کاملاً براسم شهید شده که هدف آنها حر رهائی زخمگشان حرد دیگری نیست. اگر ان را من امروز فهمیده ام، بسا برای امروز در آینده بیذکی خواهد فهمید پس خوا هندر دیکتاتور محمود خانی که رژیم بساوان "سوی بسا و" حد انقلابی رفیق می کند. خدا فرادار صمدی برای ما معتمد.

سر از حسان ما در بسا رفیق محمود بسا روح رسکی و سار را محمود می کند. ارفیق بسا خواهد شد بسا بسا که گشتگان بسا بر رفیق

خدا در صفحه ۲۵

صد و هفتمین سالگرد قیام کارگران پاریس ( ۱۸۷۱ - ۱۹۸۱ )

# کمون پاریس جاودانه زنده است : زنده باد دیکتاتوری پرولتاریا!



اونمرده است ،  
اورا کنار دیوار گذاشتند  
وهزاران بارتیربارانس کردند .  
وسپاهکاران عربده زنان :  
پرچم خود را در کوچه ها گردانیدند ،  
پرچمی که جلادان میان لجن بیرون کشید ،  
و فریاد زد : اینست کیفر ،  
اما با وجود سرکوب ،  
اونمرده است .  
آری ، کمون جاودانه زنده است .  
از "اژن پوتیه" شاعر انقلابی کمون  
وسراینده "انترناسیونال"

انقلاب پرافتخار کارگری ۱۸ مارس، حاکمیت بلا منازعی چون وجهی خود را در  
پاریس مستقر ساخت (مارکس - جنگ داخلی در فرانسه)

نویسی در تاریخ جنبش های انقلابی طبقه  
کارگر آغا زکشت . لنین در این باره مینویسد :  
" ... در نظری (کارل مارکس) این جنبش  
انقلابی بوده ای با آنکه به هدف هم نرسید ،  
یک تجربه تاریخی دارای اهمیت عظیم و  
گامی بود که انقلاب پرولتاریا به پیش بر-  
میداشت . " ، " یگانه " اصلاحی "را که مارکس در  
"مانیفست کمونیست" لازم شمرد بر اساس  
تجربه انقلابی کمونهای پاریس انجام  
گرفت .

کمون پاریس اولین تجربه تاریخی  
پرولتاریا در کسب قدرت سیاسی بود . طبقه  
کارگر قهرمان پاریس نه تنها با تمام قهرآمیز ،  
دولت بورژوازی را درباریس شکست داد ، بلکه  
آنها را با حکومت طبقاتی کارگران جانشین ساخت  
کمون پاریس قبل از آنکه توسط ارتجاع  
درهم شکسته شود ، توانست ۷۲ روز حاکمیت  
انقلابی کارگران را برای نخستین بار در تاریخ  
بشرت برقرار سازد . اولین قانونی که کمون  
به مرحله "اجرا درآورد انحلال ارتش و جایگزینی  
آن توسط توده های مسلح بود . سیستم بسوییده  
پلیس و دادگستری بورژوازی نیز با تشکیلات  
انقلابی جابجا شد . " شورای کمون " با انحلال  
پارلمان بورژوازی ، بالاترین مرجع تصمیم گیری  
گردید . کمون ، دستگاه بوروکراتیک اداری  
بورژوازی را درهم شکست و بجای آن سیستم  
مسئولیت انتخابی را برپا کرد . حقوق نا غلظت  
دولتی را یکسان کرد و جعفرهای بائس کا ملاً

فرانسه در همان زمان یک "دولت عادی" سه  
ریاست "تی بر" تشکیل دادند . "تی بر" که به  
گفته مارکس "زندگی اجتماعی او ، تاریخ  
بدبختی و فلاکت فرانسه است" اولین اقدامات  
خود را سرکوب کارگران پاریس قرار داد . در ۱۸  
مارس ۱۸۷۱ لشکریان "تی بر" عزم خلع سلاح  
کارگران پاریس را نمودند ، اما با مقاومت  
توده های مسلح روبرو شدند . ارتجاع تمام  
مسلحانه زردرسی را سرپرولتاریای پاریس  
تحمیل کرد . طبقه کارگر قهرمان پاریس بدون  
درنگ راه قیام را برگزید و "گارد ملی" ، پاریس  
را به لرزه درآورد و بورژوازی ارتجاعی را  
فراری داد . " ... هنگامیکه در ماه مارس ۱۸۷۱ نبرد  
قطعی راه کارگران تحمیل کردند آنها هم .  
آنها پذیرفتند ، هنگامیکه قیام ، دیگر عمل انجام  
شده ای گردید ، مارکس انقلاب پرولتری را ، با  
آنکه عاقبت خوشی برای آن تمیدید ، با وحدت و  
شعب فراوانی استقبال کرد . " (لنین دولت و  
انقلاب) . آری پرولتاریای پاریس پس از  
سرنوشتی حکومت ارتجاعی بورژوازی در پاریس  
حکومت طبقاتی خود ، "کمون را برقرار ساخته و در  
۲۶ مارس اعلام انتخابات کرد . در ۲۷ فروردین عضو  
کمون انتخاب شدند که سی نفرشان عضو انتر-  
ناسیونال اول بودند . اکثریت را "بلاکست" -  
ها و اقلیت را طرفداران "پرودن" نمایندگی  
میکردند . روز ۲۸ مارس در میان هلهله و شادی  
توده های پاریسی در میدان شهرداری (هنس-  
دوویل) برقراری کمون رسماً اعلام شد . با اعلام  
کمون ، اولین حکومت کارگری در جهان تصل

سیدار صفحه ۱  
نقاط استراتژیک پاریس در ابتدا زظهرها نروز  
ارتجاع راه "ورسای" (در غرب و نزدیک پاریس)  
فراری دادند . پرولتاریای مسلح حاکمیت  
ارتجاعی بورژوازی را در یک قیام مسلحانه  
سرنگون ساخته و با جدا شدن از درآوردن اولین  
پرچم سرخ ، پرولتاریا اولین انقلاب کارگری ،  
پرولتاریای "کمون" را اعلام کردند . اعلام کمون  
پاریس در شرایطی صورت گرفت که حکومت فرانسه  
در حال جنگ با امپریالیسم آلمان بود .  
نیسمارک پس از رسیدن به صدر اعظمی آلمان در  
سال ۱۸۶۱ ، سرپا به "سبست آهن و خون" خود که  
یک سوی آن سرکوب و کشتار مردم در داخل کشور و  
سوی دیگرش جنگ با کشورهای دیگر بود ، سه  
متحد ساختن دولت های شمال آلمان بدور پروس  
و اتحاد تریس و پروس پرداخت و در این راه  
ضروری میبود که امپریالیسم نا پلئون سوم که  
خطری در برابر وحدت و یکپارچگی امپریالیسم  
آلمان بود از میان برداشته شود .

جنگ آلمان و فرانسه در ۱۹ ژوئیه ۱۸۷۰  
آغاز گشت . اما لوتی بنا پارت تسلیم شد و به  
دنبا ل این تسلیم کارگران و توده های زحمتکش  
مسلحانه قیام کردند و با اشغال کاخ سلطنتی و  
حمله به ماکن حکومتی ، الفئا امپریالیسم و بر-  
قراری جمهوری را اعلام نمودند . اما در اثرنا -  
گماهی کارگران نسبت به ما هیت حزب جمهوری -  
خواه ، بورژوازی حکومت را غصب کرده و فریب -  
کارانه اعلام "دولت دفاع ملی" نمود . علی رغم  
تلاش این دولت برای سازش با آلمان ، جنبش  
ادامه یافت . مارکس در بیانیه دومش راجع به  
جنگ دو حکومت از کارگران آلمان میخواهد که  
با تکیه بر همبستگی بین المللی ، کارگری بر  
علیه جنگ برخاسته و نیسمارک را وادار به صلح  
نمایند . کارگران فرانسه از یکسو میبایست در  
برابر دشمن تجا و زکار که اکنون بر علیه جمهوری  
میجنگید مقاومت نمایند و از طرف دیگر بدون  
نیاله روی از بورژوازی و فراموش کردن  
تفاذهای طبقاتی شان ، با او زمینیه بیروزی  
آینده طبقه کارگر فرانسه را مهیا سازند . ارتش  
پروس بسرعت خود را به دروازه های پاریس  
نزدیک کرد . پرولتاریای قهرمان پاریس تصمیم  
به دفاع قاطعانه از پاریس گرفته و بسرعت خود  
را مسلح کرد . کارگران پاریس یک "گارد ملی"  
مرکب از ۳۰ هزار فرد مسلح ترتیب دادند و به  
دفاع از فرانسه برخاستند . تحت رهبری کمیته  
مرکزی "گارد ملی" در اکثر ۱۸۷۰ و ژانویه ۱۸۷۱  
دو قیام مسلحانه صورت گرفت که علی رغم سرکوب  
شدن هردو ، توده های کارگر دست از سلاح بر -  
نداشتند . دولت ارتجاعی "دفاع ملی" که ادامه  
جنگ را به منزله پایان حاکمیت خود تلقی می -  
کرد . در ۲۸ فوریه ۱۸۷۱ قرار داد صلح با آلمان  
را امضا کرد . سرمایه داران و زمینداران مرتجع

## زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!

← کمون ...

ترمیم شدند. جدائی کامل کلسیا از دولت اعلام  
و اموال کلسیا به نفع توده ها ضبط و مصادره شد.  
در زمینه اقتصاد، کمون کارگاهها و کارخانها -  
ها را که صاحبان استثمارگرشان فرار کرده و  
با آنها را تعطیل کرده بودند در اتحادیه های  
کارگری مجتمع کرده و اداره آنها را بدستان  
پرتوان کارگران سپرد. شب کاری، جریمه های  
نقدی کسر کردن دستمزد و... لغو شده و اشیاء رهن  
شده زحمتکشان که در اشرف و فلاکت به جنگ  
بنگاههای کارگشائی و افراد سودجو افتاده  
بودند به آنان برگشت داده شدند.

برقراری کمون، نشاط و طراوت سیاسی  
در باره یس بوجود آورده بود. توده های زحمتکش  
از رهقشتری بدلتان برخاسته بودند و با ریس سراسر  
به شور و حرارت انقلاب، زندگی بخشیده شدند.  
توده ها حاکمیت فریبکارانه و ارتجاعی دارو -  
دسته "تی بی" و دیگر ورای نشینان موشع را بجسم  
دیده بودند و بقول ما رکن "باریس سراسر  
حقیقت و ورای سرباد روغ!" بود. کمون بارین  
تجلی "دیکتا توری پرولتاریا بود. و همچنین  
جهت بود که بورژوازی شکست خورده نمیتوانست  
آرام بنشیند. پس از امضای قرارداد صلح، دولت

آلمان که برقراری کمون، رنگ خطر را برای  
حاکمیت ارتجاعی او نیز میداد آورده بود. صد  
هزار سرباز را مبرا طوری فرانسه را که اسیران  
بودند آزاد ساخته و تحویل حکومت ورسای داد.  
روز ۲۱ آوریل ارتشبان ورسای به بارین حمله  
کردند و یک هفته تیرد فیر ما به طبقه کارگر  
برای دفاع از حاکمیت انقلابی خویش که سه  
"هفته خونین" معروف گشت آغاز شد. توده های  
انقلابی برای "تجات جمهوری" با فریاد های  
"زنده باد کمون" به سگر بندی پرداختند و تن به

تن با بورژوازی و ارتشبان حمله کردند و دلاوری  
در راه آزمان سرخ پرولتاریا به شهادت رسیدند  
ده ها هزار نفر بجاک و خون کشیده شدند. روز ۲۷  
ماه مه گروهی از آخرین رزمندگان شهرمان  
کمون که در کورستان "برلاش" سگر گرفته بودند  
تا آخرین فشنگ و آخرین نفس به شهادت رسیدند  
و دادند و سرانجام در کنار دیوار کورستان تیر -  
باران شدند. در هر با لکرد کمون، پرولتاریای  
بارین با کداردن دسته کل های سرخ پروری اس  
دیوار که به "دیوار بارین" معروفست ساد  
شکوه مند ان قهرمانان جاودان طبقه کارگر  
را با افتخار رگرمی میدارند.

روز ۲۸ ماه مه پس از ۷۲ روز حاکمیت  
انقلابی طبقه کارگر بارین، ارتجاع دوباره  
حاکمیت صدام انقلابی خود را بر بارین تحمیل کرد  
و خفقان و سرکوب و استثمار مجددا برقرار شد.  
در روز دوم "هفته خونین" اوژن بو شه شاعر  
انقلابی کمون در میان دریائی از خون و آتش  
شعر "انترناسیونال" را سرود که سرود رنج و  
رهائی کارگران سراسر جهان است.  
دوروز پس از سقوط کمون ما رکن نوشت:  
"باریس کارگر با کمون خود برای همیشه

بعنوان بشارت دهنده و ظالمه دارا معه نویسن  
معروف خواهد ماند. خاطره شیدا پس در قلمب  
بزرگ طبقه کارگر با احترا م و تقدس محفوظ است  
تاریخ قاتلین و ناسودگسندگان، آنها را دیگر  
پروری طایفه ای جاودان به چهار رمخ کشیده است  
و تمامی دعا های کشتیابان نمیتواند آنها  
را نجات بخشد" (جنب داخلی در فرانسه)

کمون پس از سرنگونی دستگاه دولتی  
بورژوازی در بارین، دیکتا توری پرولتاریا  
را برقرار ساخت. اما این قدرت تعمیق نیافته  
و سبب اشتباهات و عدم قاطعیت رهبری، سبب  
سرنگونی کامل عدالت انقلاب بنا نهاد. یکی از  
ضعفهای اساسی کمون در اسامورد عدم سرکوب  
قطعی ماشین دولتی بورژوازی بود. درهم  
نگویندن کامل دستگاه کهنه و عدم قبول اعمال  
دیکتا توری طبقاتی پرولتاریا از جانب

"پرودونست" ها باعث شد که ضد انقلاب به جمع و  
جوړ کردن نیروی خود برای پیوستن به ورسای -  
ها بپردازد. بر اساس جمع بندی از همین ضعف  
اساسی بود که ما رکن و انگلس در بیستگفتاری که  
پس از اعلام کمون بر "مانیفست" نوشتند گفتند  
"... بویژه کمون ثابت کرد که طبقه کارگر نمی  
تواند بطور ساده ماشین دولتی حاضر آماده ای  
را تصرف نماید و آنرا برای مقاصد خویش بکار  
اندازد. این آموزش مارکسیستی به صراحت  
تا کند میکند که پرولتاریا انقلاب فیر آ میز خود  
را علیه حاکمیت طبقاتی و دولت بورژوازی تن  
به آخر باید ادا دهد و در نا بود کردن مسلحانه  
بورژوازی یک لحظه درنگ نکند. پس این

جمع بندی ما رکن را "که طبقه کارگر با بدما شین  
دولتی حاضر آماده را خورد کند و درهم شکند، ند  
است که به تصرف ساده آن اکتفا ورزد. یکی از  
"درسهای اساسی و عمده کمون بارین" از بیایی  
می نماید.

را اشتباهات اساسی دیگر کمون بدست  
تکرفتن امور مالی و ملی نکردن بانک فرانسه  
بود که به ارتجاع ورسای فرصت داد تا با تکیه  
به امکانات مالی خود، جهت حمله به کمون  
آماده شود.

یکی دیگر از دلایل اساسی شکست کمون عدم  
اتحاد کارگران و دهقانان و نیز محدود ماندن  
کمون در بارین بود. اگر رهبران کمون اتحاد  
با زحمتکشان روستا را که اعلام میکردند عملی  
میباختند و فعالیت انقلابی خود را به بارین  
محدود نداشتند و در پی پیله فرانسه گسترش میدادند،  
بورژوازی آنان سادگی نمیتوانست حاکمیت  
کارگران را سرنگون سازد.

کمون نمونه ای از دمکراسی کارگری بود.  
"العاء" هرگونه برداختی به عنوان حق سفره و  
هرگونه مزایای بولی مستخدمین دولت و رساندن  
جنوق همه ما حمان مشاغل در کشور به سطح  
"دستزدیک کارگر". در اینجا است که اتفاقا  
حلول - از دموکراسی بورژوازی به دموکراسی  
پرولتاریا، از دموکراسی استثمارگرانه  
دموکراسی طبقاتی استثمارگرانه، از دولت به معنای

پروری خاص "برای سرکوب طبقه معین به سرکوب  
ستمبرگان از طرف نیروی همگانی اکثریت مردم  
یعنی کارگران و دهقانان - با و صوحی خرج  
سیستمنا هده میشود. پس دولت و انقلاب،  
از درسهای بزرگ کمون، اثبات این حقیقت بود  
که طبقه کارگر برای بدست گرفتن قدرت سیاسی  
و برقراری دیکتا توری پرولتاریا با بد صلح  
به حزب آهنین مارکسیستی با شد و بقول ما رکن:  
"پرولتاریا بعنوان طبقه در ما رزه سر  
علیه سروهای مشترک طبقات مرفه، نمیتواند  
نقش فعالی داشته باشد مگر با تشکیل حزب  
سیاسی مشخص و متما بزرگ با تمام احزاب گذشته  
که بوسله طبقات مرفه تشکیل شده، فیرقی داشته  
باشد" و یکی از دلایل مهم شکست تجربه کمون،  
فقدان رهبری حزب انقلابی پرولتاریائی بود  
که میتواند اساسی و بر پایه مارکسیستی کارگران  
با ریس و زحمتکشان فرانسه را هدایت نماید.

لنین با جمع بندی نظریات ما رکن در "جنب  
داخلی در فرانسه" در مورد تجربه کمون مینویسد:  
"کمون - آنحان کلی است که انقلاب  
پرولتاریائی آنرا "سرانجام کشف کرده است" و با  
وجود آن برهائی اقتصادی کار، میتواند جامعه  
عمل بسازد.

کمون - نخستین تلاش انقلاب پرولتاریائی  
برای خورد کردن ماشین دولتی بورژوازی و آن  
شکل سیاسی "سرانجام کشف شده" است که می  
تواند با بدحاکمیتین شکل خورد شده کرد.

مارکسیسم لنینیسم ما درس گیری از تجربه  
پلارک "کمون بارین". "دیکتا توری پرولتاریا"  
را بنامش "آن شکل سیاسی کشف شده" برای  
کذا را سرمایه داری به کمونیم و برقراری  
جامعه بی طبقه کمونیستی و استقرار سوسالیم  
ضروری و لازم میسورد. تجربه برارزی که انقلاب  
کسرا اکثریت ۱۹۱۷ سنجوا رزی آنرا اثبات کرده  
و نمونه های پیروز مند چین و آلبانی نیز  
مجددا بر آن تا کند استه است.

شکست سوسالیم در شوروی و چین و ساز -  
کشت و استقرار مجددا سرمایه داری در آنها خود  
موبد همین نظرات است که برای ادا به مسارزه  
طبقاتی در جامعه سوسالیستی جهت نیل به  
جامعه کمونیستی جز برقراری و تحکیم دیکتا توری  
پرولتاریا راه دیگری وجود ندارد.

روزیونیم خر و شجفی با طرح "دولت تمام  
خلق" و... اساسی ترین درسهای کمون بارین  
(که دستاورد بزرگ انقلاب سوسالیستی اکثریت  
میباشد) را از بیباکانه و با خیانت به طبقه  
کارگر امکان بازگشت مجدد سرمایه داری را  
در شوروی عملی ساخت. اگر چه امروزه سوسال  
امپریالیستیهای روس گاه از "دیکتا توری  
پرولتاریا" حرف میزنند، ولی این فریبی بیبن  
نیست. آنها سالمان درازی است که دیدیکتا توری  
پرولتاریا را زانها بوده اند و دیدیکتا توری سینه  
بورژوازی خود را در شوروی مستقر نموده اند.  
بورژوا - روزیونیمینهای خاش جینی نیز  
بسیه در صفحه ۲۲



## دستمزد و ضرورت مبارزه برای افزایش آن

هیچکدام از اینها سبب سرمایه‌داری نیست، چون آنوقت دستکاری نخواهد بود که برای آنها کار کند و سودهای هنگفت برایشان تولید کند. اما برای اینکه کارگران قدرت کار کردن داشته باشند و نیروی را که در هنگام کار از دست داده‌اند دوباره بدست بیاورند با بهره‌روزی قدری غذا بخورند، لباس بپوشند، جایی برای استراحت کردن داشته باشند و از آن قلیل پس‌مزدی که کارگران می‌گیرند در حد اول باید این احتیاجات را برآورده کند.

در کارخانه‌ها، مزارع، معادن و غیره کار می‌کنند بولی که سرمایه‌داران با دست خرید نیروی کار کارگر می‌پردازد، مزد یا دستمزد گفته می‌شود. پس دستمزد همان قیمت نیروی کار کارگر است. شکل پرداخت

این روزها همه سرمایه‌داران و دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان دم گرفته‌اند که "بالا رفتن دستمزدها باعث گرانی شده است". رهبران رژیم جمهوری اسلامی هم از آیت‌الله خمینی گرفته تا بنی صدر و بهشتی و دیگر دشمنان طبقه کارگر هم‌صدا با سرمایه‌داران و برای دفاع از آنها اعلام می‌کنند: "کارگران با نابود افزایش دستمزد را بخواهند و با انقلاب را". "همه‌کسانی که برای افزایش دستمزد و زیاده‌دندان حقوق دست به اعتصاب می‌زنند ضد انقلاب و عوامل آمریکا هستند". مسیبنید چطور سرمایه‌داران و دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان دست به دست هم داده‌اند تا علت اصلی گرانی را از چشم‌نموده‌ها پنهان کنند؟! ما این خائنین به طبقه کارگر و زحمتکشان و این دشمنان قسم‌خورده انقلاب دروغ می‌گویند. رژیم جمهوری اسلامی با این تسلیحات منخو؛ هدایت طرف سرمایه‌داران را نجات دهد و از طرف دیگر سگ‌ها و گشتا کارگران را توجیه کند. همه کارگران و زحمتکشان دروغهای سرمایه‌داران و رژیم جمهوری اسلامی را با گوشت و پوستشان احساس می‌کنند. اما برای اینکه عوامل فریبی سرمایه‌داران و رژیم آنها را از جهت دیگری هم‌تاسنت کنیم، اول از همه بیستیم دستمزد چیست.



افزایش سرمایه‌داران می‌تواند منجر به افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید کارگران شود. سرمایه‌داران می‌توانند با افزایش دستمزد، نیروی کار را به دست خود بکشند و با افزایش قیمت‌ها، کارگران را به فقر بکشند. سرمایه‌داران می‌توانند با افزایش دستمزد، نیروی کار را به دست خود بکشند و با افزایش قیمت‌ها، کارگران را به فقر بکشند. سرمایه‌داران می‌توانند با افزایش دستمزد، نیروی کار را به دست خود بکشند و با افزایش قیمت‌ها، کارگران را به فقر بکشند.

دستمزد به هر صورتی که باشد مثل روز مزد، کارمزد و غیره تغییری در اصل مسئله نمی‌دهد. بنا بر این سرمایه‌داران را می‌توانیم تصور کنیم که با سرمایه‌داران برای تولید از قبیل ماشین‌آلات، مواد خام و غیره را می‌خرود. همان‌طور هم نیروی کار کارگر را برای کار کردن با این وسائل می‌خرود. نتیجه این خرید و فروش برای سرمایه‌داران و نیروی کار چیست. زندگی کارمندان و خلاصه‌یادتر شدن سرمایه‌داران. اما آن چیزی که کارگران از فروش نیروی کار خودشان سعی در گرفتن برای سرمایه‌داران بدست بیاورند آن چیزی که نصیب سرمایه‌داران می‌شود فرتی دارد. اگر چه کارگران بخش اعظمی از ثروت جامعه سرمایه‌داری را تولید می‌کنند، اما جز بول کمی بعنوان دستمزد نصیب دیگری از این ثروت ندارند. سعی نتجسته کار کارگران به کس دیگری و اکتفا می‌شود که همان سرمایه‌داران است. اما با وجود همه اینها سرمایه‌داران همیشه سعی می‌کنند تا نیروی کار کارگر را هر چه می‌توانند از اثر بخرد یعنی به کارگر مزد کمتری بدهد. اینکار سرمایه‌داران به دلیل نیست چون هر چه دستمزد کارگران کمتر شود سرمایه‌داران بیشتر می‌شود. برای سرمایه‌داران بهترین حالت آنست که کارگران با دستکار - تا آن دستمزدی بگیرند. ولی اگر کارگران مزد بگیرند چیزی دستکاری برای امرار معاش نخواهند داشت. در جنس صورتی با از کسکی خواهند مرد و با قدرت کار کردن را از سحر خواهد داشت.

### دستمزد چیست و حداقل دستمزد چطور تعیین میشود؟

در یک جامعه سرمایه‌داری قسمت عمده‌ای از وسائل تولید به شکل پول، کارخانه، زمین و غیره در اختیار و تحت کنترل عده کمی از افراد جامعه یعنی سرمایه‌داران قرار دارد. در مقابل عده زیادی از افراد جامعه چون هیچگونه وسائل تولیدی ندارند که برای خودشان کار کنند برای امرار معاش و زندگی مانده هیچ چاره‌ای غیر از فروش نیروی کار خودشان ندارند. فروش نیروی کار یعنی چه؟ یعنی اینکه کارگر هر روز ساعت ۱۰ ساعت و یا بیشتر از زندگی و عمر خود و قدرت کار کردنش را به سرمایه‌دار می‌فروشد. چرا می‌فروشد؟ برای اینکه بولی که به این وسیله بدست می‌آورد زندگی خودش و خانواده‌اش را بگرداند. سرمایه‌دار هم که این نیروی کار را خریده است از آن استفاده می‌کند یعنی از کارگر

## نان، مسکن، آزادی



## دستمزد

کشورهای کمتر از کشورهای سرمایه‌داری پیش‌رفته است. بطور کلی پائین بودن سطح دستمزد کارگران در کشورهای مثل ایران یکی از دلایلی است که امپریالیستها برای مسدود سرمایه به این کشورها ویکا گرفتن کارگران آنها سرودست میکنند. اما با وجود اینکه دستمزد کارگران اینقدر کم است، باز هم سرمایه‌داران برای بدست آوردن سود بیشتر سعی میکنند از سرنوشت آن بزنند. یکی از کارهای سرمایه‌داران تکه تکه کردن دستمزد کارگران است تا در فرصت مناسب قسمتی از آنرا به جیب بزنند. مثلاً در ایران میبینیم که دستمزد کارگران را تکه تکه میکنند و آنرا به اسامی مزد، سودویزه پاداش، عیدی، حق اولاد، حق مسکن، حق ناهار و غیره به کارگران میدهند. سرمایه‌داران با اینکار روانه نمود میکنند که گویا به کارگران بیشتر از حقشان میدهند و به آنها لطف میکنند. ضمناً هر موقع هم نتوانستند با ندادن هر کدام از این تکه‌ها در حقیقت مزد کارگران را کمتر میکنند اما یکی دیگر از مهمترین وسائلی که سرمایه‌داران به وسیله آن مرتباً از مزد کارگران کم میکنند، حربه‌گرانی و تورم است.

## چه عواملی باعث تورم میشوند؟

تورم یعنی چه؟ تورم یعنی کم شدن ارزش پول. تورم یا کم شدن ارزش پول، خود را به شکل گرانتر شدن هر روز کالاها و غیره نشان میدهد. در نتیجه تورم برای خرید یک مقدار مساوی از یک کالا با کیفیت یکسان با گذشته با بد پول بیشتری بدهیم. مثلاً اگر یک کیلو برنج ایرانی را قبلاً به تومان میخریدیم حالا در نتیجه تورم، برای خرید همان یک کیلو برنج با بدیست چهار تومان پول بدهیم. چه عواملی باعث تورم میشوند؟

۱- بالا بردن قیمت اجناس توسط سرمایه‌داران سرمایه‌داران که فقط بدینال سود بیشتر هستند به بهانه‌های مختلفی مثل بالا رفتن دستمزد کارگران، گران شدن مواد خام و ماشین آلات و مسائلی از این قبیل قیمت اجناس را هر روز بالاتر میبرند. سرمایه‌داران برای بالاتر بردن قیمت کالاها در صورتی که لازم باشد کارگران را انبساط میدهند و به بازار میفرستند. اینکار سرمایه‌داران باعث میشود که جنس در بازار کم شده و قیمت آن بالاتر رود. سودهای حاصل از اینکار مستقیماً بجیب سرمایه‌داران میسرود بعضی وقتها سرمایه‌داران قیمت یک جنس را ظاهراً بالا نمیبرند اما در عوض مقدار آنرا کم میکنند و با کیفیت آنرا پائین میآورند. مثلاً میبینید پودر لیا شوئی داخل قوطی‌ها هر روز کمتر میشود و یا مثلاً توتون سیگارها هر روز بدتر میشود. درحالی که قیمت این اجناس بیشتر هم شده است.

یکی دیگر از حربه‌های سرمایه‌داران فروختن همان اجناس قبلی با مارک جدید و قیمت بیشتر است. با لافتن هر روز قیمت کالاها وقتی است که برعکس با قیمت اجناس هر روز پائینتر بیاید. میدانیم که ارزش هر کالایی بوسیله وقتی که بطور متوسط برای تولید آن صرف میشود تعیین میگردد. بنا بر این چون با پیشرفت صنعت و تکنیک هر روز وقت و هزینه کمتری برای تولید اجناس صرف میشود پس کالاها با بدارزانتر فروخته شوند با وجود این سرمایه‌داران نه تنها اجناس را از بازار میبرند بلکه روز بروز قیمت آنرا بالاتر میبرند. دولتهای سرمایه‌داری هم همیشه به شکل‌های مختلف از اقدامات سرمایه‌داران در بالا بردن قیمت‌ها دفاع میکنند. اما فیه برای این اقدامات رژیمهای سرمایه‌داری برای مبارزه با گرانی نیز از دو حالت خارج نیست: یا برای مریب دادن زحمتگشان است و یا یک اقدام موقتی که هیچ دردی را درمان نمیکند. بعنوان مثال رژیم جمهوری اسلامی هم مثل رژیم شاه ادعای مبارزه با گرانی را میکنند ولی نه رژیم شاه در این کار موفق بود و نه رژیم جمهوری اسلامی میتواند موفق شود. رژیم شاه یک عده کاسب جز را جریمه میکرد، رژیم جمهوری اسلامی همان کاسب‌ها را ضلوع میزد و هر دو اسم اینکار را مبارزه با گرانی فروشی میگذارند.

۲- بالا رفتن میزان تورم بخاطر برنامه‌ها و اقدامات دولتهای سرمایه‌داری

میدانیم که دولتهای سرمایه‌داری هر ساله بودجه و پول هگفتی برای پرداخت حقوق به افراد ارتش، پلیس و سایر کارمندان خود و سایر هزینه‌های ارتش و ادارات مصرف میکنند. این افراد که عده زیادی از آنها تولیدکننده نیستند و فقط مصرف میکنند در خدمت سرکوب مبارزات کارگران و زحمتگشان هستند. مثل ارتش و پلیس و سایر کارهای دیگر دولت را که در خدمت سرمایه‌داران است راه میاندازند. بنا بر این پولی که دولت بعنوان بودجه خرج میکند بطور کلی باعث بالا رفتن قیمت‌ها میشود چون کارمندان مختلف دولت (نظامی و غیرنظامی) با پولی که میگیرند برای خرید کالاها هجوم میاورند بدون اینکه چیزی تولید کرده باشند. در نتیجه بخاطر کم بودن کالا

و پول زیادی که بوسیله کارمندان دولت وارد بازار میشود، قیمت اجناس با زهم گرانتر میشود از طرف دیگر جاب پول بدون پشتوانه توسط دولتهای سرمایه‌داری که برای جبران کسری بودجه صورت میگیرند در کم ارزش نمودن پول و بالا بردن قیمت‌های خیلی موثر است. یعنی دولتهای سرمایه‌داری برای جبران کسری بودجه مقدار زیادی پول وارد بازار میکنند که در حقیقت ارزش و اعتباری ندارد. در نتیجه ارزش پشتوانه پول آن کشور پائین مقدار زیادی دتری پول تقسیم میشود و باعث میشود که ارزش پول کم شود و بنا بر این برای خرید کالا با بدیست از گذشته پول داد.

سرمایه‌گذارهای غیر تولیدی دولت هم مثل ساختن تاسیسات نظامی، کارخانه‌های اسلحه سازی و غیره هم در بالا بردن قیمت‌ها موثرند. در حالیکه خود این سرمایه‌گذارها در تولید احتیاجات توده‌های مردم هیچ نقشی ندارند اما با پولی که وارد بازار میکنند و افزایش تقاضا به بالا رفتن قیمت‌ها کمک میکنند.

## ۳- نقش امپریالیستها در بالا رفتن میزان تورم

میدانیم که مقدار زیادی از ماشین آلات مواد خام و نیمه ساخته و حتی مقدار زیادی از مواد غذایی کشورهای تحت سلطه‌های مثل آمریکا، کشورهای امپریالیستی وارد میشود. سرمایه‌داران کشورهای امپریالیستی که بدینال حداکثر سود ممکن هستند و قدرت انحصاری دارند، قیمت محصولاتشان را هر روز به مقدار زیادی بالا میبرند در نتیجه قیمت مواد غذایی مورد احتیاج توده‌ها و محصولات کارخانه‌های داخلی با زهم گرانتر میشود. البته سرمایه‌داران داخلی این اضافه قیمت را از جیب خودشان نمیدهند، چون با رتنام‌های اضافه قیمت‌ها با لافزه روی دوش کارگران میافند اما فیه برای سایر صنایعی هم که در داخل کشور مستقیماً با سرمایه‌گذارهای امپریالیستی و با اشتراک آنها درست شده‌اند همین وضعیت را دارند و بخاطر قدرت انحصاریشان در بالا بردن قیمت‌ها نقش خیلی زیادی دارند.

به این ترتیب میبینیم که با لافتن قیمت‌ها زیر سرمایه‌داران و دولت‌هاست و افزایش دستمزد کارگران هیچ نقشی در گران کردن کالاها ندارد

## گرانی و تورم چه تاثیری بر دستمزد کارگران دارد؟

کم کردن آشکارا از مزد کارگران و پسان دادن قسمتی از مزد آنها مثل سودویزه، خیلی زود با مقاومت کارگران روبرو میشود. بهمین دلیل بالا بردن قیمت اجناس مورد احتیاج کارگران، یکی از مهمترین وسائلی است که سرمایه‌داران برای کم کردن مزد کارگران به آن متوسل میشوند. بالا رفتن قیمت‌ها یعنی کم شدن از مزد کارگران و زیاد شدن سود سرمایه‌داران. کارگران به علت دستمزد پائینی که دارند وقتی قیمت کالاها بالاتر



دستمزد...

میرود مجبور میشوند که اجناس کمتری بخرند و کمتر مصرف کنند. به این ترتیب وضع زندگی کارگران و خانواده‌اش به علت بالا رفتن قیمت‌ها از همه نظر بدتر میشود و در حقیقت مثل اینست که مزد کارگران را کم کرده باشند. اگرچه کارگران به علت مبارزه‌ای که میکنند و پس از اینکه با راه‌های سرکوب میشوند بالاخره قسمتی از حشاشان را بصورت افزایش دستمزد پس میگیرند، اما بازم در این میان ضرر میکنند. یعنی سرمایه‌داران همان اندازه که به علت بالا رفتن قیمت‌ها از مزد کارگران کم شده است به دستمزد آنها اضافه نمیکند. به این ترتیب روز به روز از دستمزد کارگران کم میشود و به جیب سرمایه‌داران سرازیر میشود. این جریان تا وقتی سرمایه‌داری وجود

توطئه اخراج کارکنان  
مجتمع فولاد

مسئله اخراج و بیکار کردن کارگران فولاد اهواز مدت‌ها بر سر زبان‌ها بود و در همین رابطه هیئت بررسی وضع مجتمع فولاد گزارش داده بود که مشکل مجتمع وجود کارکنان اضافی است! احمدزاده سرپرست صنایع فولاد اهواز به مجتمع آمد تا این مشکل را از طریق اخراج و بیکار کردن کارگران برطرف نماید! او به همراه سایر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که هدفی جز حفاظت از سیستم سرمایه‌داری وابسته ندارند، در ادامه سیاستهای ضد کارگری رژیم تصمیم گرفته اند تا با شروع تعطیلات سال نو کارخانه را بطور موقت بمدت سه ماه تعطیل کنند و هنگام باز شدن مجدد کارخانه تنها تعدادی را بر سر کار بازگردانند و براحقی توطئه خویش را مبنی بر اخراج گروه عظیمی از کارکنان عملی سازند. علت این حيله رژیم، ترس و وحشتی است که از اخراج مستقیم کارکنان دارد و لذا همانند تمامی رژیمهای سرمایه‌داری به توطئه متوسل گردیده است. این سیاست ضد کارگری رژیم در ادامه سیاستهای دیگرش مبنی بر نپرداختن عیدی، ندادن سود ویژه و سرکوب مبارزات کارکنان میباشد. کارکنان مجتمع فولاد برای خنثی کردن این توطئه رژیم مبادیست با تحکیم وحدت و یکپارچگی خود، بعد از تعطیلات به کارخانه بازگشته و با حضور خود نقشه رژیم را خنثی کنند.

بقیه از صفحه ۳ فنگران...

کارکنان زندانی بدون هیچ اتهامی زندانی شده اند و با یاد از گذردند. مثلا معاون سرپرست امور اداری در نامه‌ای قید میکند که: "بناجانب متاسفانه علیرغم کوششهای فراوان در مورد آزادی دستگیرشدگان توفیق حاصل نکردم" در صورتیکه همین شخص دقیقا در جریان دستگیری نمایندگان دست داشته و آنها پس از بیرون آمدن از اطاق وی دستگیر شده اند.

حال این سؤال مطرح میشود که چرا علیرغم اظهار مسئولین وزارت نفت که بنا به گفته خودشان به دادسرای انقلاب گفته اند: "وزارت نفت هیچگونه شکایتی از زندانیان نداشته و حتی حاضر است برای آزادی آنها تعهد بدهد"، هنوز همکاران مادرزندان سر میبرند؟ ما در طول این مذاکرات بروشنی دیدیم که گروههایی در درون وزارت نفت بر سر قیضه کردن کارها با یکدیگر رقابت میکنند و از جنگزدگان به عنوان وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف خویش استفاده میکنند و دقیقا بدین خاطر است که یک گروه تلاش دارد زندانیان را آزاد نماید تا برای خود مشروعیت کسب نماید ولی با ندمقابل با جلو گیری از آزادی نمایندگان سعی دارد با ندم رقیب را تضعیف کند.

بعنوان مثال در جریان یکی از مذاکرات معاون سرپرست امور اداری در مقابل اصرار ما مبنی بر گرفتن قرار ملاقات با کفیل وزارت نفت میگفت: "باور کنید من جزواهل بیست نیستم و مرا در مجامع خودشان شرکت نمیدهند." ما از ایشان سؤال میکنیم که این "اهل بیت" چه کسانی هستند؟ ایشان در روز ۵۹/۱۲/۴ در جواب نمایندگان شورای سراسری گفت: "من در روز ۲۱ بهمن به رئیس دفتر وزیر گفتم که الان بهترین موقع برای آزادی بچه‌هاست و ما میتوانیم بعنوان هدیه با لگد انقلاب نمایندگان جنگ -

دارد و وجود خواهد داشت و همیشه باعث فقیرتر شدن کارگران و زحمتکشان خواهد گردید. بنا بر این تنها راه از بین بردن گرانی و تورم و بطور کلی فقر و فلاکت توده‌ها نابودی سرمایه‌داری بوسیله انقلابی به رهبری طبقه کارگر و ایجاد جامعه سوسیالیستی است. اما یک نکته را هم نباید فراموش کرد تا هم مبارزه کارگران برای تامین حقوق صنفی و اقتصادی و از جمله مبارزه برای افزایش دستمزد در کنار مبارزه برای انقلاب است. این مبارزه سرمایه‌داری را از بین نمیببرد، اما باعث میشود که کارگران بوسیله آن قسمتی از حشاشان را از سرمایه‌داران و دولت آنها پس بگیرند. پس برای افزایش دستمزد مبارزه را شدیدتر کنیم و هیچگاه از یاد نبریم که این مبارزه باید فقط بعنوان جزئی از مبارزه و در کنار مبارزه اصلی برای انقلاب به رهبری طبقه کارگر و برای خلاص شدن از دست سرمایه‌داری باشد.

زده را آزاد کنیم. در آن روز اقدامات زیادی در این مورد انجام دادیم ولی نمیدانیم چه کسی سنگ اندازی میکند و جلوی آزاد شدن بچه‌ها را میگیرد. آری در راه آزادی نمایندگان کارکنان جنگزده سنگ اندازی میشود و نمایندگان جنگزدگان باید با تدبیر و تدبیر و دعوا بر سر بدست آوردن پست وزارت نفت در زندان باقی بماند تا در موقعیت مناسب هر کدام از این دو با ندم (با ندم حاجی بر خوردا رو با ندمانجمن اسلامی) بتوانند برای پیشبرد مقاصد ضد کارگری خود از وجود آنها استفاده نمایند.

و اما درباره پیگیری خواستهای برجسته جنگزدگان باید بگوئیم که هنوز اکثر خواستهای بدون جواب مانده است. البته با وجود این با تدبیر و راه و روش مناسب و انداختن در شرکت نفت، بیش از این نمیتوان انتظار داشت. ولی باید از آقایان مسئولین "کمیته بررسی مشکلات جنگزدگان" سؤال نمائیم که از اوایل شروع کار با این کمیته تا بحال کدام مسکن را برای خانواده جنگزدگان اختصاص داده اند و بجز چند مورد که خود جنگزدگان اقدام به مداره کردند خوابگاه برای سکونت خود کرده اند؟ شما کسبه صحبت از وجود نیمه خواروایا رسمیه کارکنان شرکت در انبار میزنید، آیا تا بحال کوچکترین اقدامی جهت تحویل حتی چند کیلو خواربار نموده‌اند؟ با سوق و کرنا و سروصدای زیاد حرف از کارهای میزنید ولی آیا تا بحال چند نفر از کارکنان جنگزده سرکار رفته اند؟ درباره عیدی هم باید بگوئیم که برخلاف تصور ما که فکر میکردیم اقلا به جنگزدگان عیدی تعلق میگیرد و آنها خواهند توانست با استفاده از آن کمی به زندگی خود سروسامان بدهند، اما متاسفانه مثل اینکه حتی صوب نامه هیئت دولت نیز اجرا نگردیده است.

شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت آبادان و خونین شهر

مقاومت کارگران  
پارس الکتریک

کارکنان این کارخانه که برای دریافت سود ویژه اعتصابی هفت روزه را پشت سر گذاشته اند، به علت ضعف شکل خود و خیانت شورای قلابی نتوانستند به خواست خود برسند. از این رو تشکیل شورای واقعی در شرایط حاضر خواست ضروری کارکنان پارس الکتریک میباشد. چرا که آنها به اهمیت نقش رهبری مبارزانشان پی برده اند. اما مزدوران سرمایه یعنی انجمن اسلامی و مدیریت کارخانه برای جلوگیری از انتخاب شورای واقعی و سرپا ختن "شورایی" از وابستگان خوش بهنگا بوفتادند. از اینرو سپاه پاسداران طی نامه‌ای بتاريخ ۵۹/۱۲/۶ خطاب به کارکنان، خواستار نظارت وزارت کار بر امر انتخاب شورا شد. یعنی همان کاری که در اغلب کارخانجات انجام گرفت و نتیجه‌ای جز انتخاب مزدوران کارفرما و رژیم بعنوان "نمایندگان کارکنان" بهمراه نداشته است. اما هیئت نظارت بر انتخابات که توسط کارکنان

### "کار در راه خدا" یا جاسوسی؟!

اخبار آوارگان جنگ هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در شیراز، طی اعلامیه ای به افشای یکی دیگر از توطئه های رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش آوارگان، پرداختند در زیر قسمتی از این اعلامیه را با اندکی تغییر ما ویریم:

"... هم اکنون ایادی رژیم جمهوری اسلامی دست به حیلہ بسیار کثیف دیگری برای سرکوب ما و دیگر نیروهای انقلابی در درون خوابگاهها زده اند. این حیلہ که از نوع "آریا مهری" والبتہ "مکتبی" عمال رژیم است، سوء استفاده از کودکان و نوجوانان خام و ناتکا و احساسات دینی و مذهبی آنان، برای عمل کثیف جاسوسی بین خودمان میباشد تا به حساب خودشان ما را از درون مورد حمله قرار داده و فعالیتهای ما را خنثی سازند. آنها برای نزدیک شدن و جلب جوانان ما بسوی خودشان، آنان را به کوهپیمائی و دیدن مسابقات ورزشی میبرند و در این برنامه های به اصطلاح تفریحی است که ارتجاع دام خود را برای بلعیدن و بخند گرفتن کودکان نا آگاه ما پهن میکند... رژیم با استفاده از موج عظیم بیکاری و علافی و نا آگاهی جوانان ۱۶-۱۷ ساله پیشنها د شغل با اصطلاح شرافتمندانه "جاسوسی در راه خدا" با مزایای عالی را به آنها میکند...

هموطنان جنگ زده، بکوشیم این حیلہ جدید و کثیف رژیم را متحدها افشا کرده و از جاسوس وفادار شدن فرزندان خود جلوگیری کنیم. اما می کسانی که خود را فروخته اند و با مسیب جاسوس شدن فرزندان ما میشوند را برود و با خوابگاهها برنیم تا همه آنها را بشناسند و جلوی خیرچینیها و توطئه های آنان گرفته شود.

### پاسداران علیه آوارگان

بروجرد ۲۵/۱۲/۵۹

در این روزها پاسداران سرما به جهت تخلیه عده ای از آوارگان خوزستانی که در مدرسه راهمائی سیمین اسکان یافته بودند، به این مدرسه رفته و بر آوارگان فشار وارد میکنند. دانش آموزان در اعتراض به این امر به خیابان ریخته و دست به تظاهرات میزنند و با شعارهای چون "مدرسه، مسکن آوارگان تا مسکن مناسب"، "معلم، محصل پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش" به حمایت از آوارگان بر میخیزند و با پشتیبانی جمعی از مردم که شعار میدادند "محصل مسازر حمایت میکنند - آواره، آواره حمایت میکنیم" مواجہ شدند.

## اخبار جنگ

### علت بازگشایی مدارس در اهواز چیست؟

... هشت حاکم جمهوری اسلامی در مدرسه ای که دانش آموزان انقلابی دست به مبارزه سیاسی انقلابی زده اند، با به اخراج دسته جمعی دانش آموزان انقلابی متوسل شده و با اعلام مدرسه مذکور را منحل اعلام کرده است و این حرکات ارتجاعی بخوبی نشانگر این واقعیت است که اگر رژیم مدارس را هم باز میزند، دقیقاً بخاطر عوامل فریبی و قریب و تمحیق مردم و دانش آموزان میباشد... رژیم سعی مینماید با مطرح کردن بازگشائی مدارس هم وضع را عادی جلوه دهد و هم اینکه مردم را به همسوئی با این جنگ ارتجاعی بکشانند و خیلی وقیحانه تریا دانش آموزان مطرح کرده است که "با بدتعهد بدهید اگر خیابان به مدرسه اما بت کرد و آسیب دیدید، هیچگونه ادعائی نسبت به مسئولین آموزش و پرورش ندارید". زهی وقاحت و بیشرمی! ... به نقل از اعلامیه سازمان دانش آموزان و دانش آموزان پیکار - اهواز با اندکی تلخیص

### سنگرهای بتونی برای دستگاههای تبلیغاتی رژیم!

رژیم جمهوری اسلامی برای انجام تبلیغات ضد مردمی خود در حیلہ های جنگ، عده ای را مامور کرده است که سنگرهای بتونی در جلوی جبهه کنده و بلندگوهای بسیار قوی در آن بگذارند. کسار گذاشتن بلندگوهای تبلیغاتی رژیم در سنگرهای بتونی، تاکنون به نسبت جان بسیاری از فرزندان زحمتکشان تمام شده است. اما رژیم را از قربانی کردن جان زحمتکشان جهت تحقق اهداف یلید خود چه باک؟ رژیم با تبلیغات خود و امکانات گسترده ای که در این راه کار میبرد میکوشد تا همچنان فرزندان خلق را فریب داده و آنها را به حمایت از رژیم پیرمایداری ایران به حاکم و ادار نماید. اما رژیم مطمئن نباشد همیشه عوامل فریبی خود نمیتوانند ادامه دهد و سرانجام بیش از پیش در مییابند که این رژیم و جنگی که ادامه دارد ارتجاعی بوده و زحمتکشان هیچ نفعی از این جنگ نمیبرند...

### استثمار زحمتکشان جنگزده

شیراز:

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که مسبب اصلی فقر و فلاکت و بیکاری زحمتکشان است، به بهانه ایجاد کار، زحمتکشان جنگزده را با مزد بسیار کم و امکانات ناچیز، تحت استثمار قرار میدهد: اخبار عده ای از جوانان جنگزده برای بافین کار رساننده کار مراجم میکنند. عمال رژیم این زحمتکشان را به کار زورن میفرستند تا هر روز صبح به جاده بوشهر رفته و جوب و سنگ جمع کنند. غذای آنها اغلب اوقات نان و حلواشکری است کارگران خواستار شرایط بهتر، حقوق بیشتر، غذای بهتر و... شده اند، اما با ظرافت احتیاج شدید مالی همچنان بسرکار میروند و رژیم جمهوری اسلامی با سوء استفاده از فقر مالی آنها، همچنان به استثمار آنان ادامه میدهد.

### اهواز در زیر موشک های عراقی و...

رژیم ارتجاعی عراق در روزهای آخر سال قبل با چند حمله و حسانه موشکی موجب مرگ عده زیادی از زحمتکشان اهواز و زونا بسودی دهها خانه گردید. پس از این حملات جنا پیکاران خشم نوده های اهواز نسبت به ادا مه حاکم و بائیان مرتجع آن دور رژیم ضد خلقی ایران و عراق مزونی یافته است. جانی نسبت که بروی و شاهدها اعتراضات گسترده مردم بر علیه این جنگ ارتجاعی نباشی، توهم زحمتکشان به نسبت روزهای آغاز جنگ به میزان قابل ملاحظه ای نسبت به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ریخته است. آنان با بیان ساده و فریادهای کوبنده بر مداران رژیم را در کوبی و خیابان مورد حمله انقلابی قرار داده و اعتراض خود را نسبت به ادا مه این جنگ خانمان برانداز اظهار میدارند. این اعتراضات در روزهای اخیر بسیار گسترده تر شده است و در هر گوشه ای از شهر توده های مردم دیده میشوند که با خشم و نفرت از رژیم جمهوری اسلامی و فلاکت ها و بدبختی های جنگ کنونی صحبت میکنند.

رژیم جمهوری اسلامی بی شرمانه از مقاومت و ایستادگی مردم اهواز در برابر حملات رژیم عراق صحبت میکند (کیهان ۲۳/۱۲/۵۹) اما واقعیت اینست که مردم زحمتکش اهواز چون اهالی سایر مناطق جنگ زده رکشتر و فلاکت ناشی از جنگ به تنگ آمده اند. آن گروه از زحمتکشان اهواز که قدرت مالی

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



اهواز...

کافی برای سرک شهروندی در مناطق دیگر نداشتند و ناگزیر برای ادامه کار رو برگشتند - حقوق ناچیز مجبور به ادامه فعالیت در اهواز هستند. عمر هر روز شهر را ترک کرده و شب را در بیابانهای اطراف شهر میگذرانند تا از آسیب حملات وحشیانه ارتش مرتجع عراق در امان بمانند و دوباره صبح روز بعد برای کار روزانه به شهر برمیگردند.

سرکوب آوارگان ملک شهر

رفقای تشکیلات اصفهان در مورد سرکوب آوارگان اعلامیه ای تحت عنوان "سرکوب آوارگان ملک شهر عبیدی رژیم جمهوری اسلامی، سه جنگزندگان مبارز!" منتشر ساخته اند که ما در اینجا قسمتی از آن را درج میکنیم:

زحمتکشان مبارز:

جریانی که در روز ۲۵/۱۲/۵۹ - در ملک شهر اتفاق افتاد جدا از سایر اتفاقات دیگر رژیم در سرکوب مبارزات زحمتکشان و آوارگان نیست. "ناتانی" این نمابنده مزدوران ساد را صحنه ن در روز ۲۵/۱۲/۵۹ آوارگان ملک شهر را تهدید میکند که اگر به "زمین شهر" (در حدود ۴۵ کیلو - متری اصفهان) نروند، از تمام امکانات غذایی و بهداشتی و سوختی محروم خواهند شد.

رژیم در ادامه سیاست خود برای برآکنده کردن آوارگان میخواهد، آوارگانی را که در اصفهان یا حداقل در نزدیکی اصفهان هستند، به نقاط دور افتاده ببرد تا سایر توده ها نفهمند که آنها تحت چه فشاری هستند و رژیم جمهوری اسلامی چگونه آنها را سرکوب میکند، همچنین سایر آوارگانی که در اهواز، از مبارزات سراسری و عمومی آنها جلوگیری کند. آوارگان مبارز ملک شهر که با اتحاد خود از رفتن به "زمین شهر" سر باز زده اند، هم اکنون تحت فشارهای بیرحمانه رژیم قرار دارند، نفت و حیره غذایی آنها را در تاریخ ۲۶/۱۲/۵۹ قطع کرده اند و تمام امکانات بهداشتی آنها را از اردوگاه خارج کرده اند.

این واقعه درستی حرفهای کمونیستها و انقلابیون را ثابت کرد که بارها گفته اند، عریضه های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در باره کمک به آوارگان، در طول ۶ ماه جنگ ارتجاعی دروغی بیش نبوده است درست در هفته ای که رژیم عوامفریبانه "هفته آوارگان" نام گذاشته و بیش از همیشه تبلیغات مزورانه اش برداشته و با بردن آوارگان به گردش و تفریح!! فکر آنها را از مسائل اساسی منحرف کرده است، آری درست در این هفته به سرکوب جنگ زدگان "ملک شهر" پرداخته است و این خود بهترین مثال است برای شناختن ماهیت واقعی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی.

زحمتکشان مبارز! نیروهای انقلابی و کمونیست! عبیدی واقعی نه جنگ زدگان، با دشمنیت در مبارزات آنها و حمایت از خواسته های انقلابی آنان باشد. متحدانه دفاع از زحمتکشان جنگ - زده سردار رژیم و سینه های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را علنه جنگزندگان افشا کنیم.

ما تطهیرات و اجتماعات خود، صدای حق طلبانه خود را به گوش کارگران و زحمتکشان برسانیم و پشتیبانی آنها را از خواسته های بحسب حق خود جلب کنیم. برای تحقق بنا تشکیل شورای واقعی، برای تحقق خواسته های خود، مقابل توطئه ها و نفرت های فکینیه های رژیم ایستادگی کنیم. "ما سودا دو توطئه های سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی حامی آن، علیه جنگ زدگان"

"برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق" قسمتی از اعلامیه سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تشکیلات اصفهان

آوارگان و روستائیان

زحمتکش بر علیه جنایت مزدوران

روستای وین در نزدیکی اهواز قرار دارد. در این روستا حدود ۳ هزار آواره مستقر شده اند که قسمتی از آوارگان در مدرسه وین و بقیه در چادرهای در انتهای ده مسکن گزیده اند.

سازمان بسیج هرجندگانه یکبار مقداری مواد غذایی آورده و بین آوارگان توزیع میکند. روز گذشته ۲۴ اسفند افراد بسیج وین در محل مدرسه مقداری سیب زمینی و مواد دیگر توزیع میکردند، زحمتکشان آواره هم که فقیر و فلاکشان در اثر این جنگ ارتجاعی دوجندان شده است و با نظم برای گرفتن حیره غذایی، این حق طبیعی شان که بزور و مبارزاتشان به رژیم تحمیل کرده اند، صاف بسته بودند.

در این بین در اثر عدم توزیع درست مواد غذایی بین آواره ها، صاف بهم میخورند و همین کافیت تا افراد بسیج و کمیته که در خدمت رژیم ستمپیشه و بر علیه زحمتکشان کار میکنند آتش گلوله های خود را رو به آوارگان، زحمتکش بگیرند آنها در آغاز شروع به تیراندازی هوایی میکنند که در اثر آن، شلویی و از هم با شدگی صاف بیشتر میشود. در اثر این شلیک هوایی یک تیرا میک به تیر آهن سقف خورده و کمانه کرده و سه سر کودک دوساله ای که در بستر مادرش خوابیده است میخورند و او را شدیداً زخمی کرده و از حال می برد.

آواره ها که این صحنه را می بینند به خشم آمده و شعار "مرگ بر پادشاه" و "مرگ بر بهشتی" میدهند.

در این هنگام افراد بسیج رذالت خود را آشکارا به نمایش میکشاند و دستگیر می شود و آوارگان شلیک میکنند. آنها که از آگاه شدن زحمتکشان و روستایی سردمداران رژیم متنبیل بهشتی و منال اوسه وحشت افتاده اند می خواهند با کشتار و گلوله فریادهای افشاگرانه و حتی طلبانه زحمتکشان آواره را خفه کنند. اما آوارگان با وجود اینکه یک نفرشان زخمی نشده است مصما به تیرمه ما رفته اند اما صاف میدهند، آنها متحدانه و در حالی که "مرگ بر بهشتی" را هر چند محکمتر شعار میدادند به افراد بسیج مستنفر در مدرسه حمله کرده و این مزدوران جنایتکار را کتک حسابی میزنند و آنها را فراری میدهند سپس آواره ها از مدرسه بیرون آمده و با تمام خشم و نفرت و با تمام توان خویش به شعار دادن می بردازند.

آنها با این شعارها راهی بهداری شده و سپس به پایگاه ژاندارمری میروند تا شکایت نامه ای بنویسند.

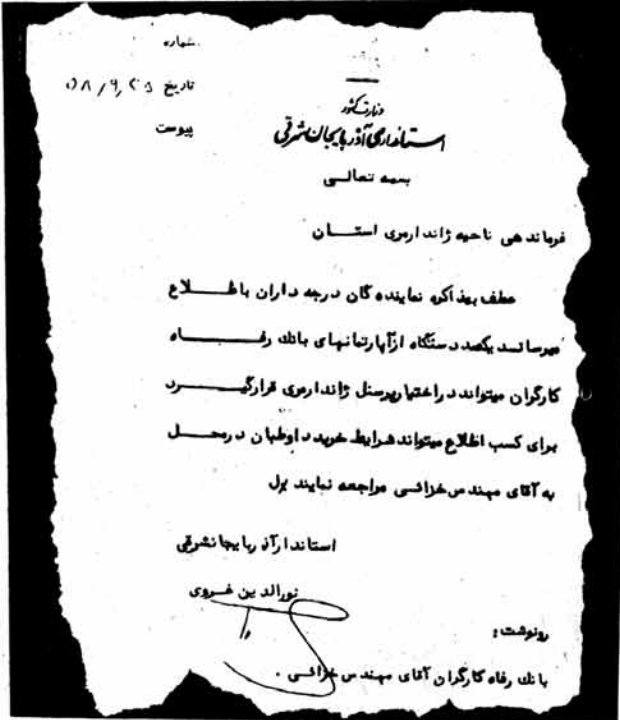
در این بین بیشتر اهالی زحمتکش و جوانان روستای وین به صف راهیما می کنندگان می پیوندند و شعارها را تکرار میکنند. راهیما می کنندگان هنگام بازگشت به مهد کودک وین که مقرستادشلیفانی بسیج وین است حمله کرده و تمام آنها را و بیلاکاردهای بسیج را از دیوارها بین کشیده و پاره میکنند. سپس به باز میروند. در آنجا تعداد دینتتری از زحمتکشان به آنان می پیوندند و تعداد جمعیت به ۶۰۰ نفر میرسد جمعیت بسوی دفتر حرسات جمهوری اسلامی که در بازار مستقر است رفته و تا طلوی آوارگان بین میکنند و خرد میکنند و بعد به طلوی خانه رئیس حزب جمهوری و کمیته وین، آخوند طالب زاده رفته و شعار مرگ بر طالبی و حزب جمهوری میدهند.

در این فاصله مزدوران رژیم که وحشت زده تر متوندند سیاه ساداران روستای ملاتانی خبر داده و از آنجا ۴ حیب سیاه و وارد معرکه میشوند و شروع به تیراندازی به سوی مردم میکنند و لی مردم اعتراضی نکرده و با خشم بیشتری به شعار دادن خود ادامه میدهند. سیاه حمله خود را تشدید - ترکرده و ۶ نفر از فرزندان زحمتکشان وین را به جرم توهین به رژیم و روحانیت دستگیر کرده و به اهواز میبرد. اما روز بعد بخاطر وحشت از مبارزه آوارگان آنها را آزاد میسند.

پس از این جریانات چند نفر از اهالی زحمتکش ویریه که فرزندان شان در بسیج کار میکنند لباس بسیج را که لباس نظامی است از تن فرزندان شان بیرون آورده و زحمتکشان را از دستشان میگیرند و با کتک آنها را به خانه می بردند و پیش تمام مردم به آنها میگویند: "با این تفنگها میخواهد مردم را بکشد؟ اگر میخواهد اینکار را بکشد در محضما ننود و بگریه خانه نیاید."

مبارزات آوارگان و روستائیان زحمتکش

### بنام "رفاه کارگر" و بفتح "زندان مری سرکوبگر"



طبق دستور استوار  
آذربایجان شرقی، مددسنگاه از  
آب و تاب نهایی بانک رفاه  
کارگران در اختیار پرسنل  
زندان مری قرار گرفته است  
خانه‌هایی که از دستخیز کارگران  
رحمتکش و با بول آنان توسط  
"بانک رفاه کارگران" ساخته  
شده است نه تنها در اختیار آنان  
قرار نمیگیرد بلکه تحویل افراد  
زندان مری میگردد.  
کارگران و دهقانان رحمتکش  
طی سالها تجربه زندگی و کار  
خود با رها بچشم خود شاهد بوده  
- اند که هر زمان برای بدست  
آوردن حق عادلانه خود دست به  
مبارزه زده اند بلیا مله افراد  
زندان مری و دیگر سازمانهای  
سرکوبگر رژیم برای خفه کردن  
خواستهای حق آنها اعزام  
شده اند. آنها بخوبی میدانند

### جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۱۵ مقاومت ...  
انتخاب شده بود، طی جلسه ای مسئله نظارت  
وزارت کار را بر امر انتخابات مورد بررسی  
قرار داده و با اکثریت آرا آنرا رد کرد. بدین -  
ترتیب کارگران مبارز را رسالتهای کثرت  
محکمی برده ان نوکران سرمایه نواخته و نشان  
دادند که در جریان مبارزاتشان چگونه آگاه  
طبقا تیشان افزایش میابد.

### مبارز در ماشین سازی تبریز

رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار...  
آمدنش، برای بازسازی و تحکیم سیستم سرمایه -  
داری وابسته به سرکوب مبارزات کارگران و  
زحمتکشان و نیروهای انقلابی دست زد و در تمام  
این مدت با توسل به عوام فریبی و گرفتاری  
زستیهای "انقلابی" به توجیه جناياتش پرداخت.  
- زمانیکه مبارزات حق طلبانه کارگران را توسط  
- بدست نش سرکوب میکرد و فریب دستان را  
بخون میکشید، نفوذ "صد انقلاب" در میان کارگران  
و "توطئه" عوامل امپریالیسم را بهانه قرار  
میداد!  
- زمانیکه خلقهای تحت ستم کرد، ترکمن و ...  
را بوسیله ارتش آمریکا و پاسداران مزدور  
قتل عام میکرد، آنها را "عمال امپریالیسم شرق  
و غرب" خوانده که دست در دست بخنجر روبالیزیان  
میخواهند به "انقلاب اسلامی" ضربه بزنند!

- زمانیکه دانشگاهها را بست و جنبش انقلابی  
داشجویان را بخون کشید، دانشگاهها را مرکز  
"فساد و توطئه"، و دانشجویان انقلابی را "توطئه  
- گر" و "ساواکی" خواند!  
- زمانیکه تمامی آزادیهای دیمکراتیک را توسط  
اوسا شان مسلح خفه نمود و به اعدام و شکنجه  
کمونستها و انقلابیون پرداخت، نام آنها را  
"انقلاب فرهنگی" گذاشت و کمونستها را "امریکائی"  
و "ساواکی" خوانده و میخواند!  
اما ما هیت ضد مردمی رژیم آشکارا در آن  
بود که این نعل و ارابه زندانبانان مدتی ز سادی  
موربا شد و عملگردهایش خلی رود برده از چهره  
واقعی اش درید. از حمله عمل اخیر رژیم در  
کارخانجات ماشین سازی و تراکتور سازی  
تبریز در رابطه با بازگرداندن مدیران ساواکی  
ورسنا خیزی بکار، نشان داد که صد انقلاب و  
خدمتگزاران امپریالیستهای حاکمانی هستند!  
انجنس است که توده ها در می ناسده هیچ  
تفاوت ماهوی میان این رژیم و رژیم جنایتکار  
گذشته نیست و هر دو در ضدیت با انقلاب و خلق  
متحدند.

ما هیتش نیست که برادر (، بلکه خانه های راکه  
از بول کارگران ساخته شده و با بد در اختیار آنان  
گذاشته شود، برای سکونت افراد زندان مری که  
در کنار ارتش، پاسداران و شهربانی دستگاه  
سرکوبگر رژیم را تشکیل میدهند، اختصاص میدهد  
آنها هنوز در ما هیت مدکا رگری رژیم جمهوری  
اسلامی با بد شک کرد؟

کسب از ابتدای مری و ارتش برای  
دفاع از منافع سرمایه داران و زمینداران و حفظ  
رژیمی که حامی این چپا و لکران است ایجاد  
شده اند و این افراد زندگی خود با رها امتحان کرده  
- اند. اما رژیم جمهوری اسلامی که ادعای حمایت  
از "مستضعفین" را دارد رنده تنها کوچکترین قدمی  
در راه تامین نیازهای کارگران و دهقانان  
رحمتکش از جمله تامین مسکن بر نمیدارد (و در

### فیلم چند میلیون تومانی برای "توده های پابرهنگه"

رژیم شاه قرارداد میکند  
وزیرم جمهوری اسلامی با جرارد رمیاورد!  
علی حاتمی سازنده فیلم سلطان صاحبقران  
که در آن چهره مرتجع ناصرالدین شاه را سرک کرده  
بود، قراردادی برای ساختن فیلمی بنام "چاده  
ابریشم" با رژیم شاه امضا کرده بود تا با هزینه ای  
چند میلیون تومانی از دستورج زحمتکشان ایران  
بدفرت توده ها بپردازد. اما مبارزات توفنده  
توده ها بدوی اجازه چنین کاری نداد. برای  
ساختن این فیلم فرا بود که شهرکی تیرید سیک  
ایران قدیم ساخته شود که ساختمان آن در چاده  
کرج در دست اقدام است.  
احیرا این فیلم را "انقلابی" شده یاد بیافت  
حدسین میلیون تومان از طرف رژیم جمهوری  
اسلامی مجددا ما موربا حتن این فیلم شده است  
و قرارداد جدید را فرار داد قبلی که با رژیم شاه  
بنفید در صفحه ۲۵

### ترانس پیک

در ادا مد مبارزه قبلی کارگران ترانس پیک  
که در آن کارگران جلوی خروج لاسب ... را گرفته  
بودند کارگران این کارخانه موفق شدند روزانه  
۱۲۰ ربال بعنوان اضافه دستمزد دریافت دارند  
(یعنی ۱۵ تا ۲۰ درصد دستمزد کنونی) هیت مدیره  
دولتی سعی میکرد این اضافه دستمزد را تحت  
عنوان طرح طبقه بندی مشاغل برداخت نماید  
اما کارگران درخواست خود را پیش بردند و از  
تقسیم این مبلغ بول سن مهندسین و سیرستها  
جلوگیری کردند و تمامی این مبلغ را بین خود  
تقسیم کردند. در و دیگر کارگران مبارز ترانس پیک.

امروز این عمل رژیم در شرایطی انجام  
میگیرد که موج اخراج کارگران و کارمندان  
مبارز و انقلابی در اغلب کارخانجات و ادارات  
همچنان ادامه دارد و حتی همین جندی پیش بود  
که کارکنان مبارز کارخانجات مذکور را اخراج  
کردند!  
آری، انست مفهوم "سکارتی" موسسات  
تولیدی و اداری! و انست مفهوم واقعی "سکارت"  
گماردن مدیران و کارکنان "مکتبی" و "اسلامی"!



# سال ۱۳۶۰، سال بهره‌گیری از تجارب و تعمیق جنبش مقاومت خلق کرد

بود. و ارتجاع حاکم در جهت تحقق جنبش هدفی به دفاع نیروهای انقلابی به دستاوردن حمله کرد. سیخ جماعتداران، حافوکسان و پاسداران برای سخنبردان نگاه مضامین: این خاطر بود که تحت عنوان انقلاب فرهنگی، با بسند دانشگاهها این مراکز فضای حنايات رژیم ارحمله در کردستان و رستنده مدای حق طلبانه خلق کرد کوشش کارگران و زمینکنان و خلقهای سراسر ایران، خلق کرد را از پیشخوانه تسلیماتی در سراسر ایران محروم سازد. این بوطنه که در حقیقت خدمت سرکوب مستقیم خلق کرد در ارتداد است با نهادت دهها دانشجوی انقلابی و زحمتی شدن و اسارت صدها نفر از آنها همراه بود.

از جمله سیاستهای رژیم در این دوره، سلاطین در جهت از هم پاشیدن "هیئت نما بندگی خلقی کرد" بیضا به تنها نما بنده مورد حمایت نما خلق کرد، از طریق سازش و مصالحه با حاکم مارکسکار آن - حزب دمکرات - بود. اما افسا کربها و فشار جناح انقلابی هیئت و سازمانهای کمونیستی سراسر ایران و مخالفت سرخسها به خلق کرد، مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم حزب دمکرات با رژیم در جهت تحقق طرح ۶ ماده‌ای را، عدم گذارنده و راه هرگونه سازش و مصالحه خدا کانه را مسدود نمود.

علیرغم سخن چوین برخی از بهر هسای کردستان از جمله سفرو سیدج، مبارزات خلقی کرد، همچنان به انگال مخلف جریان میساید. مردم فهرا م سیدج بند سال یک آس سیکوای مدد در دو نقطه از شهر، طی اجماع نا کوهی، ادا مه مقاومت و مصالحه با جناح سلاج خلقی کرد را اعلام میکنند و دادن شعار، "هر جا ندیمان سگری، هر دستان مسلطی، هر ظلمان نارنجکی اگر همه کسه تویم جلع سلاح نمشویم" روحیه انقلابی و مقاومت حویا به خود را به نما میساید. کدارند. سوتهای نظامی متعددی در آساید، اطراف میثا نا دوار و رومه سوسط سیمرکان جنبش نا رومار میسود. در بنده مردم برای اعراض به دستگیریها، سه روزا عنصا عمومی اعلام میکنند حرکت فعال دانش آموزان در مبارزات سیاسی خلق حکمکرات. نظامها را کسرتده و نا کوه داد آس آموزان انقلابی در سیدج و سرت سید بنائسانی ار همسنگی خلق کرد تبدیل مسود. نا سوسن جنبش اکثریت سازمان حرکتی فدائی خلقی به اردوی صدا انقلاب، طف حیددی سردستان خلق کرد افزوده میگردد. بوده های زمینکن کردستان سوزده در میثا بند به اسکال محلیت سرت خود را را ما میثای حرکتی سانی اکثریت و حزب بوده و عمال سانی اعلام میکنند. بهرهای اسبوه، مروان، و نا به همحسان



در ۱۴ فروردین از اولس کامیای رژیم در جهت سیمر کردستان فهرا م بود. در آس هکام مردم سیدج سیمرا سیمرکان نا تکمیل بازنگار دانی خود را برای مصالحه صلحانه با سها هم و حسانه رژیم آماده میکنند و بهر هسای سرتو نا بنده عزم سرت خلق و دخلی تبدیل میسود. تمام سرتوهای سرکوب رژیم با کلوله سازان و سرت سس همزمان ستر، سیدج، با سیدو مروان، کسار زمینکنان کردستان را آسار میکنند. محلات سیمرکان سرتو سیدج زیر آساران حنا رده و کلوله سوت به سرتو سها سانی تبدیل میسود. اما مقاومت و روحیه اهالی زمینکن سیرها حنا س آسری است. نا نگاه آساران و حنا س اساننداری در سیدج سعت حنا سست نظامی خود، سسارتناظ دیکر مورد هجوم آساران و پاسداران واقع میگردد. سیمرکان فهرا م ساند در سنی سسم رژیم برای سخن چیره سیمت کسار وسع و اسیدام سیرا در میساید، برای خلوکتری ارکسار اهالی سیدج، سیدج را ترک میکنند. اهالی سرتو در سرتو سیمرکان سها م و حسانه رژیم سیرا سرت و سورت آسار کار در سوکان انامت میکنند. و مرکز نقل سسرتده صلحانه سیمرکان با رژیم به روساها و کوچهای کردستان تبدیل مسود.

بدون ست اسحسن سها هم و حسانه سانی سوانست بدون وجود رسته های مناسب برای رژیم امکان پذیر کردد. هجوم به آزادیهای دمکراتیک در سراسر ایران سس در آس مد سیمه جنبش زمینه ای

خبرات میتوان گفت که دو سال مقاومت و حماسه آفرین سیمرکان که جنبش مقاومت به وسع ترین بخش بوده های زمینکن کردستان و شرکت فعال کمونیستها در آن، خلق کرد را در مفا سسین انقلابی، در سرتو سسین انقلابی خلقهای جهان و جنبش مقاومت خلق کرد را در رده های اول جنبش های انقلابی خلقهای سس سیمر علیه ارتجاع و امیرنا سسم حنا سنی سرتو ر داده است. ویژگی این جنبش، آسارت حبت سرتو است که سیدج را سمشکوه سیدج خلقهای ایران، در متن اعتلاء انقلابی و در میان انسوه سسای از سفا ده های سیدجده و توه م را که عمدنا در خدمت ضد انقلاب قرار دارند، خلق کرد آسها به نا نگاه به سازمانهای سیاسی - نظامی خود بدون سرتو سس و افتادن در دام فریب جمهوری اسلامی، سرتو سس - های برحق خودیای سرتو سس به موازات رشد و گسترش جنبشهای سرتو سس در سراسر ایران، در سرتو سس مبارزات خود را تعمیق داده و سسیدان سیمرکانی تندیم انقلاب خلقهای ایران مسوده است.

سال ۵۹ سال او کسری مبارزات سیرها ساید خلق کرد و سیمرکان جنبش مقاومت بود. سالی که سرتو سس نا زه سقدت رسیده سیدج اسکال و آندی استمال در سرکوب خلق کرد، آسار سال "امت" نا میدو برای نامین جنبش امینتیستی برای سرتو سس، تصمیم به سرکوب انقلاب، کسار کارگران و زمینکنان و خلقهای سس سیمر سرتو خلق کرد، گرفته بود. آس که جمعی از حاملی و تابع و حسانات سال گذشته در کردستان را ضروری میساید، سناخت ضعیف اوما سی است که ارسال سس نا کسوت سرکردستان حاکم سسوده و سرتو سس آن، جمعی سسوده و سسای سس است که سیر جنبش مقاومت و تحولات آن در سراسر کمونیستها قرار داده است.

بدن سال مقاومت نا کوه خلق کرد و سسار قدرت مسلح خلق و آس سس حنا م سیدج در کردستان در سرتو سس ۱۳۵۹، سرتو سس کردستان سسنا سسده منطقه آزاد سسده ای بود که خلق کرد نا نگاه سس ارگانهای مسلح بوده ای خود، آسار ادا ره میساید. در آن مظع سرتو سس سسوده که سس سس سس رژیم به سس منظور دست کسیدن از کردستان بلکه سس سس سس قضا حنا سسای سسای او بود که رژیم را به سسول آس سس و سسید نو سس برای حمله ای سسرتده و ادا را حنا سسود. آس او اسسول فروردین ۵۹، جمهوری اسلامی، با سسول و استغلاب نظامی در کردستان سسیدنا سس حکم با عراق، سس سسویت سرتوهای سرکوب خود در کردستان اندام مسود. محاصره سسای کردستان، سسول سسای زمینکنان روسای ته لایان در ۶ فروردین و حرکت حاشها و پاسداران و آس سس سس سسیدج



← سال ...

زیر ضربات دشمن فرار دارند. کردستان قهرمان تحت محاصره ندید اما فدای فرار نمیگردد و مزدوران رژیم برای درهم شکستن مقاومت این خلق ستمیده، اراستقال کمترین مواد غذایی و ما حنا ج زندگی به شهرهای موجود در دست پشمرگان و روستاهای اطراف آنها جلوگیری میکنند.

با کشتن جنگ ارتجاعی ایران و عراق در اوایل شهریور، نتیجه انحراف توجه توده ها از جنبش خلق کرد، و زلزلات رویزونیستی بخشی از جنبش کمونیستی در قبال جنگ و هتایت خاکمه حرکت سرکوبگرانه رژیم در کردستان شدت بیشتری میگردد و حنا با ت رژیم در کردستان تحت الشعاع تبلیغات حول جنگ، ابعساد گسترده تری بخود میگردد. شهرها به ساد ۱۱ روز تمام در قبال حمله وحشیانه ارتجاع حاکم قهرمانانه مقاومت میکنند و پس از شهادت ۲۰۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۵۰۰ نفر یک هفته بعد از جنگ بصورت ویرانه ای به تسخیر رژیم جمهوری اسلامی در میاید. قتل عام وحشیانه قارسیا و قتلان با رادیکر، در روستاهای ایندرفاش، صوفیان، یوسف کند و سه روگانی تکرار میگردد و دهها روستا توسط مزدوران رژیم به توپ و خمپاره بسته شده و ویران میشوند. انجا چنین حنا با تیی نشانه هنده سیاست جدیدی است که رژیم از طریق آن میخواهد با کشتار روستا ثیان سیدفاع و قطع حمایت آنها از پشمرگان، با سنگترا کردن حلقه محاصره نظامی - اقتصادی شهرهای موجود در دست خلق، ضربه نهائی خود را بر جنبش مقاومت وارد سازد. اما این حنا بیات با عث توقف مبارزات مسلحانه گسترده روستا ثیان نمیکردد و اها لسی روستاهای ایندرفاش، سیدآباد، لاجین و چندین روستای دیگر با مقاومت مسلحانه و عقب راندن مزدوران رژیم، اما دکی خود بر تداوم مبارزه و حمایت از پشمرگان را اعلام میکنند. حضور پشمرگان قهرمان جنبش مقاومت در شهرها بویژه در مها با د در روز دوم بهمن سالروز برپائی جمهوری کردستان خود مدتها: ضربات گسترده پشمرگان بر نیروهای دشمن و استعمال بی نظیر مردم از آنها، همسنگی و پیوند هر چه مستحکمتر خلق کرد با پشمرگان را نشان میدهد.

تعمیق و دستگیری و خلق سلاح گسترده مزدوران سعت رزگاری بویژه توسط پشمرگان انقلابی کومله در سال ۵۹ مهرنا شدیدیک سری بر حنا سست و امانت مردمی جنبش مقاومت خلق کرد بود که بروسی بر روی هر گونه تبلیغات دروغین رژیم و نوکران رویزونیستی در جهت انتساب جنبش خلق کرد به عراق و وابستگی آن به رژیم سعت خط بطلان کشد.

گذشته از بلایزده بدن نیروهای ضد انقلابی نظیر چریکهای فدائی اکثریت سال ۵۹، سال گسترش اقدامات ضد انقلابی حزب دمکرات و افشا شدن هر چه بیشتر این حزب در بین توده های زحمتکش کرد و متقابلا گسترش یافته است. سوده ای کمونیستها بود. حزب دمکرات بنا به ماهیت طبقاتی و ضد انقلابی خود نمیتوانست و نمیتواند رشد و گسترش نیروهای انقلابی در کردستان را ناهدا شد. این حزب علاوه بر ستمگریهای فراوانی که در حمایت از ما لکن و فئودالها، برده ها تا زحمتکش روا میدارد، اما منسبه اقدامات خود را گسترش داده و به حمله مستقیم به سازمانهای انقلابی خلق کرد تبدیل نموده است. از حمله قلدرمشا نه حزب به اجتماعات نیروهای انقلابی از جمله کومله گرفته تا حمله و آزار و خلق سلاح افراد مسلح "راه کارگر" و پشمرگان انقلابی کومله و پیکار، تمامه. با بیان نگر دشمنی این حزب با کمونیستها در جهت تحقق اهداف ارتجاعی و ضد انقلابی خود بود. حمله وحشیانه عمال حنا پیکار این حزب به مقرر سازمان مادیوگان به تاریخ ۵۹/۱۲/۷ و شهادت سه تن از رفقای ما و زخمی شدن دستگیری دهها نفر از آنها توسط مزدوران حزب، از جمله آخرین اقدامات حنا پیکارانه حزب دمکرات در اوایل سال ۵۹ بود که نفرت عمیق نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش کردستان و سراسر ایران را برانگیخت.

از جمله تاکتیکیهای سرکوبگرانه رژیم در اوایل سال ۵۹ تبلیغاتی بود که حول توسعه و تسلیم و تحویل اسلحه پشمرگان و گرفتن امان - نامه براه انداخته و کماکان به آن ادامه میدهد مسئله توسعه و امان نامه در حقیقت نوعی جنگ روانی و ایجاد تشتت در صفوف مستحکم خلق کرد میا شد و تنها خائینی مثل چریکهای اکثریت با تحویل دادن اسلحه به رژیم توسعه کردن و گرفتن امان نامه، خوراک تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی در جهت ایجاد جنبش جنگ روانی را فراهم میکنند.

\*\*\*

پیکار دلیرانه خلق کرد در مقابل با انواع توطئه های ضد خلقی رژیم و نوکران رویزونیستی در سال ۵۹ و مجموع وقایع و تحولات سیاسی ایران و رشد جنبشهای توده ای بویژه بعد از گسترش جنگ ارتجاعی ایران و عراق بطور اعم و رشد و تعمیق هر چه بیشتر جنبش مقاومت در بین افشاروسی از زحمتکشان کردستان و رشد نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها در کردستان بطور اخص با آغاز سال ۶۰ وظایف خطیری را در پیش روی کمونیستها قرار داده است. با بهره گیری از بحار دوساله جنبش مقاومت، حرکت فعال و سریع کمونیستها در جهت استقبال از سر - آمد جنبش توده ای و انقلابی در کردستان و ضرورت توسعه و تحکیم پیوند خلق کرد با خلقهای سراسر ایران از جمله بر نامه های عاجلی است که کمونیستها ملزم به اجرای آن هستند. بسط و

## جاشها و پاسداران در کمین پیشمرگان انقلابی پیکار

عصر روز ۱۲/۱۲/۵۹ عده ای از پیشمرگان سازمان پیکار (پهل شهید کریم) در جاده سنج - کامیاران بین دو بیگانه دشمن (پایگانه های گزنه و فرودگاه) در ۱۵ کیلومتری سنج به کمین نیروهای دشمن نشستند. در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر یک ذیل ارتشی حامل نیروهای سرکوبگر رژیم به کمین پیشمرگان افتاد. پیشمرگان قهرمان با قلی آکنده از کینه طبقاتی، دشمن را زیر ضربات خانانه خود قرار دادند. ما شین پس از طی مسافتی و از کون گردید و اکثر سر نشینان آن کشته و زخمی شدند و حمله پیشمرگان چنان برق - آما بود که دشمن تا یک ربع ساعت بعد از در - گیری قادر به عکس العمل نبود. همچنین عده ای از جاشها که مذبحا نه برای پیشمرگان کمین گذاشته بودند، کمین آنها توسط پیشمرگان خشی شد و هنگامیکه جاشها از کمین خارج شدند مورد حمله پیشمرگان قرار گرفتند در این حمله قهرمانانه حداقل ۷ تن از نیروهای دشمن بهلاکتر رسیدند و عده ای نیز زخمی شدند بعد از این درگیری پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند و مورد استقبال پر شور روستا ثیان مسر فرار گرفتند. لازم به یاد آوری است که در تاریخ ۵۹/۱۱/۹ نیز در همین محل پشمرگان (پهل شهید کریم) ضربه دیگری بر نیروهای دشمن وارد کردند که باعث کشته شدن ۱۲ نفر و زخمی شدن تعداد زیادی گردید. طبق اطلاع موشق یکی از زخمی شدنن از فدائیان اکثریت بوده است. (اخبار جنبش ۹ - سازمان پیکار - سنج)

## یک خبر

۵۹/۱۲/۱۶ - بدنیا ل خمپاره باران روستاهای اطراف میان دو آب، ساعت ۱۱ صبح این روز روستای "خان کندی" را در بک هدف آتش نیرو - های سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و در اثر اصابت کلوله خمپاره به یک خانه یک زن شهید و ۲ نفر زخمی شدند این چندمین بار است که روستای "خان کندی" خمپاره باران میشود و چندین نفر نیز کشته و مجروح شدند. اخبار از اصابت کلوله خمپاره شهید شد. تعمیق فعالیت در کردستان، تلاش مداوم و پیکارانه در جهت جلب حمایت هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان سراسر ایران از خلق کرد، فضای حنا با ت رژیم در کردستان، فضای نوطنه های ضد خلقی رویزونیستها در جهت سار ش کشتن جنبش خلق کرد، مبارزه با هر گونه ستمات تجزیه طلبانه محافل ضد انقلابی و وابسته نظیر رزگاری، انشای اهداف جایگزانه رژیم از حیلدهایی نظیر توسعه و امان نامه و با لآخره سنا شدن ما همت ضد انقلابی حزب دمکرات، سیاست، اهداف ویرانه های این حزب در جریان عملکردهای روزمره آن در کردستان از جمله وظایفی است که کمونیستها باید بر روی آنها با ی فزوده و بدان باخ دهند.

### تشدید رقابت‌های امپریالیستی در منطقه و سیاست طبقه کارگر

"یکی از مشخصات اصلی امپریالیسم، رقابت مابین چند قدرت بزرگ برای بدست آوردن هژمونی است." آنها همیشه می‌دارند که "دشمن را تضعیف نموده در هژمونی اش خدشه وارد آورند." (لنین امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه‌داری) اگرچه امروز جهان کنونی میان قدرتهای امپریالیستی تقسیم شده است، اما از آنجا که قانون رشدنا موزون قانون ذاتی امپریالیسم بشمار میرود، به این لحاظ تناقضات بسیار در او در دوگانه امپریالیسم مدام تغییر یافته و قدرتهای که از ظرفیت بیشتری برخوردار میشوند میکوشند در تقسیم سرزمین‌ها تجدید نظر نمایند و نتوانند قوا را به نفع خود تغییر دهند. در حقیقت - است اختلافها و سازش‌های امپریالیستی در زمان صلح، "مقدمات جنگ" بشمار می‌آیند و این اتحاد - ها "جری جز" تنفسهای "بین جنگ نخواهند بود" (همانجا) در زمان صلح هریک از امپریالیست‌ها میکوشند تا بر قدرت نظامی - اقتصادی خود بیافزایند و ائتلافهای جدیدی بسازند تا بتوانند به هدف خود که هدانا کسب هژمونی جهانی است نائل آید. در حقیقت در مناسبات میان قدرتهای امپریالیستی سازش موقت است و رقابت اصل میباشد و به همین خاطر آنها مدام میکوشند تا ظرفیتهای نظامی خود را افزایش دهند تا در لحظه معین، یعنی در زمان جنگ بتوانند بر رقیبان خود پیروز گردند. آنها میدانند که پیروزی قطعی بر رقیبان از طریق زور میسر است و به همین جهت تا میتوانند خود را صلح میکنند و ظرفیت جنگی خود را افزایش میدهند. بقول استالین "دولتهای بورژوازی دیوانه‌وار صلح و با زهم صلح میشوند، برای چه؟ نه برای صحبت‌های دوستانه، البته برای جنگ." (گزارش سیاسی به کنفرانس ۱۶). جنگی که بر پایه یک سیاست توسعه طلبانه و با هدف غارت و چپاول با زهم بیشترندارک دیده نمیشود. در شرایط حاضر قدرتهای امپریالیستی به رقابت بیسابقه‌ای دست زده‌اند. امروز اگرچه میان امپریالیستهای ژاپنی و اروپایی و آمریکا (بمنظور سهم‌بری بیشتر از غارت جهان رقابت مشخصی وجود دارد، اما این امپریالیست - ها در مجموع قطب واحدی را در برابر قطب امپریالیسم شوروی تشکیل میدهند. به این لحاظ رقابت میان این دو قطب، خط انسانی رقابت در جهان امپریالیستی را مشخص میسازد اما از آنجا که هریک از این دو قطب تحت هژمونی امپریالیسم آمریکا و یا سوسیال امپریالیسم



شوروی قرار دارند، رقابت میان این دو قدرت بزرگ امپریالیستی جایگاه برجسته‌ای را در کل حرکت رقابت جویانه امپریالیستی بخسود اختصار داده است. اگرچه این امپریالیست‌ها در سرکوب انقلابات و جنبش‌های راستین مشترک المنافع بوده و برای خفه کردن آنها به سازش دست می‌زنند، اما در راه منافع توسعه طلبانه خود در اکثر مناطق جهان به رقابت حاد و پرداخته‌اند. منطقه خلیج فارس، خاور میانه و اقیانوس هند یکی از آن مناطقی میباشد که شدیدترین رقابت‌های امپریالیستی در آن جاری



است. این منطقه، منطقه دریای نفت است و نفت در اقتصاد کشورهای امپریالیستی نقش حیاتی دارد. این منطقه از نقطه نظراستراتژیک یکی از کانونهای بر اهمیت جهان میباشد. کنترل این منطقه و بخصوص نفت خلیج، نقش تعیین کننده‌ای در جنگ احتمالی آتی میان امپریالیست‌ها خواهد داشت. چرا که در دست داشتن چاههای نفت، به معنای کنترل قطعی اقتصاد اروپا و ژاپن میباشد. اقتصادی که به ترتیب ۶۰ الی ۹۰ درصد از مواد نفتی و انرژی خود را از این نقطه از جهان تامین مینماید. در حقیقت یکی از عوامل اساسی پیروزی در جنگ آینده کنترل همین منطقه و اعمال هژمونی در آنست. این کنترل و اعمال هژمونی نقش موثری در اعمال هژمونی در سراسر جهان دارد. علاوه بر همین اقتصاد و استراتژیک این منطقه در دوران انقلابات و جنبشهای آزادیبخش، موجودی منافع امپریالیسم جهانی را تهدید می‌نماید. به عنوان

نمونه قیام‌ها و راه‌های خلق ایران ضربات سختی به امپریالیسم و بخصوص آمریکا وارد ساخت. این قیام باعث گردید تا موقعیت امپریالیسم آمریکا در ایران بشدت تضعیف و منززل گردد. اگر چه بعد از قیام رژیم مرتجع جمهوری اسلامی اقدامات متعددی در جهت بازسازی مناسبات امپریالیستی انجام داد، ولی هنوز که هنوز است به دلیل ادامه اعتدالی انقلابی در جامعه و رشد روز افزون آگاهی‌ها، آمریکا نتوانسته است موقعیت گذشته خود را بدست آورد. بنا بر این توسعه جنبش‌ها در سراسر منطقه "خواهشهای طلایی" امپریالیست‌ها را آشفته ساخته و آنها را با داشته‌ها برای مقابله با این جنبشها به تدارکات گسترده‌تری دست زنند.

بدین ترتیب با توجه به منافع اقتصادی و استراتژیک در این منطقه و خطری که رشد انقلاب منافع امپریالیست‌ها را تهدید میکند، قدرتهای امپریالیستی و بخصوص دو قدرت بزرگ امپریالیستی یعنی آمریکا و شوروی را به رقابت‌های شدیدی واداشته‌اند. این منطقه اگرچه سالها درازی است که میان امپریالیست‌ها تقسیم گشته است، اما تبدیل شوروی به یک قدرت امپریالیستی و وارد شدن آن به صحنه رقابت‌های امپریالیستی و تغییر در تناسبات قوا منجر به آن شده تا هریک از امپریالیست‌ها بکوشند تقویت موقعیت خود را با تضعیف رقیب تحقق بخشند و تا منافع خود را در آنجا برسانند. در حال حاضر این تدارکات رقابت جویانه در عرصه‌های زیر برجستگی یافته است.

از نقطه نظرا بجا دو تقویت است پایگاه‌های نظامی همانطور که میدانیسوسیال امپریالیسم شوروی در "آب"، "ماساوا" و "آدیس آبابا" (اتیوپی)، "در عدن" و جزیره "قطره" (یمن جنوبی) در "ام القطر" (عراق)، در "الادقیسه" (سوریه)، در "تمبئی"، "مدرس"، "گنشین" و "پشکا پانتا" (هند) در "دیگرسوارز" (بامداگسکار) و در "ناکالا"، "بشرا" و "ماپوتو" (مجمع الجزایر سیشل و جزیره مورس) دارای پایگاه نظامی بوده و با اذق توقف کشتی‌های جنگی برخوردار است. علاوه بر این موارد باید از اشغال افغانستان توسط روسها و تبدیل آن به یک پایگاه عظیم یاد نمود. در مقابل امپریالیسم آمریکا نیز دارای بازده پایگاه در ترکیه، دو پایگاه در اسرائیل، سه پایگاه در مصر، یک پایگاه عظیم در بندر "بربره" در سومالی، یک پایگاه در "موماسا" در کنیا و چند پایگاه در عمان و مخصوص جزیره "مصره" مساند. به علاوه اسرائیل و عربستان سعودی ژاندارمتهای صلح امپریالیسم آمریکا در منطقه بوده و این قدرت چنانچه خواردارای پایگاه عظیمی در جزیره

تشدید...

"دیگوگا رسا" میباید. امیرالایم امریکا در یودحه نظامی سال ۱۹۸۱ در نظر گرفتند با یکا های خود در منطقه را نوازی نموده و آنها را تقویت و گسترده نماید. در حال حاضر امریکا به توسعه تا سمات خود در با یکا ههای عمان و کنیا و سومالی دست زده تا بتواند به سبانی الحسینکی از نا وگان خود در اقصا یون هند را تا نتر نماید. توسعه و تقویت این با یکا ها، نا وگانهای امیرالایم با یکا در خلیج فارس و اقصا یون هند را از نقطه نظر سوختی و تجهیزات نظامی شدیداً تقویت خواهد کرد. همانطور که میدانیم از سال گذشته دولت و هوا سیمایر "آیزنهاور" و "تی میتز" در منطقه خلیج فارس مستقر شده اند. برقراری ارتباط این نا وها و سایر کشتی های جنگی امریکا با مرکز با یکا های "دیگوگا رسا" از جهت لازمه برخورداریست و به همین جهت تقویت با یکا های اطراف خلیج فارس و کناره شمالی و شمال غربی اقصا یون هند نقش حساسی برای امریکا دارد. به همین منظور پینا گون از کنگره خواستار بیش از ۷۰۰ میلیون دلار برای نوازی با یکا های نظامی در عمان و یوزده در "مصره گردیده" است. علاوه امیرالایم پیکار امریکا تا کنون با ۵۵ میلیون دلار و نظامی به عمان توافق کرده و در یودحه سال جدید ۲۴ میلیون دلار برای نوازی بندر "بیریه" ۲۶۰ میلیون دلار برای گسترش "موماسا" در نظر گرفته است. در ضمن امریکا برای توسعه تا سمات "دیگوگا رسا" مبلغ ۲۳۷۷۰۰۰۰۰ دلار اختصاص داده است. تقویت رژیمهای سر بریده و وابسته در طی سال ۱۹۸۱ وجه دیگری از کوشش امریکا جهت تحکیم موقعیت خود در منطقه را نشان میدهد. اختصاص ۲ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی به دولت نجار و زکرا شیل و امیک میلارد و نهصد میلیون دلاری به مصر و ام ۷ میلیون دلاری به اردن و ام ۲۰۰ میلیون دلاری به لبنان و ام ۳۶ میلیون دلاری به یمن شمالی و ام نظامی ۴۰۰ میلیون دلاری و ام اقتصادی ۱۰۰ میلیون دلاری به پاکستان، بیانگر تشدید اقدامات امریکای نجار و زکرا در جهت تشدید رقابت با شوروی امیرالایستی و تقویت تدارکات جهت سرکوب خلقها میباشد امیرالایم امریکا اخیراً یک ماهواره نظامی در منطقه پیرتا کرده که پیر هر حرکت نظامی در این منطقه نظارت خواهد داشت علاوه امریکا در نظر دارد علاوه بر هواپیما های غول پیکر آواکس، هوا سیمایر های مافوق مدرن الکترونیکی به عربستان تحویل دهد. در برابر این حرکات سوسال امیرالایم شوروی نیز علیرغم تمام عوام فرسی ها شیبی بر استقرار "ملح" در منطقه همچنان به اقدامات رقابت جویانه خود ادامه داده و بطور مستمر نا وگانها و زیر دریایی های خود در اقصا یون هند را تقویت کرده و رژیمهای وابسته وجود از قبیل افغانستان، یمن جنوبی، اتیوپی ... را

سخت ازین طریق میباید اجرا شود. در وی متنا دبر میباید اسلحه و مهمات به روز رسانی میباید انجام داد. در نا وگانها و نا وگانها و زیر دریاییها و نیروی دریایی امیرالایم امریکا اخیراً گسترش یافته است. از یک دویم میباید. اما خود در یودحه همین جهت قدرت نظامی و اقتصادی نظامی سر بریده و شوروی قرار گرفته بود. این اعتراف هرچند امیرالایم امریکا در جهت جنگ آینده و سرکوب انقلاب را رویت میباید. امیرالایم استیسا و سوسال امیرالایم - لیستها اگر چه از "ملح" و "تی میتز" میزنند، اما آنها در عمل یک لحظه از کوشش اقدامات جنگ افروزان و سرکوبگرانه تا غافل نیستند. آنها در همان زمان که از "ملح" و "تی میتز" میزنند، دیوانه و نا خود را مسلح و با رهم مسلح میکنند. ریز و یونستیا برای حواب کردن طبقه کارگر و خلقها همیشه این چنین تبلیغ میکنند که با مذاکره میتوان جلوی جنگ و گسترش تدارکات جنگی را گرفت. اما این فریبی بین نیست. امیرالایم استیسا بنا به ما هیت خود یک لحظه از اهداف نجار و زکرا نه خود غافل نمی شوند، با هم متحد میشوند تا انقلابات را درهم کوبند و با هم رقابت و جدال بر میخیزند تا سهم بیشتری از غارت جهان را بخود اختصاص دهند. برواضح است بنظر ما آنچه که در یونستیا های جانش سبجانی بصورت جنگ قریب الوقوع جهانی سوم طرح کرده و سازش طبقه کارگران و زحمکنان را با نجار و امیرالایم استیسا غارتگر امریکا و "جهان دوم" بر علیه سوسال امیرالایم روس موعظه میکنند یک تراخا عی بوده و با واقعیت رویتوریدادهای جهانی که جنبه غالب آن را رشد انقلاب و مبارزات انقلابی کارگران و بنوده های تحت ستم تشکیل میدهد، تطبیق نمی نماید. زحمکنان جهان در صورت وقوع جنگ احتمالی امیرالایستی با مقاومت انقلابی علیه آن بیبا خاسته و آبراه هرمنی در جهت رشد انقلاب و پیروزی سوسالایم مستدل خواهند کرد. سیاست طبقه کارگر در مقابل اقدامات نجار و زکرا نه! امیرالایستی سیاست مبارزه و اقدامات انقلاب میباشد. این امری روشن است که نزدیکی با دوری امیرالایستی به یکدیگر برای طبقه کارگر و خلقها هیچ تفاوتی نمی کند. چرا که آن نزدیکی در جهت سرکوب انقلاب و استیسا دوری در جهت همپایی سبتر ارجا یول جهان و در نتیجه با رهم سرکوب و استیسا خلقها میباشد. بنا بر این تا وان دوری و نزدیکی امیرالایستی را خلقها میباید در نظر بگیرند. سوسال امیرالایستی کمونیستیا و وطنه کارگر برخلاف ریز و یونستیا و ملج ظلمان سوروز و همین حواصندی بد دوری و نزدیکی امیرالایستی با رهم استیسا تا زمانی که امیرالایم در جهان با استیسا جنگ و نجار و زکرا را سرکوب در هر دو حواصندی و آنها سبدا میکنند. این مریخ و سوسال سر بریده

کمون...

سبدا از یودحه ۱۳ کمون...  
در زمان اردیکنا نوزی پرولتاریا حرف می زدند. اما سبدا در کودا رطقتی خود با رها نایم کرده اند که خفا شیب سبدا کنیا نوزی پرولتاریا بوده و سبدا در کنیا نوزی ارتخا عی سوروزاری سبدا شد و اگر چه در یونستیا از ریز و یونستیا خراب استیسا کمونیستیا بطور عمیق در کنیا شوروی پرولتاریا را نشی کند استیسا امر هرگز به معنای آن نیست که آنان در کودا ریز و یونستیا طبقه کارگری سبدا نوزی پرولتاریا بطور مستمر و همیشگی حواصت بورژوازی اند.  
ریز و یونستیا های اروپائی با ارائه تیر ارتخا عی "اروکمونسم" (کمونیسم اروپائی) و لغو لیسنسیم وحدت "دیکناتور پرولتاریا" نشان داده اند که با ریز و یونستیا گذاشتن اصلی ترین دستاورد "کمون پارسی" دشمنان قسم خورده طبقه کارگر بوده و نوکران کثیف بورژوازی امیرالایستی میباشد.  
اما در سبهای کمون، ستاره سرخ راه نمای طبقه کارگر و دیگر زحمکنان جهان در مبارزه شان بر علیه ستم و استیسا رطقتی، در راه انقلاب و پیروزی سوسالایم میباشد و هرگز بین در سبهای درخشان با خیانت ریز و یونستیا مدفون نخواهد گشت. تجربه ۷۲ روزه کمون، برای پرولتاریای جهان، آنچنان اصولی را بجای گذاشته که انقلابات سوسالایستی اکثر، انقلاب جیبی، آلبانی و ... مهرباناید بر آنها زده و تا طبقات از جهان ریختن نیستند. ستاره همای کارگران و زحمکنان جهان برای آزادی از ستم و استیسا خواهد بود.  
مارکس در سخنرانی "در باره کمون پارسی" اظهار داشت:  
"اصول کمون ابیدست و نمیتواند از سبدا بیرون آید. این اصول تا زمانی که طبقه کارگر آزادی خود را ابیدست نیاورده، همچنان بقوت خود باقی است"  
در یودحه سال گذشته، طبقه کارگر و شیفتگان رها شیب کار را ریوغ سرمایه، سرودا نترتا سبوتال اثرشا عرا انقلابی کمون اوژن پواتیه را سبدا سبدهند که:  
"انترتا سبوتال است راه نجات انسانها" و امروز ما نیز خا طره کمون، دلاوریهای طبقه کارگر قهرمان پارسی، قهرمانیهای کارگران و زحمکنان جهان را زنده نگاه میداریم و قریباً د میرتیم:  
آری! کمون پارسی خا ودانه زنده است!  
آری! زنده با ددیکنا نوزی پرولتاریا!

جدیمکنان را! اهداف جناسکارانه امپریالیست - ها میباشد و به همین خاطر است کمونیستیا و طبقه کارگر، سیاست انقلاب جیبی تا به سودی ارتخا عی امیرالایم و سر بریده برای سوسالایم میباشد. ریز و یونستیا سوسالایم است که ملج و اشعی را برای جلفهای جهان به ارمغان می آورد.

# هدف حزب جمهوری اسلامی از "احیاء" کاشانی چیست؟

کیهان

حضرت آیت الله کاشانی امروز بخبرگاری و موسلاوی گفتند در ایران احتیاجی بتقسیم املاک نیست اما اگر مالکی میل خود مبادرت باینکار کند البته ایرادی ندارد از جانب شوروی خطری متوجه ایران نیست و برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم دولت باید اقدام کند



دردگرا دو پنج خبر کار روزنامه و آذربایجان جنگ ایجاد نموده و حاصل این دو پیکار چاپ بوگلاوی امروز آذربایجان مبادرت خود در دو بیست و هفت میل اظهار با حضرت آیت الله کاشانی آورده است. - عذر آیت الله نسبت به بیامت مصاحبه ای میل آورد که خلاصه آن ذیل الانظر خوانندگان مستفرد شود. در ایران چیست؟ - روسها در جریان ملی شدن سی - طبقه حشرت آیت الله

و با آنها جهت نبل به "مقدم واحد همکاری" میبموده است.

**میگویند:** آیت الله کاشانی از ملی شدن نفت حمایت کرد و با افراطگرها رده رهبری این جنبش را (که بورژوازی ملی ایران برهبری مصدق در دست داشت) از آن کاشانی میشارند. از ترور رژیم آریابدست خلیل طهماسبی که یکی از مریدان کاشانی بود سخن بمان میاورند و پیروزی نهضت ملی مردم ایران در خلق یکداز شرکت سابق نفت ایران و انگلستان را "ببرکت وجود آیت الله کاشانی" قلمداد میکنند.

**ولسی نمیگویند:** که کاشانی چگونه با مرتجعترین نیروها و مزدوران سیاستهای امپریالیستی نظیر دکتر مظفر قاشی کرمانی، حسین مکی و سبهدرا هدی همدست شد و پس از قتل ۱۳۳۱ بطور مدام و مبنی دروازه گونی دولت مصدق نمود. حزب جمهوری اسلامی که قصد دارد با احیاء سیاسی کاشانی او را از حیانتها بش به جنبش ملی ایران تظلمیر نماید و او را بعنوان "قهرمان ضد استعماری و ضد استبدادی" معرفی کند، هرگز نمیگوید که کاشانی همواره از رژیم سلطنتی و مالکیت فئودالی رمن حمایت نمود (بدستد شماره ۱ سوچه گند)

رژیم جمهوری اسلامی هرگز نمیگوید که آیت الله کاشانی از در افتادن با مصدق کارشکنی های زیادی علیه او در هندستان یا در بارود بگر عمال انگلستان از خود نشان میداد

خفقان رضا شاه او چنان رفتار "معقولی" داشت که رضا شاه در تعریف او خطاب به آیت الله بهیبهانی و دیگر روحانیون درباری گفته بود: "شما شما ها دروغ می - گوئید. تنها فردی که از زوی عقیده و ایمان و صراحت لجه بدیانت پابینداست سیدکاشی است"

(مجله خواندنیها مورخه اول شهریور ۱۳۳۱) **میگویند:** پس از شهریور ۲۵ و اشغال ایران بدست نیروهای متفقین آیت - الله کاشانی به زندان انگلیس ها افتاد و چه روزه - ها و روزه ها که در این باره به گوش مردم نمیخوانند.

**ولسی نمیگویند:** که اتهام اساسی او همکاری با

**آلمان نازی بود.** آری نمیگویند آیت الله سید اسوالقاسم کاشانی هم را با حبیب الله تونجخت و محمد حسین حسام وزیری و احمد نامدار (نماینده سرلشکر زاهدی) چگونه با جاسوس های شناخته شده آلمانی مثل مایر و برتولد شولتسه همکاری داشته اند. رژیم جمهوری اسلامی که از زندانی بودن آیت الله کاشانی در زندان انگلیس ها سخن میگوید هرگز از این اعتراف آیت الله سخن بمان نمیآورد که در رابطه با همین همکاری با آلمانها، او با رشید عالی کیلانی (یکی از وزرای عراق که با حمایت آلمانها دست بیک کودتای نا فیرحام در عراق زد) و نیز با مفتی فلسطین (\*) (که با آلمانها تماس داشت) مکاتبه مینموده است

\* مفتی فلسطین (حاج امین الحسینی) مجتهد و فتوادل بزرگ فلسطین که در راس جنبش ضد استعماری فلسطین قرار داشت و بگفته یکی از انقلابیون عرب علت مخالفت او با صهیونیستها غضب اراضی وسیع متعلق به خود او بود. از سوی دیگر او با اصطلاح برای مبارزه با یهودیان با آلمان نازی تماس گرفت و به آنان قول همکاری داد. حاج امین الحسینی که سرانجام با رهبران مرتجع عرب به سازش رسید از اشغال فلسطین بصورت بنا نهاده سیاسی در لیمان ردگی نکرد و با رژیم شاه هم روابط حسدای داشت و در بهمانی - های سفارت ایران هم شرکت نمود. او که در ۲۵ سال آخر عمر در انزلی شمس انزوی کاشانی میزیست حدود ۵ سال پیش در لیمان درگذشت.

رژیم جمهوری اسلامی که ماهیتش سرما به داری و بنا گزیر ارتجاعی میباشد، برای تحکیم قدرت سیاسی خود به انواع و اسائل متوسل میگردد. از سرکوب کارگران و رحمتگان و نیروهای کمونیستی و انقلابی گرفته تا دامن زدن هر چه بیشتر به چهل و نواکا هی ها و فریبکارها. رژیم میکوشد برای طمع جوس و همیمنان آن، تاریخ افتخار آمیز آذربایجان را بس است که در تاریخ به جستجو سپردارد، آن را تحریف میکند و حقایق را از چشم نوده های پنهان مبدارد. تا از آن میان، چه سره تصنی و ساخته و پرداخته ای را بعنوان "قهرمان" تحویل نوده ها دهد. طبیعی است که رژیم با ما همت ارتجاعی و عقب مانده اش امثال شیخ فضل الله نوری و آیت الله کاشانی را بعنوان سبیل و قهرمان مورد نظر خویش ارا شه میدهد اینها کسانی بودند که سیر مبارزه طبقاتی در جامعه ما آنان را مدت ها پیش از مرگشان به گور سپرده بود اینها کسانی بودند که کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی جامعه ما تا نرا طرد کرده بودند بعنوان خائنین به جنبش خلق به زیبا لسه دان تاریخ انداخته بودند. ما رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از نا آگاهیا و نیز با توجه به در دست داشتن انواع و اسائل تبلیغاتی، "کاشانی ها" و شیخ فضل الله نوری "ها را دوستدار نوده ها و "قهرمان استقلال و مبارزه با استعمار" میپربالیم جا میزند و برایشان "ویژنه نامه" و بیوسترهای رنگی چاپ میکنند و برنامه های مفضل را دیوتلوویزیونی - همه از جیب زحمتگان - براه میاندازد.

**میگویند:** آیت الله کاشانی همزمان با جنگ جهانی اول که در نجف بود نقش فعالی در مبارزات ضد انگلیسی در عراق داشت.

**ولسی نمیگویند:** که مخالفت او و دیگر روحانیون همانند او با انگلیسها تا چه اندازه تحت تاثیر حمایتشان از "خلافت عثمانی" و بدور از خواسته های واقعی انقلاب دمکراتیک مردم عراق بوده است. رژیم نمیگوید مجتهدی که رهبری مبارزات آن سالهای مردم عراق را بدست داشت یعنی آیت الله محمد تقی شیرازی چگونه تا مه های نظیاب به سفیر آمریکا و انگلیس منوقت و آنها را به حمایت از "اسلام" فرامیخواند (رجوع کنید به متن این اسناد در پیکار ۸۳ مورخه ۱۵ آبان ۵۹)

**میگویند:** آیت الله کاشانی پس از جنگ جهانی اول از دست انگلیسها فرار کرد و از عراق به ایران پناهنده شد.

**ولسی نمیگویند:** که چگونه با سکوت و نا شنید رژیم رضا شاه آسوده تدریس علوم دینی مشغول شد چگونه آیت الله کاشانی در مجلس موایبانی که رضا شاه برای تغییر سلطنت ارفا خار به بهیلوی برسد دا بیعنوان نماینده ای طرفدار رضا شاه شرکت داشت.

**میگویند:** کاشانی با استعمار حسنی و حسنان مبارزه میکرد.

**ولسی نمیگویند:** که طی ۲۵ سال دوره سلطنت

### هدف...

مصدق بعنوان نماینده سوزووازی ملی ایران در آن زمان میتوانست نقش مترقیانه ای داشته باشد و یکی از انحرافات بزرگ جری بوده هم نامقام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ عدم درک همین موضع و نقش مصدق بود مصدق هر چند لحاظ مشی رفرمستی خود نتوانست مبارزه قاطعانه ای را علیه رژیم سلطنتی و نظام فئودالی به پیش برد ولی کوتیدبا محدود کردن اختیارات شاه و نیز محدود کردن اختیارات فئودالها قدمهای اصلاح طلبانه بردارد. برای مثال مصدق در کنار برخی تصویب قوانین که تا حدودی بنفع دهقانان بود طی وصیتنامه ای که به کاشانی سپرده بود منجمله گفت که هر زمینی زراعتی که متعلق به اوست به زراعتی که روی آن زمینها کار میکنند داده شود (نقش از مجله خواندنیها ۲۱ مرداد ۱۳۳۱) ولی همانطور که در سند شماره ۱ مبینند کاشانی در برابر هرگونه اصلاحات ارضی میایستاد.



روزهای پس از کودتا، شمس قنات آبادی (با عمامه سیاه) که مدیر مجله آتش فردی بسیار نزدیک با کاشانی بود با کرباسچیان مدیر بنسرد ملت (اول از سمت راست) و عده ای دیگر در باشگاه افسران در حضور سپیدزاده هدی نخست وزیر کودتا دیده میشوند.

عکس از "سرد ملت" که خود را از کان قدا نشان اسلام معرفی میکند و هنوز هم منتشر میشود و برای برای خود جزو مبارزه با کمونیسم فاشل نیست. عکس فوق را در روزهای پس از کودتا بعنوان یک "افتخار" در رسیده ملت چاپ کرده اند.

داشت با ارتجاعی ترین نیروها که عمال سیاست های استعماری خارجی بودند همدست میشدند. "کاشانی در مجلس شورای ملی با زاهدی، بقاشی و حاشری زاده، میرا شرافنی (\*)، جمال امامی و

کاشانی در حمایت از شاه نیز شکر گردهای فراوانی بکار برد که یکی از آنها واقعه ۹ اسفند ۱۳۳۱ بود. کاشانی و آیت الله سیهانی (که در سرپرستی به دربار شاه معروف همگان بود) طی یک صحنه سازی، جمعیت زیادی را به دربار فرستادند تا شاه را که با اصطلاح میخواست ایران قهر کنند از مسافت مانع شوند. بدین ترتیب زمینه تبلیغات وسیعی بنفع شاه و سلطنت و علیه مصدق در این روز قرا هم آمد، که البته با توجه به روند مبارزه طبقاتی درون جامعه، تنها گروانندگان صحنه را رسوا ساخت.

حزب جمهوری اسلامی که فرزندان خلف کاشانی و بقاشی امثال دکتر آیت را در درون کمیته مرکزی خود دارد، البته حاضر نیست از خیانت اسلاف سیاسی خود سخن بگوید. حزب حاکم هرگز نمیگوید که کاشانی چه همکاری ها و وحدتی با حسین مکی (دلال دربار) و دکتر بقاشی (خائن به ملت، همکار کودتاچیان ۲۸ مرداد دوشنبه در قتل افشار رطوبی) داشت.

حزب حاکم هرگز نمیگوید که کاشانی چه رابطه ای با سر لشکر زاهدی داشت و چرا وقتی زاهدی تحت تعقیب دادستانی ارتش قرا گرفت کاشانی با استفاده از اختیاراتی که بعنوان رئیس مجلس شورای ملی داشت، به او پناه داد و از او استقبال کرد و از "مراحمتهایی که برای او قرا شده" اظهار تاسف نمود و از "خدمات" او به نهضت ملی ستایش کرد! (\*)

کاشانی با موضع گیریهای شدید ضد کمونیستی اش و وحشی که از قدرت گرفتن کمونیستها

سایر نوکران استعمار برای طرح و اجرای فتنه های جدید در مجلس جمع میشدند!

### پس از کودتای ۲۸ مرداد

- کاشانی با زگشت شاه را تبریک گفت  
- کاشانی ۳ روز پس از کودتا (۱ شهریور ۱۳۳۲) به ملاقات سپیدزاده هدی (نخست وزیر کودتا) شتافت (روزنامه مهشاهدا شهریور ۱۳۳۲)  
- کاشانی با سپیدزاده هدی ملاقات نمود و رئیس ستاد دولت کودتای ۲۸ مرداد، بقاشی، میرا شرافنی، و جانش معروف شمس قنات آبادی (که پس از کودتا همراه با میرا شرافنی محله بسا رشتگین و مبتذل "آتش" را برآوردند و زفا سدرین نشریات ۲۸ مردادی بود) همگاری نزدیک داشت. (سند شماره ۲). سپیدزاده هدی تمام نقلیه طی محاکماتی که اخیرا انجام شد روابط خاصه خود با کاشانی را افشا کرد که مورد تکذیب رژیم هم قرا گرفت.



چهارم عاشورا در منزل شیخان چغری واقع در تکیه دیبانه ماهه مجلس عزاداری برگزار بود که عالم شیخان چغری از رجال و مترجمین حضور یافته بودند. روز پنجشنبه در گذشت غرامت مغری مجلس شمس قنات آبادی بود که بسیاری از رجال در آن شرکت داشتند.

**آیه الکلانی در مصاحبه خود با خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز گفت:**  
**تا وقتی که دکتر مصدق، صدر کار است و جیبی برای تغییر کابینه نیست**  
 ایران سالیان دراز حاجت بلعانت دارد و وجود شاه جهت جامعی برای جمع آوری کلیه طبقات مردم است  
 ملت ایران نهصد میلیون او را از شرکت سابق طایگاریت و تمام موسسات ملت را از آن خود میداند  
**بارفعل محاصره اقتصادی ملت ایران دنبال کمونیسم که باین اطلاع مبادت دارند نخواهند**  
**رئیس مجلس معقدمات که ۳ گزارش هیئت هشت قری قابل ملاحظه در مجلس است**  
**روزنامه «دنی» «مهر» روزنامه نیویورک تایمز که روزانه صبح در پنجاه و چهار صفحه در نیویورک منتشر میشود و بهر از آن گردید یک میلیون بیاهد و همچنین «طلیح» «مهر» روزنامه وطن پنه در صفحه ۳**

**این شماره ۱۲ صفحه و قیمت همان ۲ ریال است**

کاشانی آنچنان بیش مردم رسوا و بی آبرو بود که اعلامیه او در سال ۱۳۳۳ دائر بر مخالفت با دادن امتیازات نفت به انگلیس نتوانست نظر مردم را نسبت به او مساعد سازد.  
 کاشانی تا سال ۴۰ که زنده بود در آنزوا میسررت انگیزی بسربرد. با وجود این رژیم شاه

\* میرا شرافنی پس از قسام بهمن بحر مخصانت های گذشته و همکار پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر شد ولی به وساطت همدستانش که در حزب جمهوری اسلامی هستند آزادگشت برای بازگشت که دستگیر شد و با وساطت آنها نزدیک بود که نجاست دهد ولی دادگاه انقلاب اسلامی اصفهان نجاست فشار مردم او را محکوم به اعدام نمود.

\* همسجا اشاره میکنیم که سر لشکر زاهدی علاوه بر حمایت کاشانی از حمایت آیت الله بنی صدر (پدر ابوالحسن بنی صدر) که از علمای معروف همدان و صاحب زمینهای وسیع بود نیز برخوردار بود. زاهدی که خود همدانی بود وقتی نتوانست از شخص در مجلس قرا کند مدتی در خانه آیت الله بنی صدر مخفی بود تا زمان کودتا قرا رسید.



هدف...

"خدمات" اورا فراموش نمیکرد. خویشاوندان نزدیک و برخی از پسرانش به مقامات عالی دولتی رسیدند. شاه از احوال - بررسی میکرد. کاشانی هم تا به آخر به طبقه خود و نمایندگان سیاسی آن رفا دارمانند متعلقه به مجلس بزرگداشتی باید اشاره کنیم که از پس از فوت سلطان محمد پنجم پادشاه مراکش (پدر ملک حسن یکی از سبیل های برجسته فتووالیسم در شمال افریقا) در مسجد

ارک تهران برگزار کرد (سال ۱۳۴۰) ما به همین اشارات اکتفا میکنیم (#) و در پایان چند سطر را در عرض تماشاى خوانندگان تا خود ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و حزب حاکم (#) آن را از طریق شخصیت های مرده زونده ای که بیبای آنها سینه میزنند نیز بشناسند. (#) - در تهیه این افشاگری کوتاه از کتابهای

آینده کاشانی در مصاحبه با خبرنگار افغانی :  
اگر گمگی از خارج برسد دولت زاهدی موفق به حل مشکلات و جلوگیری از کمونیزم خواهد شد  
من راضی بودم مردم خانه دکتر مصدق را خراب و باو توهین کنند  
با شروح انتزاعات ۷۷ نقطه کشور اکثریت برای تشکیل جلسات مجلس ۱۷ ساحل خیر اند شد

و آنوقت مجلس تشکیل نمیشود. نمایندگان هم نمیتوانند بر سرش اهدا کرد  
پس از وفات او، دکتر مصدق موجه موافقت دست خودند و دست شاه زده



پس از وفات او، دکتر مصدق موجه موافقت دست خودند و دست شاه زده

بقیه از صفحه ۱۷ آوارگان...

و پس نشان دهنده خشم روز افزون بوده ها از ظلم و ستم رژیم و روحیه تعرضی آنها نسبت به جمهوری اسلامی است اما محریانات این مبارزه از طرف دیگر نشان دهنده است که هنوز آتش خشم آنها تنها سمت و سوی بحثی از رژیم بعثی جناح حزبیه دار ردولسرا لیا هنوز آتش خشم توده ها نسبتا ممن مانده اند.  
وضفیه کمونیستها و انقلابیون پیگیر است که با شرکت در مبارزات توده ها و افشای هر دو جناح ارتجاعی رژیم و جهت دادن مبارزات توده ها به سمت کل رژیم، مبارزات زحمتکشان را ارتقا داده و بنا بودی کلیه ارتجاعیون و جنایتکاران خلق را نزدیکتر سازند.

۵۹/۱۲/۲۴

بقیه از صفحه ۱۸ فیلم...

بسته بود "چرب" تراست.  
رژیم جمهوری اسلامی برای بهبود وضع زندگی زحمتکشان و پرداخت حتی قسمتی از دستمزد زحمتکشان بودجه ندارد اما برای ادامه برتیا مه های غارتگرانه رژیم شاه و ساختن فیلم و شهرکهای مصنوعی چند میلیون تومان بودجه دارد!  
خوب! تبلیغ فرهنگ ارتجاعی و تحمیق توده ها هم خرج دارد دیگر!!

مبارزه انقلابیون در بند ادامه دارد!

از اولین روزهای سال نوا انقلابیون در بند در زندان اصفهان در اعتراض به فشار شکنجه و تهدیدهای رایج در زندان و نیز جهت مقاومت و اعتراض به "همبند" بودن با ساواکی ها و مزدوران سرسپرده رژیم شاه ابتدای شب را در راه روزندان بسربردند اما با یورش پاسداران سرما به رو برور شده و دو نفر از مبارزان به سلول انفرادی منتقل شدند. زندانیان انقلابی تسلیم فشارها، تهدید و ارا با پاسداران ارتجاع شده و دست از مقاومت برنداشتند. انقلابیون در بند جهت اعتراض به این شیوه های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی دست به اعتصاب غذا زدند. شکنجه و آزار روز افزون انقلابیون در بند شرایطی صورت میگردد که عده ای از مزدوران مرتجع نظیر حسن کلیمیان (سرما به دار بزرگ)، استوارزاده از سرسپردگان رژیم شاه، نیسل - فروشان رئیس کلانتری همایون شهرکه متهم به ۱۱ فقره قتل میباشد، بیگدلی از عوامل کودتای سال گذشته و... از زندان اصفهان آزاد شده اند. نوطنه ارتجاع عنیه انقلابیون افشا باید کرد! زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد باید کرد!

مختصر شده از علامه شکلات اصفهان

۱۳۶۰/۱/۴

بقیه از صفحه ۱۰ بیان...

به مقاومت در مقابل ارتجاع دعوت میکرد. ما هرگز فراموش نخواهیم کرد که چگونه رفیق محمود ما هبت ارتجاعی جنگ و رژیم را نزد توده ها افشا کرده و آنها را آگاه مینمود.  
رفیق را بیش از یکماه در بند زندان جمهوری اسلامی شکنجه کردند اما ارتجاع آنجا نیز شکست خود را به چشم دید و رفیق را به جوخه اعدام سپرد. و ستاره درخشان دیگری بر آسمان جنبش کمونیستی ایران و جهان نشست.  
رفیق محمود! ما با خون تو تجدید عهد میکنیم. ما ایمان داریم که با به خاک افتادن یک کمونیست مدها کمونیست دیگر سلاح او را برمیگیرند و راه او میروند. ما ایمان داریم که کمونیستها هیچگاه نمی میرند و یادشان در قلب زحمتکشان همیشه زنده است.  
رفیق محمود! ما شاگردان دست پرورده تو سا و دیگر عهد میکنیم که تا برقراری جمهوری دیمکراتیک خلق و تا برقراری سوسیالیسم و کمونیسم یک دم از مبارزه با زنا نیستیم.  
شاگرد رفیق محمود

ارتجاع و حشترده از آگاه شدن توده ها نسبت به جنایات رژیم جمهوری اسلامی از بلندگویی اصلی گورستان مرتضی اعلام میکرد که: "بطرف قبر آخری نروید، کا فر هستند!"  
خون سرخ کمونیستها و انقلابیون یاد آنها و راه آنها را زنده نگه میدارد. و لذا موجب وحشت ارتجاع است.  
خاطره سرخ رفیق شهید محمود صدی گرمی باد!

بقیه از صفحه ۱۰ بزرگداشت...

حاضر شدند. مزار رفیق با شعارهای "برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق"، "گرامی باد خاطره بیباک رگر شهید محمود صدی" و... و ستاره سرخی از گلهای آتشین زینت یافته بود. پلاکار دسرخسی که بر بالای مزار رفیق نصب شده بود، نظر جمعیت حاضر در گورستان را جلب میکرد و گروههایی از مردم با پی بردن به اینکه کمونیستها مراسم دارند بسوی مزار رفیق آمدند.  
ابتدا حاضرین با مشتهای گره کرده بکد قیقه سکوت کردند. سپس پیام سازمان خوانده شد. آنگاه ما در رفیق در صحبت کوتاهی گفت: "محمود یک کمونیست بود و من به او افتخار میکنم"  
پس از افشای گریه های خانواده رفیق سرود "سرو ایستاده" خوانده شد. و شعارهایی چون: "محمود صدی قسم به خون پاکت راهت ادامه دارد" "خلق بیبا می خیزد، جلاخون می ریزد"، "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" و... در گورستان طنین افکند.  
یکی از بستگان رفیق صن افشای رژیم جمهوری اسلامی گفت "مرتجعین میگویند محمود سده یک فتووال بود" وی صن اشاره به پدر کارگر رفیق محمود اضافه کرد: "این فتووال است؟!؟!، او و فرزندیک کارگر زحمتکش بود که به آرمان سرخ کارگران وفادار ماند."

پس از قرائت پیام رفیق فدائی (!قلیست) مراسم جهلم رفیق با شعارهای انقلابی پایان گرفت. در این مراسم تعدادی پاسدار مزدور سرمایه لجن پراکنی هائی گردندولی بخاطر ترس از جواکیم بر گورستان و برخورد های هوشیارانه رفقا نتوانستند در بزرگداشت رفیق احلال ایجاد کنند

نقشه از صفحه ۲  
سر مقاله ...

دولت را از مفهوم استراتژیک آن تهی سازند. استراتژی انقلاب، وظیفه متحقق کردن اهداف برنامهای انقلاب را برعهده دارد (که البته از نظر کمونیست ها این اهداف، برنامه حداقل - در صورت لزوم - و برنامه حداکثر - پرولتاریا را شامل میشود) وظیفه اساسی استراتژی تعیین آن جهت اصلی است که نهضت طبقه کارگر با یددریش بگیرد و جهتی که در آن پرولتاریا میتواند تصرف اصلی را به منظور تحقق بخشیدن به هدفهایی که در برنامها منظور شده است، با تاخیر هر چه بیشتر بردن - من وارد آورد. (۲). تعیین سیاست در برابر یک دولت معین، در واقع به معنای تعیین این است که در طول یک مرحله معین از انقلاب، چه طبقه یا طبقاتی میبایست سرنگون شوند، چه طبقه یا طبقاتی میبایست متحد و با سرنگونی نیروی طبقاتی فوق، قدرت خویش را مستقر سازند. تعیین سیاست در برابر دولت، به مفهوم تعیین سیاست در برابر طبقه یا طبقاتی است که دولت منافعی آن را نمایندگی می کنند. از جانب دیگر از آنجا که یک نیروی انقلابی، مبارزه با یک دولت معین را به منظور جایگزینی دولت و قدرت سیاسی مورد نظر خویش، جایز و ضروری می شمارد، بنا بر این، مسئله دولت و سیاست نیروهای انقلابی در برابر آن قبل از هر چیز یک مفهوم و معنای استراتژیک پیدا میکند. که در شرایط متعارف حرکت انقلاب این سیاست بهیچ وجه نمیتواند ونسی با سیاست تجزیه گردد. مسئله سرنگونی یک دولت، بیسک مسئله برنامه های و نیز استراتژیک است و نه یک مسئله تاکتیکی. چرا که معنا و مفهوم آن دقیقاً از درون ارزیابی از مناسبات اساسی طبقاتی و آرایش نیروهای جامعه و خصلت انقلاب در مرحله مورد بحث شکل میگیرد. اشتباه و انحسراف معاهدین در این است که مقوله دولت را به یک مقوله تاکتیکی تنزل میدهند و بنا بر این برای خود جایز می شمارند که بدون توجه به اهداف برنامه های انقلاب در مرحله کنونی، بدون توجه به اینکه در برنامه آنها، چه دولتی میبایست سرنگون و چه دولتی جایگزین آن گردد. (۳) این جایگزینی چگونه صورت میگیرد (و این هدف برنامه های چنانکاسی در سیاست عملی آنها در برابر رژیم معنی دارد، مبارزه با یک جناح از هیئت حاکمه را جایگزین مبارزه با دولت به مفهوم طبقاتی آن می نمایند. و با ایجاد مراحل کاذب برای انقلاب دمکراتیک - فدا میرالیستی حاضر، بهمان شیوه ای که رویزیونیست های کهنه کاری چون حزب توده در آن تبحر دارند، تئوری اپورتونیستی مراحل را زنده میگردانند در یک استراتژی انقلابی، مقوله دولت، تجزیه - پذیر نیست که سرنگونی دولت و جایگزین دولت نوین انقلابی نیز بدست تئوری مراحل سپرده شود و گام به گام و مرحله به مرحله صورت گیرد. چرا که متحدین و دشمنان انقلاب، در طول مرحله ای که دولت مزبور به عبارت وسیعتر سلطه سیاسی

طبقه معین برقرار است، تغییر اساسی بخسود نمی پذیرد و ذخایر اصلی انقلاب ثابت و لا یتغیر هستند. مگر آنکه درکی رفرمیستی از مقلولسه انقلاب، دولت و سرنگونی داشته باشد و یا اینکه بطریقی اپورتونیستی و رویزیونیستی مرزهای جنبه انقلاب را تا درون قدرت سیاسی حاکم گسترش داده و جناحها و جریان های ان نیروهای حاکم را در صفوف انقلاب قرار دهیم. مجاهدین با چنین انحرافی در پابه حرکت خویش، به تحلیل از اوضاع و تعیین سیاست در برابر دولت می - پردازند. مختصات اساسی این سیاست را در سه محور میتوان بیان نمود، که مجموعاً میتواند بروشنی درک لیبرال - رفرمیستی مجاهدین را از مسئله دولت نشان دهد.

۱- "مانع اصلی کدام است؟ مجاهدین بدرستی میگویند که "برای دگرگون کردن شرایط اوضاع ناگوار و نا مطلوب باید در درجه اول عوامل و به خصوص علت اصلی بوجود آورنده آن را بشناسیم و مانع اصلی را که پیشرفت و بهبود امور را سد کرده است، تشخیص دهیم و نتوانم و کوشش خود را در جهت رفع و دفع آن سمت دهیم." (۴) اما مسئله این است که اولاً چه درکی از مفهوم - شریط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب و مسئله "دگرگون کردن" آن داریم و با به عبارت دیگر چه درکی از مفهوم "انقلاب" داریم و بنا بر این، مانع اصلی "موجود بر سر راه" انقلاب، به مفهوم انقلابی آن را، در چه چیز میدانیم. از نظر ما شریط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب، از زاویه یک درک انقلابی، چیزی جز محرومیت و رنج و ستمی که در همه عرصه ها بر طبقات محروم و تحت ستم جامعه، از جانب نظام سیاسی - اقتصادی حاکم اعمال میشود، نمیشود. شریط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب از دیدگاه انقلابی، نه فشار است که از طرف یک جناح از طبقه مسلط بر جناح دیگر، یا یک نیروی ارتجاعی حاکم بر علیه نیروی ارتجاعی حاکم دیگر، بلکه ستمی است که از سوی طبقه یا طبقات مسلط بر توده های تحت ستم و انقلابی مردم، وارد میشود. لیبرالها هم در شرایط کنونی از "و خامت اوضاع" و شریط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب "سخن میگویند، همچنان که در دوره رژیم شاه نیز سخن میگفتند، اما میان درک آنها از این مقولات با درک انقلابی تفاوت ماهوی وجود دارد و وظیفه انقلابیون درست در این است که میسای این دودرگ مرزدقیق بکشند و از مخدوش کردن این مرزها جلوگیری کنند، کاری که مجاهدین انجام نمیدهند! برای این اساس مفهوم انقلاب نیز چیزی جز از میان بردن رنج و ستم طبقاتی بر طبقات محروم جامعه، معنا و مفهوم دیگری نمیتواند داشته باشد. بنا بر این در بازشناسی علت اصلی اوضاع نابسامان در یک جامعه طبقاتی همچون جامعه ایران، چیزی جز شناخت علت اصلی فلاکت و تیره - روزی توده های تحت ستم مردم، نمیشود. همان علتی که به مثابه "مانع و رادع اصلی" در برابر انقلاب و تکامل آن، یعنی در برابر هر گونه اقدام انقلابی در جهت "بهبودی" وضعیت زحمتکشان جامعه

عرض اندام میکند. بدین قرار با بد سوال کرده که "مانع اصلی" در برابر انقلاب ایران کدام است و علت اصلی اوضاع ناگوار و نا مطلوب موجود به زیان زحمتکشان، در کجا نهفته است. مجاهدین به این سوال اساسی است که پاسخ انحرافی و رفرمیستی میدهند. هیچ کس نمیتواند، حداقل در حرف، این نکته را مورد تردید قرار دهد که در مرحله فعلی انقلاب، امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به مثابه یک نظام ارتجاعی علت اصلی تیره روزی و فلاکت طبقات انقلابی و محروم جامعه میباشد. بنا بر این، برای دگرگون کردن اوضاع ناگوار و نا مطلوب کنونی به نفع زحمتکشان جامعه، هیچ راهی جز نابودی سلطه امپریالیسم در همه عرصه ها و سرمایه داری وابسته، وجود ندارد. به لحاظ سیاسی، آن قدرتی که به پای ساری از این نظام مشغول است و به تاسمین زمینها و شریط تولید و با ز تولید این نظام ارتجاعی میپردازد و لاجرم در این راه، به سرکوب انقلاب میپردازد عامل اصلی اوضاع "ناگوار" و "وخیم" فعلی، در عرصه سیاسی میباشد. اگر در دوره گذشته، رژیم شاه، به مثابه یک دولت بورژواکامپرادور کار - گزار امپریالیسم، به چنین وظیفه ای مشغول بود، اینک و پس از قیام، رژیم جمهوری اسلامی، در مکتب خویش چنین "مسئولیتی" را بر عهده گرفته است. تغییر در ترکیب قدرت سیاسی، بعد از قیام به هیچوجه، تغییری اساسی در عملکردهای اساسی دولت به مفهوم طبقاتی آن، یعنی از یک سوتامین شریط تولید و با ز تولید نظام ارتجاعی موجود و از سوی دیگر سرکوب انقلاب و مبارزات توده ها بر علیه این نظام، بوجود نیاورد و دست و در دست در همین عملکردهای اساسی است که دو جناح رژیم جمهوری اسلامی و در یک کلام کل هیات حاکمه با یکدیگر توافق و وحدت عمل دارند.

تجربه دوساله حاکمیت رژیم کنونی، نشان داده است که هیچ یک از دو جناح، در بازشناسی سیستم موجود - سرمایه داری وابسته - هر چند به اشکال جدید و متفاوت از گذشته و سرکوب مبارزات توده ها در این جهت تردیدی بخود راه نداده است توده های مردم در هر گامی از مبارزه خود، بر علیه نظام مستقر، ناگزیر در برابر دولت و ارگانهای سرکوب آن قرار گرفته اند. در عرصه واقعی مبارزه طبقاتی، نیروی توده های مردم، لیبرالها و جناح حزبی به اصطلاح "انحمارطلب" فرق چندانی نداشته اند. اینکه یک جناح، به دلیل تمرکز بیشتر قوای دولتی در دست خویش، نقش بیشتری در سرکوب داشته است، هیچ تغییر اساسی در مسئله فوق نمیدهد. طبقه کارگر در مبارزه خویش با سرمایه داری و دولت سرمایه دار، به همان میزان خویش را در برابر جناح لیبرال حکومت دیده است که با جناح "حزب" خلق کرد، در مبارزه با خواسته های عادلانه اش، هر دو جناح را یکسوی در برابر خود دیده است. خلق ما از خاطرنبرده است که دوره نخست وزیری با زرگان، چه جنبه پنهان و خیا نته، بر انقلاب و خلق ها توسط همین دولت



وارگان آن رواداشته شد.

بنا بر این، از دیدگاه انقلابی، مانع و رادع اصلی در برابر تکامل انقلاب ایران، نه این جناح یا آن جناح بلکه کل قدرت سیاسی حاکم همه جناحها در چوب دولت بورژوازی حاکم، میباشد. و این همان چیزی است که مجاهدین آنرا به دست "فرا موشی" امیسا رند، آنها برآیند که مانع و رادع اصلی انقلاب، یک جناح از رژیم حاکم یعنی "انحصار طلبان" و علت اصلی "شرایط و اوضاع ناگوار و نا مطلوب" فعلی در "حاکمیت انحصار طلبان" میباشد. این درک عملا زحد درک لیبرالها زمانع و رادع اصلی اوضاع فعلی، فراتر نمیرود. چرا که این مانع را نه از زاویه منافع انقلاب، و این شرایط نا مطلوب رانه در رابطه با شرایط و اوضاع نا بسامان توده های محروم چا مع، بلکه از زاویه لیبرالها، یعنی از زاویه حرص و ولع "انحصار طلبان" در جهت قبضه کردن قدرت سیاسی در دست خود، مورد نظر قرار میدهد. نیت مجاهدین هر چند هم که غیر با شد و قلب آنها هر چند برای توده های زحمتکش بطیده مضمون خط مشی سیاسی آنها، هیچ معنایی جز مفهوم فوق ندارد.

مجاهدین میگویند: "در بررسی علت اصلی اوضاع کنونی با توجه به موقعیتی که چه به لحاظ آزادی و عزم توده های مردم و چه به لحاظ زمینه ها و امکانات مادی گفته شده بدون شک با بدریسه مشکلات را در حاکمیت سیاسی بعد از انقلاب جستجو کنیم: ما در موارد متعددی این حقیقت را به تفصیل توضیح و نشان داده ایم که اوضاع کنونی چیزی جز نتیجه عملکردهای جریان انحصار طلب حاکم که پس از انقلاب زمام امور را در دست گرفته و بتدریج تمام مواضع کلیدی حاکمیت و قدرت را در قبضه انحصاری خود در آورده است، نمیباشد." (۵) مجاهدین از "حاکمیت سیاسی بعد از انقلاب سخن میگویند و علت اصلی اوضاع کنونی را در این حاکمیت میدانند. اما لیبرالها از این حاکمیت بنا گهان حذف میشوند، و "انحصار طلبان" به جای کل حاکمیت سیاسی می نشینند و بدین ترتیب عمل لیبرالها، بمثابة یکی از عوامل سد کننده راه انقلاب ایران، در کنار "برادران حزبی" خویش، در چرخه راجوب کل دولت بورژوازی از دایره تعرض توده ها خارج میگردد و نقش آنها در شکل دادن به اوضاع کنونی پوشیده میماند. برپا به این تحلیل، معلوم نیست که بالاخره، آیا دولت بازرگان در برابر انقلاب قرار گرفته بود یا نه؟ و آیا "عملکردهای" آن، در بوجود آوردن شرایط و اوضاع نا بسامان توده ها، ذی نقش بوده است یا نه؟ مجاهدین به این سوالات پاسخ نمیدهند هر چند که با تحلیل فوق عملا به آن پاسخ منفی گفته اند.

۲- مجاهدین مسئله سرکوب انقلاب: از یک دیدگاه انقلابی (و نه صرفا ما رگمیستی)، سرکوب را باید به مثابه مهمترین عملکردهای طبقات ارتجاعی حاکم، در جهت تامین شرایط زیست و باز تولید

نظام طبقاتی حاکم، بشمار آورد. بدین معنا که بورژوازی برای برپا نگهداشتن استثمار سرمایه داری بطور کلی و سرمایه داری وابسته بطور مشخص در جا مع ما، نیازمند مقابله با هر گام از مبارزه توده ای و هر قدمی از جانب آنها که بخواهد به دایره نظام حاکم تعرض نماید، میباشد. بورژوازی برای تامین این امر، از همه وسایل و طرق و شیوه ها سود میجوید. بنا بر این امر سرکوب از طرف بورژوازی تنها محدود به بکارگیری ابزارهای قهر بورژوازی و دستگاه نظامی - اداری آن نمیشود، بلکه همچنین ابزارهای ایدئولوژیک را نیز در این مسیر بکار میبندد. بورژوازی نه تنها بشکل قهری و از طریق ارگانهای سرکوب نظامی، بلکه از طریق رفرمه ها و دادن امتیازات محدود، و نیز از طریق نهادهای ایدئولوژیک خود بشکل تحمیق توده ها و القای ایدئولوژیک و تفکرات ارتجاعی و بازدارنده انقلاب، دست به سرکوب انقلاب و توده ها میزند. از سوی دیگر همانطور که در بالا گفتیم، سرکوب را باید از زاویه منافع انقلاب و توده ها، مورد نظر قرار داد. و تنها از این دیدگاه است که میتوان نظام هرواقعی هرگونه سرکوبی را در مقیاس وسیع در همه عرصه های زندگی و مبارزه توده های تحت ستم بدرستی تشخیص داد و سیاست صحیح را در برابر آن اتخاذ کرد. بر این اساس میتوان دریافت که در طول دو سال اخیر آنچه چیزی که اتفاقا جنبه وحدت همه جناحهای رژیم جمهوری اسلامی ایران را تشکیل میداده و میدهد، همانا سرکوب انقلاب و تامین الزامات زیست و بقای نظام حاکم است. شما هیچ موردی را نمیتوانید پیدا کنید که دو جناح بر سر نفس سرکوب اعتمادات و مبارزات کارگران در کارخانه ها، اقدامات مستقل و انقلابی دهقانان در روستاها، جنبش های خلقها در مناطق ملی، مبارزات توده ها در جهت تامین آزادیهای و اقدامات دیک... و بالاخره سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست اختلاف داشته باشند. کارنامه دولت بازرگان، در طول ۸ ماه حیاتش، به اندازه کافی گویای این امر است. بر این اساس وقتی لیبرالها با شیوه های خشن و عبریان جناح حزبی در سرکوب، شیوه "چما قدری" مخالفت میکنند، این مخالفت، اولاً جز مخالفت با بکار افتادن این چماق بر سر خود لیبرالها، برای زدن آنها از قدرت سیاسی نیست، ثانیاً، جز مخالفت با شیوه ای که اساس نظام سیاسی را، در شرایط اغتلا آگاهی توده ها، به زیر سوال میکشاند (که اینک هم اکنون جناح حزبی را حدوداً به زیر سوال کشانده است) نمیباشد.

مجاهدین، از سرکوب عمل چنین درگی را ارائه میدهند: زمانیکه، "چما قدری" رانه بمنسوان وجهی از سرکوب توده ها توسط بورژوازی (جناحی از آن)، بلکه صرفاً به عنوان عملکرد یک جناح تبلیغ و ترویجی میکنند. مجاهدین، با جدا کردن "چما قدری" از مجموعه عملکردهای سرکوبگرانه رژیم بورژوازی، و با محدود کردن دامنه دیسیدو تحلیل خود از سرکوب، به همین وجه از عملکرد

جناحی از رژیم، آن را از مضمون طبقاتی خود تهی مینماید و مضمونی به آن میبخشد که باب طبع لیبرالهاست. بی جهت نیست که در تمام تبلیغات و نشریات مجاهدین، هیچ نشانی جز "موردی معدوداً و آنهم بطور مبهم و گنگ و گساده انحرافی - از افشای رژیم در سرکوب خلق کرد و کشتارهای بی حساب و وحشیانه این خلق تحت ستم، یافت نمیشود. و این در حالی است که زخمی شدن یک هوادار مجاهدین بدست چماق - داران رژیم جمهوری اسلامی، بطور وسیعی صفحات نشریه آنها را بخود اختصاص میدهد (روشن است که منظور عدم افشاگری بر علیه این تعرضات ضد انقلابی رژیم نیست) و یا تعرض به فلان و بهمان شخصیت سیاسی اپوزیسیون رژیم، دموکرات یا لیبرال، از جانب دارنده های حزب جمهوری اسلامی، بطور وسیعی در صفحات و تبلیغات این نشریه انعکاس میابد. آیا این سوال برانگیز نیست که مجاهدین به عنوان مثال در برابر ترور و اعدام بسیاری از هواداران نیروهای کمونیستی بویژه سا زمان ما، مهر سکوت بر لب زدند و افشای آن هیچ جاشی برای خود در نشریات مجاهدین پیدا نکرد؟ در فرهنگ سیاسی مجاهدین، حمله به لاهوتی و با حمله به فلان میتینگ لیبرالها بوسیله چما قدران، معنای "سرکوب" را دارنده کشتار خلق کرد و یا کشتار روتور و انقلابیون کمونیست و فرستادن پاسداران برای سرکوب کارگران کارخانه ها، با این درک محدود از سرکوب و "چما قدری"، طبیعی هم هست که مجاهدین "خامت اوضاع" را تنها از عملکرد جناح انحصار طلب حزب جمهوری اسلامی، ببینند. و تنها این جناح را مانع "پیشبردان انقلاب" قلمداد میکنند. در این فرهنگ و بینش، لیبرالها از چما قدری منزّه و از مجموعه دستگاه سرکوبگری رژیم مجزا میگرددند و مخالفت آنها نسبت به چما قدری، عملا همان مخالفست توده ها با این پدیده به مثابه جلوه ای از سرکوب بورژوازی جلوه گرمیشود مجاهدین باید بدانند که خلق کرد، قبل از اینکه با پدیده ای به نام چما قدری روبه رو باشد، با دستگاه سرکوب رژیم ارتش لیبرالها، پاسداران حزب جمهوری... و روبروست و کل رژیم را در برابر خود ایستاده مینماید. مجاهدین هر چه فریاد برآوردند که حساب لیبرالها از ماجداست و هموشی ما "تا کتیک" است، سیاست آنها، فراتر از نیت آنها، مضمونی جز این بدست نمیدهد که دایره بینش و استنباط مجاهدین از مسئله سرکوب و چما قدری، از دایره بینش و تفکر لیبرالها از این مقوله، فراتر نمیرود. در غیر اینصورت مجاهدین هرگز به خود اجازه نمیدادند که متعین به اصطلاح تا کتیک از میان لیبرالها، حول مقوله ای به نام سرکوب آزادیهای دمکراتیک برگزینند، مگر آنکه مخالفت خویش را با این سرکوب آزادیها تا حد خواست تمایل و مخالفت لیبرالها، بسه عقب بکشند.

۳- "خلق بد" از یک جناح رژیم، یک شعار رفرمیستی



### مأموریت جدید صادق طباطبایی

طبق اخباری که در فضای هوادار در خارج از کشور بدست آورده اند، صادق طباطبائی سخنگوی مرتجع دولت بازرگان "برای مذاکره با مقامات امپریالیسم بلیژیک در هفته های آخر سال ۵۹، به بروکسل مسافرت کرده است. رفقای ما در مسدد تحقیق بیشتر در مورد اهداف سفر این خائن میباشند اما اطلاعات اولیه حاکی از این است که وی در جهت خرید اسلحه از امپریالیستهای بلژیکی مذاکراتی انجام داده است. این سفرهای مخفیانه و خریدهای اسلحه در شرایطی صورت میگردد که رژیم جمهوری اسلامی در بلنده گوهای خود دم از عدم خرید اسلحه از خارج و... میزند. سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی که ادعا دارند دنیا بد چیری را از مردم پنهان کرد، با ملاقاتهای مخفی به زد و بند با امپریالیستها و دیگر مرتجعین مشغولند.

### یادی از...

بقیه از صفحه ۳۲

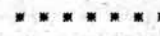
نشد برای سرکوب خلق قهرمان کردبه کردستان برود و در مقابل بد تبلیغ حقانیت مبارزه دلور - انه خلق کرد در میان ارتشیان جوان میپرداخت در هنگام کشتار خلق عرب بدست ژنرال مدنی جلاد رفیق ناصر که در آن زمان هوادار سازمان جریکهای فدائیان خلق بود با استفاده از امکانات ارتش یکدم از تبلیغ و فعالیت انقلابی بازمی ایستاد پس از در غلطیدن بخش بزرگی از سازمان جریکهای فدائیان خلق بطور کامل بدامان رویزونیسم رفیق ناصر با آشنائی و تمایس با مشی و سیاستهای سازمان، تا به صف هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست. رفیق ناصر میکوشید با زبان ساده اعلامیه ها و مقالات سازمان را برای سربازان و همکاران جوانش توضیح دهد و آنان را در پیوستن به صفوف انقلاب ترغیب نماید. پس از آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق رفیق ناصر فراوانی با شناخت و آگاهی به ماهیت جنگ در جهت انجام وظایف تشکیلاتی و تبلیغ در بین سربازان به صحنه های جنگ رفت و در راه افشای رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از آرمان سرخ طبقه کارگر جانفشانی را نیز فدا کرد.

یادش را کرامی مداریم و راه سرخ او را تا پیروزی انقلاب، برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و هتزاز بر جرموسیا لیم بر فراز ایران همچنان ادامه مدهم!



رفرمیستی خلع بد، جایگزین شیوه انقلابی و تهری سرنگونی میگردد. همچنین زمانی که یک جناح از مجموعه یک رژیم ارتجاعی مجزا گردیده و بطور محزا از کل نظام سیاسی مورد هدف قرار گیرد، روشن است که دستگرا شعرا سرنگونی این جناح، شعاری بوج ویی معناست و بکار بر سردن قهرا انقلابی در این رابطه امری خنده آور و مضحک جلوه گر میبند. تحقق این شعار رفرمیستی تنها از طریق شیوه های رفرمیستی امکان بدست خواهد بود. "خلع بد" همان نامی است که مجاهدین بر شعرا خود نهاده اند، خوبی این مضمون رفرمیستی را به نمایش میگذارد. بنا بر این روشن است که تحقق این شعار از طریق انقلاب، بلکه از طریق بندوبست هائی با جناح لیبرالها صورت گیرد، و با جدا کثرت شده های مردم، نه حول تضاد "پاشین" و "بالا"، بلکه حول تضاد میان دو جناح ارتزیم، مسیح گردند.

شعار رفرمیستی "خلع بد" از یک جناح ادهان توده ها را نسبت به علت واقعی "و خامت اوضاع" در جامعه و شرایط نامطلوب به زندگی زحمتکشان منحرف میسازد. درک طبقاتی از مفهوم سرکوب را از آنها میگرد و یک درک محدود لیبرالی را جایگزین آن مینماید. آنها را از سنگبری در جهت کل نظام سیاسی حاکم، منحرف میسازد، و به سمت یک جناح معطوف میسازد، جایجائی قدرت در چهار روجوب نظام سیاسی حاکم را "راه نجات" جلوه میدهد و در چنین چهار چوبی "بهبودی" اساسی در اوضاع و احوال را سوید میدهد. شیوه های انقلابی مبارزه را از آنها طلب میکند، ابده سرنگونی قهرا سبزا از ذهن آنها میزاید و شیوه های مسالمت آمیز و غیر انقلابی را در میان آنها تبلیغ میکند و شکل مسالمت آمیز انتقال قدرت را جانشین آن می نماید. شعار "خلع بد" مجاهدین، در واقع بسا ده کردن برنا مه لیبرالها در جهت کسب سهم بیشتر و با تمام قدرت و اتحاد انتظام و بیکار چگی در نظام سیاسی موجود است، چیزی که پیروژوازی برای غلبه بر بحران فعلی شدت به آن نیاز دارد. در صورت تحقق چنین شعاری، بر بنده اصلی نه توده ها و نه مجاهدین، بلکه لیبرالها بطور اخص و پیروژوازی حاکم بطور کلی خواهد بود. مجاهدین در این مسرتنها آتن بیار معرکه خواهند بود. و لیبرالها، این رباکاران عرصه سیاست، در فردای تحقق (فرضی) چنین شعاری، مجاهدین را، در صورتی که نخواهند به اصلاحات وفادار بمانند، با نوک چکمه ژنرال لیبسای "آزادخواه" خود، بکناری خواهند زد.



- (۱) - رجوع کنند به آخرین شماره ما حید سعید رجوی، در مورد بدست آزمان ما، مجاهدین ۱۰۴
- (۲) - نقل قولیهای داخل کومه ارفقاله مزسورا ست
- (۳) - استالین - در باره استراژی و تاکتیک
- (۴) - سرمقاله "مجاهد" شماره ۱۱۲ (با کداز ماست)
- (۵) - همانجا - (با کداز ماست)

بدین ترتیب زمانی که مجاهدین تکامل قدرت سیاسی بلکه جناحی از آن، جناح "انحصار طلبان" را مسئول اوضاع فعلی و علت اصلی وضعیت "ناسامان" کینونی معرفی میکنند، زمانیکه یک درک محدود لیبرالی از سرکوب را جایگزین درک طبقاتی و انقلابی از آن مینمایند و آن را صرفا محدود به عملکرد یک جناح یعنی حزب جمعی-سوری اسلامی میکنند، بنا بر این درازا که طریق رهائی و راه نجات نیز مینمایند "دفع شر" همین جناح را در سر لوجه مسالمت خود قرار دهند و شعرا سرنگونی پیروژوازی حاکم را به مثابه نیروی اصلی انقلاب و علت اصلی فلاکت و سیره بختی سوده های تحت - ستم، بدفع شعرا رفرمیستی "خلع بد" از بسک جناح ارتزیم، ترک گویند. هر چند که این ترسک گفتی را تحت پوشش "تاکتیک مرحله های" ترسیم نمائند. مجاهدین سوید: "تا وقتی این جریان حاکمیت ارتجاعی خود را بر غلبه شئونات مملکت حفظ کند، هیچ بهبودی سیاسی در اوضاع و احوال بدست نخواهد شد و چشم انداز روز بروز تیره تر خواهد شد. بنا بر این برای بیرون آمدن از اوضاع و حتم کینونی، و تضمین آینده انقلاب پیش از هر چیز با بدین مانع اصلی را از مسری بیشتر مملکت و انقلاب و بهبود امور و اوضاع بر طرف نمود و به عبارت ساده تر از هر چیز بدست آستن جریان و ایادی و عوامل آنرا از سر - سردم و مملکت کوتاه کرد. ... بنا بر این خلع بد از حزب حاکم و عوامل و ایادی انحصار طلب آن در کلبه تواریت و نهادهای کشور طرح نخستین اصلاح امور تودا و انقلاب و اولین قدم اساسی در راه نجات است. این صورت مرحله ای انقلاب ماست و بدون تحقق آن راهی بیرونی خروج از اوضاع و حتم کینونی و غلبه بر خطرات و تهدید هائی که متوجه انقلاب شده است نخواهد بود." (همانجا)

خلع بد از جناح انحصار طلب، و قطع دستهای آن از شئونات مملکت، همان شعاری است که روزها ما انقلاب اسلامی، ارگان رئیس جمعی-سور، سوژه در روزهای اخیر بصراحت، آن را طرح کرده و میکند. شعاری که بر اساس آن، یک جایجائی قدرت در چهار روجوب نظام سیاسی ارتزیم حاکم، میان دو جناح، به سود لیبرالها و به زیان جناح "حزبی" صورت میگیرد. مجاهدین در حقیقت شعرا برنا بدای خود را عملا حد شعرا را و خواسته های برنا بدای لیبرالها در عرصه سیاسی، به پاشین کشنده اند. مجاهدین "راه نجات" انقلاب را در "خلع بد" از حزب و لاجرم حفظ و بقای لیبرالها در قدرت مسا بند و لیبرالها بر "بقای انقلاب" (بخوان بقای سیستم حاکم را در محدود کردن دامنه قدرت جناح حزبی و با جدا کثرت آن از قدرت مینمایند. "راه نجات" مجاهدین با "راه نجات" لیبرالها در اینجا با یکدیگر تلاقی میکند و سر هم منطبق میشود.

روشن است زمانی که سرنگونی دولت است پیروژوازی از برنا بد حذف کرد و به حذف بسک. جناح محدود کردد، در کینونی این امر نیز شود.



### "اعتراف" جمهوری اسلامی

بلندگوهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی روز و شب داد میزندند که کمبود ما بحتا مردم در مناطق جنگ زده دروغی است که "ضدانقلاب" (سخوان نیروهای کمونیست و انقلابی) "شایع کرده اند!" و مدام زقراوانی مواد غذایی و... دم میزنند و البته در این مورد "شاهد" هم دارند و گواهی برای اثبات "ادعای" خود با "برادران" پاسدار و اجیان ارتشی مصاحبه های تلویزیونی برآه می اندازند اما واقعیت چیست؟ سندزیر صحت گفته های کمونیست ها را تا شید می کنند (گرچه ما را به تا شید ارتجاع نیازی نیست و واقعیت ها بهترین گواه بر صدق گفتار و عمل ما است).

ارتجاع در مکاتبات داخلی اش برای مقابله با "نارضایتی عمومی" که در رده خود دارد از روزگار رژیم جمهوری اسلامی در خواست آوردن وضع بد ارتجاع در خوزستان اعتراف میکند.

دیگر لیبرالهای خیانت پیشه به سردستی بنی صدر، با به سر خوردن و به اصطلاح افشای مکتبی ها داد و فغان راه می اندازند که "بیعت - العمل" دار به تاراج می رود، اما کیست که نداند که تمامی این قراردادها از طریق بانک مرکزی انجام میگیرد که رئیس آن "علیرضا نوبری" از نورچشمی های بنی صدر میباشد. توده های آگاه بخوبی میدانند که هر دو جناح رژیم - صوری - اسلامی با بستن این قراردادها از یک طرف و سرکوب مبارزات توده ها از طرف دیگر، بسزاعت بند های فربه خورده وابستگی را ترمیم کرده و نقش خود را در خدمت به امپریالیستها به بهترین صورت اجرا میکنند. اما جنبش توده ها اجسازه نخواهد داد تا رژیم ارتجاعی حاکم همچنان به خیانت های خود ادامه دهد. آری انقلاب زحمتکشان به این خیانتها و حیانت رژیم کمپانیان خواهد داد.

\*\*\*

طبق اخبار رسیده حدود چند ماه پیش "تربیتی" رئیس سازمان قند و شکر ایران با نظارت رجائی و بهزاد نسیمی و با واسطگی یکی از دلالتان بین - المللی اقدام به خرید ۲۰۰ هزار تن شکر مینماید جالب اینکه این قرارداد هنگامی بسته میشود که قیمت شکر در بازارهای امپریالیستی بالا بوده و کارشنان پیش بینی می نمودند که قیمت شکر بزودی پائین میاید. اما "تربیتی" مکتبی، با گرفتن رشوه از طرف معامله با بستن این قرارداد یک جا ۴۰ میلیون دلار به حساب فروشنده سرازیر میکند.

این معاملات بر سودها امپریالیستهای ایرانی انجام میگیرد که رژیم در خواست سود ویژه و عیدی از طرف کارگران و مزاربان و پاداش از طرف کارمندان را خیانت به "انقلاب" و اسلام قلمداد میکنند و سرکوب آنان را "واجب و شرعی" میدانند. از طرف

### زندانی سیاسی و شکنجه

زند، در کنار سرکوب نیروهای انقلابی نه تنها هیچگونه "مزا حتمی" برای سرما به داران، خوانین فئودالها، مولو بیهای مرتجع و ساواکیها بوجود نیاموردند، بلکه به همکاری و حمایت از آنها نیز پرداختند. و عده قلیلی را نیز که بعلت خشم و نفرت عمیق مردم از آنها دستگیر کرده بودند، مخفیانه آزاد کردند و جز این هم از این رژیم انتظار نمی رود آنها بیشتر مانده به خانه های مردم میزنند و با تیراندازی، محاصره و ضرب و شتم، جوانان انقلابی را دستگیر میکنند، ماشین ها را در جاده ها نگه داشته و به تفتیش و بازرسی میسند - بردارند. انجمن های اسلامی را که در حقیقت، انجمن های جاسوسی رژیم هستند، در مدرسه، کارخانه و ادارات به راه می اندازند. آنها گاه حتی از دستگیری پدران، مادران و میهمانان و کودکان نیز باثی ندارند.

در اینجا قسمتی از مقاله نبرد بلوچ شماره ۵ تحت عنوان "زندانی سیاسی و شکنجه" درج میکنیم: درست از فردای قیام بتدریج که رژیم زیر پای خود را محکم میکرد، مردم نیز شانه ها را از افتادن زندانها، ساواها، گشتیهای مخفی و... بودند با ختمانهای ساواک توسط کمیته ها و سپاه با سداران اشغال گردید. خانه گردی ها شروع شد کتابها و نشریات انقلابی ممنوع گردیدند با ندهای فالانژ و ترور و دست به ترور، سرکوب و کشتار نیروهای انقلابی پرداختند و جوخه های اعدام دوباره در میدانهای تیرسبز شدند. ساواکیها ش که توسط مردم دستگیر شده و به زندانها سپرده شده بودند نیز با تکریم و احترام و عذر خواهی بتدریج آزاد شدند زندانها مجدداً از کمونیستها و انقلابیون مملو شد و فرزندان انقلابی خلق مجدداً خود را در غل و زنجیرا سیر میدیدند. انواع و اقسام شکنجه های روحی و جسمی بکار افتاد. تحت عنوان "حذر عی" کابلها و شلاقهای سیمی مهربانگیس ارتجاع را بر پیکر استوار و پولادین انقلابیون میکوبیدند و با زهم میکوبیدند.....

شماره ۴۴۳۸  
تاریخ ۱۳۳۷/۲/۲۰  
پورت

وزارت آموزش و پرورش  
استاندارداری خوزستان  
سسه عالی

وزارت آموزش و پرورش  
سسه عالی خوزستان

وزارت آموزش و پرورش  
سسه عالی خوزستان

وزارت آموزش و پرورش  
سسه عالی خوزستان

وزارت آموزش و پرورش  
سسه عالی خوزستان

### دختران مبار در زندانهای رژیم

۱۳۵۹/۱۰/۲۴ - در این روز ۱۸ تن از زندانیان سیاسی انقلابی بوسیله هواپیما از تهران به سنج منتقل گردیدند. این مبارزان که همه دختران جوان کمتر از ۱۶ سال بودند در حالیکه دستهایشان در دست بند بود با بدنی ضعیف و رنجور و رنگ پریده که حاکی از شکنجه و شرایط طاقت فرسای ساواهای جمهوری اسلامی بود به زندان شهربانی منتقل گردیدند. با مشاهده وضعیت این دختران قهرمان که با مینی بوس از فرودگاه به زندان برده میشدند، چند نفر دست به اعتراض زدند که پاسداران در جواب القابنی که زیبنده همان "دختران زینب" میباشد نشان را این مبارزین نمودند و ادعا میکردند که هر کدام آنها چند پاسدار را کشته اند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی برای سرکوب مبارزین و انقلابیون کرد همچون دیگر نقاط ایران از هیچ جنایتی فرو گذار نمیکند. اما این رژیم نیز سرنوشتی بهتر از رژیم شاه جلاد نخواهد داشت.

(بمنقل از پیکار کردستان شماره ۶)

در طول ۶ ماه گذشته زندان سپاه پاسداران زاهدان (ساواک سابق) یکدم از نیروهای انقلابی خالی نبوده است، دستگیری کارگران و کارکنان آگاه بافت بلوچ، دستگیریهای متعدد دانش آموزان و دانشجویان انقلابی، دستگیری تعدادی از زحمتکشان مبارزان و... ما هیت فریب - کارانه و ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را برای زحمتکشان منطقه آشکارا رو عیان نموده است. توهین و ضرب و شتم دستگیر شدگان که گاه پس از آزاد شدن نیز آثار رکبودی در سروسورتشان پیدا است، بکار گرفتن انواع تهدیدها و شکنجه های روحی از جمله اعدام نمایشی، پراکنده نمودن زندانیان سیاسی در زندانهای مختلف، قراردادن آنها در سلولهای معتادین، چاقو - کتکها و منحرفین جنسی همراه با ایجاد تضییقات و فشارهای گوناگون برای خانواده زندانیان مبارز و با زرسی های متعدد در هنگام ملاقاتها، از دیگر جنایات مزدوران رژیم در قبال زندانیان انقلابی است.

● ● ●

اعدامهای نمایی، شنیع ترین اعمال منافی عفت با دستگیر شدگان و... حنا یا تسی است که توسط رژیم با اصطلاح انقلابی و ضد امپریالیست جمهوری اسلامی انجام میگیرد. در بلوچستان نیز همراه با گسترش فعالیت نیروهای انقلابی، رشد آگاهی توده ها و او جگی - سری مبارزات آنها، موج وسیع دستگیریها و بگیر و ببند های شیان آغا ز گردید و با ابعاد وسیعی بخود گرفت. ترورهای متعدد، حمله به تظاهراتها و راهپیمائی های نیروهای انقلابی، دستگیری دانش آموزان و دانشجویان مبارزان سیاسی است که بارها توسط نیروهای انقلابی افشا شده و زحمتکشان منطقه در طول سال گذشته خود شاهد آن بوده اند.

جالب اینکه است که مزدوران رژیم که در منطقه عوام فریبانه دم از مبارزه با خوانین می.

یادی از دورفیق شهید اسفندماه

به یاد رفیق  
محمود ابلاغیان



رفیق احد جلالی گوار

- دانشجوی دانشکده فنی دانشگاه تبریز
- مارکسیست لنینیست
- عضو بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق
- فعالیت انقلابی در بخش کارگری سازمان
- دستگیری در زمستان ۵۵ هنگام اجرای یک قرائت تشکیلاتی
- شهادت در اسفند ۵۵ در زیر شکنجه حلاوتان ساواک

بمباران گرامی و راه سرخ پیروزی!

بنازیم، تا آرمان سرخ او را به واقعیت تبدیل نکنیم بکدم آرام نخواهیم نشست.

سنگ و نعرت بر حلاوتان رژیم جمهوری اسلامی! پیروزی سازمان راه سرخ شهیدان کمونیست! برقرار باشد جمهوری دمکراتیک خلق!

۱۳۵۹/۱۲/۲۴

سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار خورستان

به آرمان سرخ کمونیست جوان رفیق شهید "حجت الله خوش کفا" وفاداریم!

۲۵ اسفندماه، سالگرد شهادت پیکار رگ جوان رفیق حجت الله خوش کفا، این رهرو جوان راه رهایی کارگران و زحمتکشان است. سال گذشته در چنین روزی رژیم جنایت پهنه جمهوری اسلامی چون همیشه به سرکوب نظام هرات کارگران پیکار را ندیدیم که برای کسب ابتدائی ترین حقوق انسانی یعنی کار با جماع کرده بود. نپذیرد اخت و آنها را وحشیانه به مسلسل بست. در این میان پیکار رگ جوان رفیق حجت الله خوش کفا شهادت رسید.

رفیق که از دانش آموزان مبارزان انقلابی بود فرصت پیدا نکرد تا مدتی طولانی در راه رهایی کارگران و زحمتکشان پیکار کند ولی آرمان سرخ را جاودانه بر فراز راه مبارزین انقلابی خواهد درخشید.

به خون پاکش قسم میخوریم تا تمامی حلاوتان خلق را نابود نکنیم، تا سرمان به داری راریش کن

در روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۲۱ مراسمی بسبب مناسبت کرامت مبداءت با دبیر کارگروه شهید رفیق محمود را اطلاعسان در زادگاه رفیق برگزار گردید. در این مراسم اسناد پیاپی ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - سرخورد خواته شد و سپس شعری زبانه که سا در فتنی رضا (کمال) سروده شده بود و پیاپی ما زمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - سرخورد قرائت گردید. تعدادی اعلامیه ما زمان نیز در رابطه با اقدام جنایتکارانه حزب دمکرات بخفت شد. قسمتی از پیاپی ما زمان در رابطه با شهادت رفیق رضا ابلاغیان بدست حزب ضد-انقلابی دمکرات در سوگان چنین بود:

"... با رضا و همزمانش مرده اند؟ نه، آنها در قلب تک کمونیستها، در قلب توده های زحمتکش و خلقهای ستمدیده ایران زندگانند. خون کاک کمال در قلب هزاران بچه کردستانی، که از هم اکنون فتنون رزم و علم رها می از دستم و استمارا میا میوزند، جاری خواهد بود. ما به همراه سایر انقلابیون و کمونیستها، به همراه طبقه کارگر و رگبرو خلقهای قهرمان ایران، مشتاق خونین و انقلابی خود را با خون کاک کمال تجدید میکنیم و سوگند میا میوزیم که تا آخرین قطره خون خود در راه آزادی طبقه کارگر و خلق قهرمان گردانید بشیم. اسلحه افتاده زودش کاک کمالها را بسرد و بی خواهیم گرفت و با تمام قوا راهشان را ادامه خواهیم داد. کرامی با دبیر فقای شهید رضا ابلاغیان - ظاهر ابراهیمیان - باقی خفاظی هر چه رسوا تریا در توطئه های خائسانه حزب دمکرات بر علیه زحمتکشان و سرخوهای انقلابی و کمونیست بر توان تریا در جنبش مقاومت خلقی کرد برقرار باشد جمهوری دمکراتیک خلق سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - سرخورد ۵۹/۱۲/۲۱

آنها بخصوص کسانی را که در کردستان کشته شده اند، بیشتر تبلیغ میکنند و قصد دارند که جوید خلق کرد در خوابگاه موجود سازند، اما واقعا کور خوانده اند. امروز بسیاری از زحمتکشان مایی به جنایات رژیم در کردستان برده اند. کردستان قلب سرخ انقلاب است. و مسامرات عادلانه و بحق کردها منت محکمی است که بر دهان غارتگران و خائسان به خلق کوبیده شده است. بیغل از ندای آواره با کمی تعبیر نثریه ما زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - تنکلات امغان شماره ۹

جاسوسی  
روزیونیستهای خائن!

اطاق افراد مبارز و آگاه کوش استاده اند. عوامل سیاه شیرینجا بست در اطاقها، مخصوص اطاقهایی که چراغمان روشن است، می ایستند و "استراق سمع" میکنند. ضمنا این روزها عوامل حزب جمهوری (که اداره خوابگاه را بدست دارند) مرتسا عکسهای کشتهندگان خودشان را به درود یوآرمی جیباند

مدتی است که "توده ایها" مرتب علیه سازمان پیکار شعاری نویسدند. ما در یکی از توده ایها، تحت تاثیر پیرپرش نثریه "ندای آواره" را که در اطاقشان انداخته بودند، به نیابتی (مستقل) خوابگاه داده است. هواداران سازمان جریکها (اکثریتی) نیز دست در دست توده ایها و عوامل حزب جمهوری علیه انقلابیون جاسوسی میکنند. آنها پشت در اطاق افراد مبارز می ایستند تا از حرفهای آنها سر در بیاورند. یک زن اکثریتی به انقباطی دخترش، تاکنون چند بار دیده شده اند که پشت در

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

# "بیانیه مهم" خمینی، داروی مسکنی بیش نیست!

# یادداشت‌های سیاسی هفته

## یادی از تکاور کمونیست، رفیق شهید ناصر قره‌هانی



با تالیف زیاد اطلاع حاصل کردم که رفیق ناصر قره‌هانی افسرانقلابی و تکاور کمونیست در اوایل خرداد ماه ۵۹ در اثر اصابت ترکش خمپاره‌های ارتش ارتجاعی عراق در مرز سلیمان به شهادت رسیده است. رفیق ناصر در سال ۱۳۲۲ در خوسر بدنیا آمد و در همانجا به مدرسه رفت. او پس از مرگ پدرش که معلم بود برای تأمین زندگی خود و خانواده‌اش در یکی از روستاهای نزدیک خوی به نگهداری گندوی عمل پرداخت و او از نزدیک با دردورخ روستا شیان زحمتکش آشنا شد. ناصر در سال ۵۲ وارد دانشگاه افسری شد و دوره جدت را با موفقیت گذراند و پس از تکمیل ۵۷ به ایران برگشت. با وجود تبلیغات ارتجاعی و شستشوی مغزی رایج در ارتش شاه، بودند سربازان و کادربلای جوان ارتش که با شناخت ماهیت پوسیده و ارتجاعی رژیم شاه و ارتش تا بدندان ملتخ، دل در عشق زحمتکشان گذاشتند و حاضر نشدند که مانند تفنگ‌شان را برای کشتار توده‌های زحمتکش بچکانند و رفیق شهید ناصر یکی از آنان بود. رفیق ناصر از طریق آشنائی با شخصیت و مبارزه فدائی شهید رفیق علی‌رضا نایب‌دین به ما رکنیم لنینیسم‌گراش پیدا کرده و در مدد شناخت سازمانهای انقلابی ایران برآمد. او هرگز حاضر نشد به "اطاعت کورکورانه" داده و در سرکوب زحمتکشان و خلقهای ایران شرکت نماید و در کنار تبلیغ انقلاب و شناساندن ماهیت ارتش ارتجاعی به سربازان و افسران جوان آنها راه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی از طریق شکل محفی دردورخ ارتش و پیوستن به سازمانهای کمونیستی دعوت میکرد. رفیق ناصر علی‌رغم فتا و اختیاراتی که بر ارتش جمهوری اسلامی حاضر نقشه در صفحه ۲۸

قدرت، عمل میکرد، با آنجا که هر لحظه امکان حوادث سیاسی سدهای را میداد انتظار داشت. در چنین شرایطی موضعگیری شخص خمینی مساویست یعنی تعیین کننده‌ای داشته باشد و در همین رابطه حزبها انتظار دارند که سیاست حمایت و پشتیبانی خمینی از آنها حزبها را وادار به عقب‌نشینی کنند، اما ارمان استناد مستحقند زنده خمینی علی‌رغم تمام و کراهی عمومی این نسبت به حزب و رهبری آن، در شرایط کنونی که کشور درگیر بحران عمیق اقتصادی و سیاسی و درگیر جنگی تمام عیار با رژیم عراق است و مهمتر از آن ضرورت سرکوب جنبش توده‌ای که هر روز با عتلا بیشتری می‌تواند با وجود وحدت هر چه بیشتر جناحهای هشتاد و یک ساله، قادر نخواهد بود از جناح حزب در مقابل بنی صدر و کسریها دفاع کند و هم‌اکنون انتظار میرفت، با آنچه پیش از قریب دو هفته سکوت و در واقع بی‌اثری در بیانیه‌های پشت پرده و آشکارا جناحهای درگیر، سیاست مهم خود را اعلام کنند. در روز ۲۶ اکتبر انتشار داد. این بیانیه ضمن تاکید بر ضرورت با سیاستی به اصول قانون اساسی و پرهیز از اختلافات روی تکالیف اساسی زیرتکه میکند:

- با تاکید روی سمت فرماندهی کل قوا توسط شخص بنی صدر، موقعیت وی را در برابر جریفان حزبی که حاضر نموده و می‌نشینند بنا به مترتبات این سمت را بدینا سوند تقویت نمود و این خود دست کسی صدر را در شورای عالی دفاع که ریاست آنرا سیر بر عهده دارد و همچنین در ارتش و سلسله مراتب آن با اثر می‌کنند و این همان چیزی است که حزبها از آن خرسند نیستند و در واقع مسئولان گفت که این بند از ساندیده به نفع آنها نبوده است.

- تعیین هماتی مرکز از نماینده حزب، نماینده بنی صدر و نماینده ما که وظیفه دارد موارد اختلاف دو جناح را مورد بررسی قرار داده و تصمیم‌گیری را اتخاذ کند. هر چند تاکنون نماینده ما در شورای ۳ نفره تعیین نشده، و اگر چه ما جماعت قوی کوی می‌توانیم نماینده ارمان تخصص‌های مورد قبول طرفین، اسباب بود، معینا مسئولان از هم اکنون بیش-بسی نمود که کراشین فرد مورد انتخاب با احتمال قوی مماثل به حزب جمهوری اسلامی خواهد بود و ما خواهد بود که با توجه به نقش تعیین کننده -

نقشه در صفحه ۲۹

بنامال حادثه در روز شنبه ۱۴ اکتبر در دانشگاه که خود نقطه عطفی در رسیدن بهای درونی رژیم و تنها هم‌سرا آنها به حزب جمهوری اسلامی بنام ریمرفت، جناح ریمرفت سرنگار بنام ندو با استفاده از تمامی ابزارهای قدرت و امکانات تبلیغاتی خود در حمله وسیعی را آغاز نمود. بهیسی مرد در سمت حزب و رئیس دیوان عالی کشور، رفیق‌حاجی با رعایت بنی و رئیس مجلس شورای اسلامی و روحانی محبت وزیر، هر یک سبب خود حمله کسری شده‌ای را علیه بنی صدر و کسریها آغاز کردند و با آنجا بنی ریمرفت که اسکرا سخنار محکم بنی صدر بنام آمد و موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور که در ابتدا بناظر عدم موضعگیری قاطع علیه بنی صدر از سوی رئیس مجلس اسکرا را مورد انتقاد قرار گرفته بود، کوشید بنی سرما از بنی تعیین شده‌ای که منتخب حزب جمهوری اسلامی است را اجرا کرده بود، زمینه محکومیت بنی صدر و طرفداران و سرافراهم نماید.

در همین رابطه را در دیوان و دیوانی بنام بنام ارکان تبلیغاتی حزب از رئیس جمهوری و ارکانها و سپاه‌دهانی که بنی صدر در حین ارتجاعی خود آنها را مورد انتقاد قرار داده و "جنبش سیاسی آنها را لکه‌دار کرده است، دعوت نمود تا در یک مناظره تلویزیونی جهت روشن شدن آنها شرکت کنند. حزب در نظر داشت با ورود در وقت قرار دادن ارکانها و سپاه‌دهانی که خود رهبری آنها را در احسان دارد، در برابر بنی صدر و از طریق مینمایان بنی صدر به دستمینی با ارکانهای انقلاب، ریمرفت بنی صدر را حالی نموده و به ضعف هر چه بیشتر وی و دیگر کسریها در صحنه قدرت سیاسی سرزد.

مقابلاً شخص بنی صدر با اعلام آمادگی خود جهت مناظره تلویزیونی با نحت وزیر و شخصیت‌های اول حزب یعنی بهیسی و رفیق‌حاجی، حزب را در محظوریت سندی قرار داده با آنجا که رفیق‌حاجی تا کراشین ارتجاعی مسئولیت در حواست عدوان در حالی بود که بهیسی برای حفظ "آبروی" حزب، بنا به دعوت را موکول به دروس شدن سببها ریمرفت از بنی صدر در باره حادثه ۱۴ اکتبر نمود.

بنظر حال بنی آمده‌ای حادثه ۱۴ اکتبر همچون خود است حادثه در جهت سندی هر چه بیشتر سازمان دو جناح رژیم و ارتش هر یک جهت حذف دیگری از

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست